مراحل رشد شناختی – ادراکی پیاژه(ناپیوسته)

حسی- حرکتی : ۲ سال اول زندگی (نوباوگان) ناپیروی دستور اخلاقی را نمی پذیرد.

تقلید- مکیدن – تکان دادن- گرفتن – انداختن- پایداری شی که کشف مهم کودک در این مرحله هست.(چیزی را پنهان کنید می تواند، بیابد.)

در مرحله حسی حرکتی چهار مقوله اصلی جهانی که کودک در ان زندگی می کند، یعنی شی ، فضا ، زمان و علیت به تدریج شکل می گیرد. در ۱۲ماهگی اگر همین کار را تکرار کنیم ، او دست خودرا دراز می کند تا اینه را لمس کند، سپس پشت آینه را نگاه می کند، اما هنوز نمی داند تصویر خودش است. زیرا به دنبال کودک دیگری است.

۱) **فعالیت بازتابی** تولد تا ۱ماهگی : تکان دادن دست، دیدن اشیا،حرکات مجزا اما بین چشم و دست هماهنگی وجود ندارد. درون سازی از همین نخستین مرحله از ظرفیت تکرار ، تعمیم ، بازپدیدآوری و بازشناسی برخوردار است. (حافظه شناسی)
۲) **اولین واکنش دوری** ۱تا۴ماهگی : مکیدن،هماهنگی وجود دارد،تقلیدی از رفتار خود نه رفتار دیگران
۳) **دومین واکنش دوری** ۴ تا۸ماهگی : تمرکز بر محیط ، تکرار حرکات ، بخشی از شی را پنهان کنیم میابد نه همه ی اشیا را زیرا بقای شی شکل نگرفته است.
۴) **هماهنگی طرحواره های ثانویه** ۸تا۱۲ماهگی : کودک مانع را کنار میزند و تمام شی را میابدو مفهوم بقای شی شکل میگیرد.
۵) **سومین واکنش دوری** ۱۲تا۱۸ماهگی : ازمایش و خطا ، طرحواره ها بیشتر متوجه محیط بیرونی هستند.بقای شی کامل می شود.
۶) **ابداع وسایل جدید از طریق فعالیت ذهنی** ۱۸تا۲۴ماهگی : به دنبال شی ای میگردد که نه دیده و نه پنهان کردنش را دیده است- حل مسایل جنبه ذهنی دارد. بازنمایی ذهنی. پیاژه این مرحله را اغاز درونی شدن روان بنه های حسی حرکتی می داند. این مرحله مرحله ابداع و اختراع، درک ناگهانی و بروز بینش است(مرحله تجربه آهان) . شروع رفتار سمبولیک ، تقلید در غیاب الگو (تقلید متفاوت) ، پی بردن به رابطه علت و معلولی پدیده ها است.

تقلید پیش شکل تجسم

دستشان قسمتی از بدنشان هست.

خود میان بینی(خود مرکز بینی): کودک بین خود وشی اطراف خود تمیز نمی یابد.در این مرحله هنوزمي تواند وجود چيزهاي محسوس اطراف خويشتن را جدا بداند. به همين دليل كودک شير خواره را خود مركز بين مي ناميم . به عنوان مثال , شنيدن صداي مادر از وجود مادر جدايي ناپذير است.

پایداری شی (بقای شی یا نگهداشت) : اگر چیزی را پنهان کنیم پیدا میکند.

پیش عملیاتی(مرحله نمادی یا رمزی) : ۲ تا ۷ سالگی

۱) پیش مفهومی: خود محوری، جاندارپنداری ادراکی، ویژگی آنی میسم ، استدلال تمثیلی(انتقالی از جزیی به جز دیگر) مثال مادر لباس پوشیده می خواهد از خانه خارج شود. تفکر جنبه ادراکی و جنبه های ظاهری امور
۲) تفکر شهودی: طبقه بندی میکند اما دلیل ان را نمی داند و اشیا را بر حسب یک ویژگی طبقه بندی میکند.استدلال شان برگشت ناپذیر است.

خود محوری یا خودمیان بینی به این معنا است **که کودک بین نقطه نظر خود و نقطه نظر دیگری تفاوتی قائل نیست**. در واقع کودک نمیتواند دیدگاه دیگران را در نظر بگیرد. تصور می کند جهانی که او می بیند همان جهانی است که دیگران نیز می بینند. کودک تصور می کند همه چیز در حول وحوش او اتفاق می افتد. نوعی فقدان تمایز بین واقعیت شخصی و واقعیت عینی مشهود است. یکی از مشهورترین ازمون های پیاژه برای اندازه گیری خود محوری کودکان، ازمایش سه کوه پیازه است.

خودمحوری(شامل : جاندارپنداری ، مصنوع گرایی، تفکر جادویی،واقع گرایی، رابطه ناقص علت و معلولی)

خودمحوری به سه شکل مشاهده می شود:۱- خود محورهای مستقیم یا خود محوری های فضایی، زمانی و علی . ناتوانی در دیدن آنچه دیگری می بیند(خود میان بینی فضایی)؛۲- خود محورهای غیر مستقیم که در انها کودک مساله را با من خود در ارتباط می گذارد۳- خودمحوری های اجتماعی که در رابطه با کاربرد قواعد در فعالیت ها است. ناتوانی در تبعیت از قواعد گروه(خودمیان بینی اجتماعی.) مانند نپذیرفتن قواعد بازی از سوی کودکان این مرحله

ناتوانی در حس کردن آنچه دیگری احساس می کند(خودمیان بینی عاطفی)

نا توانی در فهمیدن آنچه دیگری می فهمد، در تصور آنچه دیگری تصور می کند و حدس زدن مقاصد وی (خود میان بینی شناختی)

قرار گرفتن علائم به جاي واقعيات بيشتر جنبه تمثیلی دارد.

شی ای نماد شی دیگر است مثلا تکه ای از چوب میتواند نماد اسب باشد. هنوز به نگهداری ذهنی نرسیده اند.

میتوانند راه خانه دوست را پیدا کنند اما نمی توانند راه رسیدن به انجا را به کسی توضیح بدهند یا روی کاغذ رسم کنند.

تفکر پیش عملیاتی زیر سلطه ی تاثرات بصری است.

دانش رمزی و نمادی، خیالپردازی ، گفتار خود محور(نگریستن از دید دیگران برایش مشکل است)، برگشت ناپذیر

کودک , عروسکش را مي خواباند و نقش مادر را به عهده مي گيرد.

خط خطی کردن |، تصویرذهنی ساختن ،زبان گفتاری، آغاز سخن گفتن،جاندارپنداری ،همادبینی، تفکر جادویی و ماورالطبیعه،میان گرایی

استدلال تبدیلی(انتقالی): بدون تعمیم از خاص به خاص برود.

پیاژه از آزمون تخم مرغ ها و ازمون پیرمرد ها و عصاها و شیشه های آب نبات استفاده کرد.

مصنوع گرایی یا ساخته پنداری:
باور اینکه, چه بی جان و چه جاندارساخته و پرداخته دست ادمی است .مثلا ممکن است تصور کند که آسمان را با قلم مو نقاشي كرده اند.

عملیات عینی (محسوس): دوره دبستان از ۷ تا ۱۱سالگی(دیگر پیروی، واقع نگری اخلاقی ، تامین سازش)

دستکاری نشانه ها و علایم مختلف ،تفکر زبان،عملیات ریاضی و اندازه گیری، استنتاج عینی و منطقی، انتقال پذیری ،قواعدی که حاکم بر تفکر کودک ، تمرکز زدایی(کودکان توجهشان بر جنبه های مختلف شی است ، اشیا بیش از یک بعد دارند)

اصل هویت(خصوصیات اصلی شی تغییر نمی کند) ، اصل تعادل(برابری) و درون گنجی اصل منطقی است.

درون گنجی طبقه ای : بین مقوله روابط سلسله مراتبی وجود دارد - طبقه بندی و استدلال دیدن کل و جز اشیا با هم و طبقه بندی بر اساس تشابهات و تفاوت ها

سه اصل نگهداری ذهنی:

۱) این همانی: تغییرات در ظاهر از مقدار واقعی آن نمی کاهد.
۲) جبران: تغییر در شکل اشیا را جبران می کند.
۳) بازگشت پذیری (عمل عکس): به حالت اول برمی گردد.

نگهداری ذهنی ، بازگشت پذیری ،طبقه بندی(طبقه بندی درون گنجی، طبقه بندی متقاطع(هم طبقه بندی و هم ردیف بندی در سطح انتزاعی)، ردیف بندی، انعطاف پذیری

نقشه ی مسیر خانه ی دوست را ترسیم میکنند.

کمتر شدن خودمرکز بینی کودک ، تفکر او هنوز یک جریان مستقل نیست،قادر به مرور جریان فکری

در تفکیک واقعیات و فرضیات ناتوان است به همین دلیل منجر به انواع تفکرات فلسفه اسرار آمیزمیشود (در جنگل هاي دوردست گنج هاي مخفي وجود دارد و راز هايي هست.

استنتاج های استقرایی ، شرکت پذیری کودک واقع گرا و سازگار

طبقه بندی جز وکل، حل مسایل علمی و واقعی از طریق ازمایش و خطا

فرق بین عمل(قابل مشاهده) و عملیات(درونی)

عملیات به توان یک ، درک مفهوم بقا ماده وزن

واقع گرایی اخلاقی کاهش می یابد.

عملیات صوری: از ۱۱سالگی به بعد شروع میشود.(خودپیروی، کنش و واکنش متقابل و خود مختاری)

انتزاعی ، شبکه ،ظهور بعد، توحید، منطق قضایا، تناسب ها، عملیات ترکیبی(هوش انتزاعی و سازمان یافته) ، عملیات فرضی استنتاجی، تناسب بین روابط روابط برگزار میشود، جداشدن شکل و محتوی از یکدیگر(بدون حظور اشیا میتوان آن را طبقه بندی کرد)

نظریه هایی درباره واقعیت بوجود می اورد، فرضیه سازی ، پیش بینی،برنامه ریزی، توان محاسبات جبری، خودمرکزبینی نوجوان متحول می شود. پیشرفت در مهارت آموزی ، مفاهیم ضمنی ، حل مساله ، خود افسانه ای

به آینده و جهان بینی بپردازد. تفکر فرضی و مجرد ..تجرید

مسایل انتزاعی از قبیل مذهب ، اخلاق و سبک های زندگی مختلف

سن متافیزیکی، هوش انتزاعی ، یکپارچگی، بالاترین سطح تعادل جویی، کودک آرمانگرا و ناسازگار

ظرفیت های شناختی انسان تغییر کیفي پیدا نمي کند و آنچه گسترش و عمق مي یابد , محتواي فکر است نه ساخت های ذهنی

پیاژه (اکتشافی که توسط خود فرد یادگیرنده)

فعالیت از طریق دو کنش : ۱) برون سازی . همسازی (انطباق) **تقلید** خالص ترین نوع انطباق است.

۲)درون سازی . همگون سازی (جذب) خالصترین نوع جذب **بازی** است. مجموعه درونسازي و برونسازي ، **سازش** نام دارد.

رشد شناختی پایه رشد زبان است.

چهار عامل موثر در فرایند رشد ۱) رسش(رشد درونی) ۲) تجربه ۳) انتقال اجتماعی ۴) تعادل یابی : هوش (فرایند خودنظم دهی کودک) کودک یک روزه هم هوش دارد.

یادگیری کودک براساس ساخت شناختی او باشد. تاکید بر اکتشافی است و خود کودک راه حل را کشف میکند.

تفکر مستلزم زبان اموزی است(پیش از زبان تفکر وجود ندارد). ساخت شناختی تغییر میکند اما سازگاری و سازماندهی همیشه ماندگارند.

نگهداری ذهنی ماده در ۷ سالگی ، وزن در ۱۰ سالگی ، حجم در ۱۲ سالگی کسب میکند.

گفتار خود محور مانع رشد است (گفتار غیر اجتماعی و خصوصی) گفتار خود محور بیانگر ناتوانی کودک در انطباق دهی دیدگاه ها در تبادلات اجتماعی است.

روش آموزشی پیاژه بر یادگیری در این روش دانش آموزان « استقرایی » و « اکتشافی » استفاده میکند.

روان شناسان رفتاري تقويت را براي انگيزش دانش آموزان به ادامه دادن تكليف يادگيري به كار مي گيرند. روان شناسان شناختي به درگير شدن دانش آموزان در امر آموزش و يادگيري تاكيد مي كنند و يادگيرنده را به عنوان عضو فعال فرآيند يادگيري، در نظر مي گيرند و نقش معلم را به عنوان تسهيل كننده و يك واسطه در نظر ميگيرند.

پياژه مفهوم شناخت را دربرگيرنده تمام دانشي مي داند كه آدمي به دست مي آورد و شامل تفكر، حافظه، تشكيل مفهوم و ادراك ميشود و تفكر كودك در ساخت هاي شناختي او سازمان مي يابد.

کارکرد در تمام سنین نامتغیر است.

پیاژه سازنده گرایی شناختی یا درون زاد

محتوا: معادل است با رفتار ، به جنبه های قابل مشاهده ی هوش گفته می شود.

از دیدگاه پیاژه آموزش یعنی انتقال دانش هدف اصلی پروژه های پیاژه **معرفت شناسی** است.

هوش متبلور شدیدا تحت تاثیر فرهنگ، تجربه شخصی و آموزشی است و عمدتا جنبه کلامی دارد. هوش متبلور حاصل هوش سیال است.

راهبردهای شناختی و فراشناختی باعث تسهیل یادگیری و مطالعه میشوند.

شناختی : کسب شناخت و دانستن جهان هستی

فرا شناختی: دانش درباره ی فرآیندهای شناختی خودمان

راهبردهای شناختی

راهبردهای تکرار و مرور(شماره تلفني را از روي دفتر)

ویژه تکالیف ساده و پایه

۱. چند بار از رو خو اندن (مکرر خواني)

۲. چند بار رونويسي كردن (مكررنويسي)

۳. تكرار اصطلاحات مهم و كليدي با صداي بلند

۴. بازگويي مطالب براي چندين بار پشت سر هم (اهسته و بلند)

۵. استفاده از تدابير يادیار، مانند آهنگ، قيافه، و تصوير

ویژه تکالیف پیچیده

۱. خط كشيدن در زير مطالب

۲. علامت گذاري و حاشيه نويسي

۳. برجسته سازي قسمت هايي از كتاب

۴. رونويسي يا كپي كردن مطالب

راهبرد هاي بسط و گسترش معنايي

ویژه تکالیف ساده و پایه

۱. استفاده ازواسطه ها (جفت هاي كلماتي شانه -ليوان، پا -صندلی)

۲. تصويرسازي ذهني

۳. روش مكان ها(تجسم ساختماني را با تعدادي اتاق در ذهن خود)

۴. استفاده از كلمه كليد

۵. استفاده از سرواژه ها (نهاجا")

ویژه تکالیف پیچیده

۱. يادداشت برداري

۲. قياس گري(كار قلب را با يك تلمبه قياس مي كند)

۳. خلاصه كردن به زبان خود

۴. كار بستن مطالب آموخته شده

۵. آموزش دادن مطالب آموخته شده به ديگران

۶ . استفاده از اطلاعات آموخته شده براي حل كردن مسايل

۷ . شرح و تفسير و تحليل روابط بين اجزای يک مطلب

۸. بازگو كردن مطالب به زبان خود

راهبرد هاي سازماندهي(بهترين راهبرد شناختی) تقطيع(دسته بندی کردن) و نقشه ی مفهومی(بازنمایی تصویری و کلامی از مفاهیم و روابط بین آن ها)

ويژه تكاليف ساده و پايه

۱. دسته بندي اطلاعات جديد در قالب:

الف- حيوانات

ب- گياهان

پ- مواد معدني

ت- روابط سلسله مراتبي در رياضيات

ويژه تكاليف پيچيده

۱. تهيه فهرست عناوين يا سرفصل ها

۲. تبديل متن درسي به طرح و نقشه و نمودار

۳. دسته بندي اطلاعات جديد بر اساس مقوله هاي آشنا

۴. استفاده از طرح درختي براي خلاصه كردن انديشه هاي اصلي يك مطلب و نشان دادن روابط ميان آنها

۵. استفاده از نمودار گردشي براي توضيح و تشريح يك فرآيند توليد پيچيده

راهبردهای فراشناختی(جهت دادن و کنترل اطلاعات مثل ارزشیابی میزان یادگیری و تسلط)

نظام شناختی خودمان یا یادگرفتن یادگیری

۱) برنامه ریزی :تعیین هدف بای یادگیری، پیش بینی زمان، تعیین سرعت مطالعه، تحلیل موضوع یادگیری ، انتخاب نوع راهبرد یادگیری--- دانش آموزان فعال نه منفعل مثال : اطلاعات لازم را به دست آوردن ، به هنگام ضرورت گروه های کاری تشکیل دادن

۲) کنترل و نظارت: ارزشیابی یادگیرنده از میزان یادگیری خودش و هدایت یادگیری خودش ، از خود سوال کردن، کنترل زمان و سرعت مطالعه همان نظارت است، نظارت بر توجه یعنی کجا بیشتر توجه کند، پیش بینی نمونه سوالهای امتحان مثال : رد شدن از مطالی سرسری به خاطر کبود وقت(کنترل)

۳) نظم دهی: انعطاف یادگیرنده در تغییر راهبرد و روش یادگیری خود ، کنار گذاشتن راهبردهای غیرموثر و بکاربردن راهبرد موثر تا باعث تعدیل سرعت و اصلاح راهبرد یادگیری(مهمترین راهبرهای نظم دهی) شود.این راهبرد باعث انعطاف یادگیرنده میشود.افزایش یا کاهش دادن سرعت مطالعه مثال : افزایش سرعت مطالعه به خاطر نزدیک شدن به امتحانات

شیوه های مطالعه

۱) پس ختام : براساس بهسازی حافظه است یعنی سازمان دهی بسط معنایی و تمرین بازیابی این روش برای افراد بالای دبستان مفید است.

۲) مردر : برای دانشجویان مفید است.

۳) آموزش دوجانبه (متقابل) : یک تدابیر آموزشی شناختی و فراشناختی است که برای خواندن وفهمیدن ابداع شده است. به صورت گروهی است بیشتر برای دانش اموزان که مشکل خواندن و فهمیدن دارد. راهبردهای آن ، سوال کردن – خلاصه کردن- توضیح دادن- پیش بینی رویداد آینده . در اصل از اندیشه های ویگوتسکی مشتق شده است.

۴) آموزش مشارکتی .جانسون و اسلاوین

۵) پرسیدن متقابل (دوجانبه) : روش بالابردن فراشناخت است و نقش معلم و دانش آموز تغییر میکند یعنی معلم پاسخگو و دانش اموز پرسشگر است. روی دقت متن اثر دارد. مانزو

اگر مثالهای مثبت و منفی با هم ارائه شود یادگیری مفهوم راحت تر است و اگر ارائه مثال منفی در ابتدا باشد و سپس مثالهای مثبت داده شود یادگیری مفهوم اسانتر است.

بررسي مراحل رشد قضاوت اخلاقي

پيش از اين نيز بيان شد كه به زعم بسياري، نظريه رشد قضاوت اخلاقي كلبرگ مكمل نظريه رشد قضاوت اخلاقي ژان پياژه است . در اين بخش ابتدا به بررسي ديدگاه ژان پياژه مي پردازيم سپس مراحل مختلف رشد قضاوت اخلاقي در نزد كلبرگ را بررسي مي كنيم .ژان پياژه مراحل رشد قضاوت اخلاقي كودك را به دو مرحله تقسيم كرده است.

مرحله اول :واقع نگري اخلاقي(اخلاق ديگرپيرو) ۴تا۷سالگی سازش **اخلاق عینی** (خودمدار)

مرحله دوم :تقابل اخلاقي يا نسبي گرايي اخلاق(خودپيرو)۹تا۱۰سالگی کنش و واکنش متقابل **اخلاق ذهنی**(عدالت خود مختار و درک انصاف) اخلاق نسبی گرایانه

تعادل : نظم و توازن تعادل به دو صورت ۱- سازگاری(جذب درون سازی و انطباق برون سازی) ۲- سازمان دهی

در مرحله نخست، امور جاري براي كودك جنبه مطلق و ثابت دارند و نگاه او به قوانين نگاه به اموري تغيير ناپذير است كه هرگونه انحراف از آنها موجب تنبيه شديد خواهد شد .در اين مرحله اهميت يك عمل بر حسب پيامدهاي آن مورد ارزيابي قرار مي گيرد و كودك قادر نيست كارهاي افراد را مطابق نيات اشخاص عمل كننده مورد تحليل و تجزيه قرار دهد **كودک قوانين را اضطراري و جبري و اطاعت از انها را واجب و مقدس مي داند .علاوه بر اين , كودک فكر مي كند كه والدين و بزرگسالان مقدس و همه چيز را مي دانند.**

اما در مرحله دوم، قضاوت هاي اخلاقي كودك مبتني بر اين ديدگاه است كه قوانين اجتماعي اموري اختياري هستند و فرد قادر است آنها را تغيير دهد .در اين مرحله كودك به اين نتيجه مي رسد كه تخطي از قانون، همواره نادرست نيست و لزوما تنبيه به دنبال ندارد .در اين مرحله نقش عواطف و ديدگاه ديگران در ارزيابي رفتار آنها مورد توجه كودك قرار مي گيرد. قضاوت كودک بر اساس نتيجه عمل نخواهد بود بلكه انگيزه انجام عمل در قضاوت اخلاقي مداخله مي كند . در اين مرحله , كودكي كه يک فنجان را شكسته , برحسب انگيزه عملش , ممكن است از كودكي كه ده فنجان را شكسته , گناهكارتر باشد.

مراحل رشد گلبرگ:

۱) پیش تعارفی(پیش قراردادی) ۴ تا ۱۰ سال

مرحله اول: تنبیه و فرمان برداری(اخلاقی رفتار میکنم مبادا تنبیه شوم)

مرحله دوم:ابزار گونه نسبی-- توجه به نفع شخصی بازاری و بده بستانکارانه،نوعي سودجويي متقابل و کسب پاداش(اخلاقی رفتار میکنم تا پاداش بگیرم)ارضای علاقه آنی شخصی، لذت خواهی این گفته که تو پشت مرا بخاران و

من پشت تو را مي خارانم نه ناشی از وفاداری و انصاف(معامله به مثل) مصداق این مرحله است. کودکان عملي را اخلاقي مي دانند که براي آنان فايده داشته باشد.

۲) اخلاق تعارفی (قراردادی) : ۱۰ تا ۱۳ سال (حفظ نظم جامعه) در قید و بند اجتماعی نیست .

مرحله سوم: اتفاق نظر میانفردی یا موقعیت یابی -- همرنگ شدن با جماعت ، رعایت قواعد جمعی (پسر خوب دختر خوب) تحسین و تایید از جانب دیگران

مرحله چهارم :نشان دادن احترام به صاحبان و مراجع قدرت و کسب شان اجتماعی (ریاکارانه) حفظ نظم اجتماعی

۳) پسا تعارفی(فوق قراردادی) : بعد از بلوغ (از ۱۳ سالگی به بعد)

مرحله پنجم: پیمان اجتماعی—میثاق اجتماعی اخلاق قراردادی یا قرارداد اجتماعی(رفاه همگان و به نفع همه) حرمت افراد، دموکراتیک ازادی افراد،احترام به نفس حفظ کند. اصولی همگانی

مرحله ششم: پایبندی به اصول اخلاقی(از درون فرد می جوشد) وجدان اخلاقی و اصول انتزاعی، اصول مطلق برابری حقوق انسانی ،ازادی، اصولی که شخصا انتخاب کرده تا از سرزنش خویشتن در امان باشد. جهان شمول مثل مبارزه با تبعیض نژادی افرادی مثل مهاتماگاندی هرکسی به این مرحله نمیرسد.

روش های ایجاد تغییر رفتار با استفاده از نظریه شرطی شدن فعال(کنشگر)

روش های افزایش رفتار مطلوب

۱) تقویت مثبت (موثرترین و بهترین روش افزایش رفتار) قطع تقویت مثبت موجب پرخاشگری می شود.
۲) تقویت منفی مثلا بستن پنجره به خاطر سروصدای زیاد در کلاس درس (حذف محرک ازار دهنده ای که یادگیرنده می کوشد تا از آن فرار کند یا اجتناب کند.) یکی از شیوه های نامطلوب تغییر رفتار است. (گریزآمیزی: براساس تقویت منفی یا دیدگاه های شرطی سازی اتفاق می افتد.)

صدای شدید ، حرارت زیاد تقویت منفی نخستین هستند- غرزدن پدر و نوشتن تکالیف توسط پسر به خاطر نشنیدن غرهای پدر، بازکردن چتر برای جلوگیری از خیس شدن،تهدید به نمره کم یا تهدید به مردود کردن، شوک الکتریکی، کتک زدن ف دادکشیدن

مشکل تقویت کننده منفی این است که باید در مورد افراد اعمال شود تا درک کنند.

خاموش نمودن برخی دستگاه ها در کارگاه

معلم، دانش آموزان را با تهدید به دادن نمره کم و مردود کردن آنها در امتحان وادار به درس خواندن می کند.

تقویت منفی به دو صورت موجب افزایش رفتار می شود (1 :از راه قطع یا حذف تقویت کننده منفی(گریز اموزی)، دانش آموزی که بدلیل شلوغ کردن در کلاس معلم به او منفی می دهد و او در جلسات بعد سعی می کند که ساکت باشد تا منفی او حذف شود یا بغل کردن بچه توسط مادر زمانی که گریه می کند ، استفاده از چتر به جهت جلوگیری از خیس شدن و (2 ازطریق جلوگیری از وقوع تقویت کننده منفی(یادگیری اجتنابی) و دانش آموزی که برای جلوگیری از گرفتن نمرات کم از درس معلم و عواقب ناطلوب آن تلاش می کند تا از درس معلم نمره قبولی بگیرد،از راه یادگیری اجتنابی شرطی شده است و رفتار درس خواندنش برای گرفتن نمره قبولی نیرومند شده است یا با دیدن هوای ابری چتر با خود بر میدارد.

۳) تعمیم و تمیز: تعمیم عبارت است از گسترش پاسخ از محرک های اولیه به محرک های مشابه؛ به عبارت دیگر، تعمیم فرایندی است که طی آن، پاسخ یاد گرفته شده در حضور محرکی خاص، در شرایط دیگر و در حضور محرک های دیگر نیز

از ارگانیسم بروز کند؛ مثلا کودکی که کلمه گاو را تازه یاد گرفته است، ممکن است به علت شباهت؛ هر حیوانی را گاو صدا کند .پدیده تعمیم در آموزش و پرورش کاربرد زیادی دارد. افراط در تعمیم سبب اختلال در یادگیری خواهد شد .برای اجتناب از تعمیم نامناسب می توان از تمیز استفاده کرد؛ یعنی به شاگردان کمک کرد تا بین یک محرک و محرک های دیگر تمیز قائل شوند و بدانند که در مقابل چه محرکی باید پاسخی مقتضی ارائه دهند و در مقابل چه محرکی پاسخ ندهند. تعمیم یعنی گسترش یا تعمیم یک رفتار به موقعتهای تازه :کودکی که در هنگام تماشای برنامه تلویزیونی دلخواهش یا انجام بازی مورد علاقه اش آرام سرجای خود می نشیند، ولی در سایر اوقات مثل کلاس درس دائما "از سرجایش بلند می شود و از این سو به آن سو می رود .در این حالت جهت تغییر رفتار باید از روش گسترش یا تعمیم رفتار به موقعیتهای تازه استفاده کرد.

فاصله ی بین رفتار و تقویت باعث ایجاد رفتار خرافی میشود.هم تقویت مثبت و هم منفی در شکل گیری رفتار خرافی نقش دارند.

روش های ایجاد رفتار مطلوب

۱) **الگو برداری(سرمشق دهی یا تقلید** از رفتارمعلم) در زبان آموزی مهم است که قسمت اعظم آن از راه تقلید و سرمشق گرفتن از دیگران تحصیل می شود.. تقلید از رفتار پدر ، مادر ، خواهر، برادر و جلوگیری از معاشرت فرزندان با افراد ناباب نوعی رفتار بر اساس الگوبرداری است. البته باید بلافاصله بعد از تقلید رفتاری مطلوب، آن رفتار را تقویت کرد.

۲) **شکل دهی** (رفتار جدید از رفتار قبلی کاملتر است)تقویت تقریب های متوالی (یعنی رفتار نزدیک به هدف و بر اساس تقویت تفکیکی استوار است)و رو به جلو هر حلقه تقویت می شود. وقتی اجزاء رفتار مورد نظر را نتوان در رفتار یادگیرنده مشاهده کرد، از روش شکل دادن استفاده می شود.کبوتری که کلید را برمیدارد سگی که پنجه اش را بلند میکند اسبی که سرش را حرکت می دهد انچه شما در سیرک میبینید شکل دهی رفتار از طریق شرطی شدن فعال است. اصل شکل دادن به این نکته تأکید دارد که وقتی معلم یا تغییردهنده رفتار می خواهد رفتاری را به کودک یا دانش آموز بیاموزد، نباید منتظر بماند تا آن رفتار بطور کامل نمایان شود .و سپس کودک یا دانش آموز را تشویق و تحسین کند، بلکه در هر قدمی که بسوی آن رفتار برمی دارد باید مورد تشویق و تقویت قرار گیرد. برای مثال، وقتی که دانش آموزی کلمه مطابقت را بصورت متابغت می نویسد، اگر در مرحله بعدی آنرا بصورت متابقت بنویسد، با اینکه این کلمه را هم غلط نوشته، اما چون یک قدم به املای درست کلمه نزدیک تر شده است، لازم است تقویت شود. مثال دیگر کشیدن دایره با کوچکترین خطی که نشان دهنده ی منحنی باشد تقویت شده ولی پاسخ های او را که هیچ شباهتی به دایره ندارد تقویت نمیکنیم و..

۳) **زنجیره سازی(مهارت آموزی)** (رفتار ساده به رفتار پیچیده مانند مسواک زدن) و(رفتار اولیه نقش محرک تمیز را بازی می کنند) بازی با قطعات بریده تصاویر

۴) **زنجیره سازی وارونه:**(تقویت رو به عقب) از اخرین حلقه شروع می شود زیرا دریافت تقویت سریع تر اتفاق می افتد مثل خواه در کلمه خواهر یا یک پازل را میچینیم و سپس از انتها یک قطعه را برمی داریم و از او میخواهیم در جایش قرار دهد سپس دو قطعه اخر و الا اخر تا پازل مورد نظر دوباره از انتها چیده شود.

۵) **محو کردن** مثل نمایش عدد دو با محو کردن دو شکل

۶) **تفکیک پاسخ:** هنگام تدریس رفتاری تازه، اگر اجزاء آن رفتار در خزانه رفتار یادگیرنده موجود باشد، می توان از روش تفکیک پاسخ استفاده کرد .در روش تفکیک پاسخ، معلم به تقویت اجزائی از رفتار می پردازد که مفید تشخیص داده می شود و به اجزاء نامربوط توجهی نمی کند.

تقویت پیاپی در اغاز یادگیری ولی برای نگهداری رفتار بهتر است از تقویت سهمی(فاصله ای) استفاده کنیم.

روش های نگهداری و حفظ رفتار مطلوب

روشی را که برای جلوگیری از خاموشی یا نگهداری رفتار مطلوب به کار می برند، تقویت متناوب می گویند .تقویت متناوب را به دو صورت تقویت نسبی و تقویت فاصله ای می توان بکار برد.

۱) **تقویت نسبی وسهمی**(نسبی(تعداد پاسخ معین) و فاصله ای(زمان معین)
ریشه همه خرافات در تقویت نابسته ، بیشترین نرخ پاسخدهی در تقویت نسبی متغیر(تعداد پاسخ مشخص نیست) است.
۲) **رقیق کردن برنامه تقویتی** (از تقویت مصنوعی کاسته و به سوی تقویت محیطی می رویم)برنامه از پیاپی به سمت سهمی میرود.از تعداد تقویتها می کاهیم.

نسبی ثابت : در تقویت نسبی ثابت، **عمل تقویت پس از تکرار تعداد معینی پاسخ انجام می گیرد**؛تعداد پاسخ ها مشخص است سرعت پاسخدهی آزمودنی بسیار بالاست.

نسبی متغیر: ؛ تعداد پاسخ ها فرق میکند. تقویت در ازای چند تمرین مشخص نیست.بیشترین نرخ پاسخدهی(سهمی)

فاصله ای ثابت: در تقویت فاصله ای ثابت، **به جای تعداد پاسخ معین، پس از مدت زمان ثابتی رفتار تقویت می شود** براساس این برنامه، یک پاسخ تنها، بعد از گذشت مقدار زمان ثابتی، تقویت تولید می کند. معلمی که در روزهای پنج شنبه ی هر هفته تکالیف انجام شده دانش آموزان را تصحیح می کند و آنهایی را که در طول هفته تکالیفشان را انجام داده اند تقویت می نماید از این برنامه سود میبرند.

فاصله ای متغیر: اگر معلم بجای یک روز مشخص هفته، بطور غیر قابل پیش بینی، در روزهای مختلف هفته به تکالیف درسی دانش آموزان رسیدگی کند وکسانی که تکلیف خود را انجام داده اند تقویت نماید.

پیاپی: کمترین نرخ یادگیری را دارد.

در مرحله اکتساب تقویت پیوسته مناسب است اما در مرحله ی نگهداری تقویت سهمی مناسب است.

روش های کاهش یا حذف رفتار نامطلوب

۱) **تقویت تفکیکی+**(جانشین ساختن رفتار مطلوب به جای رفتار نامطلوب)روش غیرمستقیم گفتن دروغ و هر وقت راست بگوید بلافاصله مورد تقویت قرار میگیرد.

الف) با نرخ کم(دانش آموزی که با سرعت خیلی زیاد تکالیفش را انجام می دهد و درنتیجه، آنها را غلط و ناخوانا می نویسد، اگر آهسته به نوشتن تکالیفش بپردازد،درست و خوانا خواهد نوشت.)، ب) رفتار دیگر(برای مثال دانش آموزی که در کلاس اکثر وقتش را خارج از صندلی خود و به صحبت کردن با همکلاسیهایش می گذراند باید همه ی رفتارهای مطلوب او ازجمله گوش دادن به حرفهای معلم، سؤال کردن از معلم به جز ترک صندلی مورد تقویت قرار بگیرد.)،ج) رفتار ناهمساز(دانش آموزی که در کلاس مزاحم همکلاسیهای خود می شود و کمتر به درس و کار خود می رسد؛ هر وقت که این دانش آموز آرام در صندلی خود می نشیند و به انجام کارهای خود می پردازد و کاری به دانش آموزان دیگر ندارد، او را تقویت می کنیم.)

۲) **سیری(اشباع) +**(جانشین ساختن رفتار مطلوب به جای رفتار نامطلوب) غیرمستقیم رفتار نامطلوب را برای مدت طولانی تقویت میکنیم تا اشباع شود. نکته مهمی که درباره استفاده از این روش باید در نظر گرفت این است که این روش تأثیر موقتی دارد، معلم باید بجای استفاده از روش سیری یا همراه آن از روش تقویت رفتارهای ناهمساز استفاده کرده و رفتار مطلوبی را جانشین رفتار نامطلوب سازد.
۳) **خاموشی –** روش مستقیم (ملایم ترین روش) عدم ارایه تقویت
معلمی که می بیند توجه بیش از حد او منجر به لوس شدن یک دانش آموز شده است، توجه خود را از او می گیرد و بدین طریق رفتار نامطلوب را در او خاموش می‌کند.
۴) **محروم کردن از تقویت –** مستقیم
مثال : به علت بی انظباطی از کلاس اخراج کردن
می توانیم دانش آموزی را از کار روی پروژه ای در کارگاه، شرکت در بازی در ساعت ورزش یا هر نوع فعالیت خوشایند دیگری محروم کنیم.

۵) **جریمه کردن –** مستقیم (کم کردن از تقویت کننده ای که قبلا کسب کرده است)جریمه نباید سنگین بلکه باید قابل جبران باشد. کم کردن نمره، کم کردن حقوق بعلت غیبت، جریمه شدن در رانندگی.

۶) **جبران کردن –** مستقیم انجام عمل عکس رفتار نامطلوب

معلم دانش آموزی را که خرده کاغذ و خرده تراش مداد خود را در کف کلاس می ریزد، وادار می کند تا آنها را جمع کرده و در سطل **زباله بریزد**.

مثلا "از دانش آموزی که به یکی از همکلاسیهایش توهین کرده است بخواهد تا نه تنها از آن فرد بلکه از همه دانش **آموزان کلاس معذرت** خواهی کنددر این صورت از روش جبران اضافی استفاده کرده است.چندبار نوشتن غلط های املایی هدف ان اصلاح نواقص املا است.

۷) **تنبیه -** مستقیم (خشن ترین روش) ارایه محرکی ازاردهنده تنبیه باید بلافاصله و با علت باشد.مثلا سیلی زدن. تبیه همان تقویت کننده ی منفی است تنها تفاوت این است که در تقویت کننده منفی باعث افزایش رفتار اما در تنبیه موجب کاهش رفتار می شود

تنبیه موجب پرخاشگری علیه تنبیه میشود. موقتا ازبین میبرد و دوباره رفتار نامطلوب شکل میگیرد.

سبک های مختلف اداره ی کلاس درس

صرف نظر از اینکه آموزش جنبه ی معلم – محور داشته باشد یا یادگیرنده – محو، معلم نقش رهبر را در کلاس به عهده دارد، زیرا هر زمان یک گروه تشکیل می شود، چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی، وجود یک رهبر مورد نیاز است .اداره ی کلاس درس عمدتا در رابطه با آموزش معلم – محور است.

موفق ترین سبک مدیریت در همه ی گروههای اجتماعی، از جمله خانواده و کلاس درس، **سبک اقتدارگرایانه همراه با احترام و محبت متقابل است) دموکراسی قانونمدار**. درکلاس درسی که با سبک اقتدارگرایانه اداره می شود، معلم و شاگردان با

توجه به رعایت حقوق یکدیگر رفتار می کنند .در این شرایط آموزشی، رفتارها در محدوده ی قوانین و مقرراتی صورت می پذیرد که خود وضع کرده اند یا دیگران وضع کرده اند و آنها قبولشان دارند .در کلاس هایی که با راهبرد اقتدارگرایانه اداره می شوند، دانش آموزانی پرورش می یابند که می توانند مستقل عمل کنند، اما هنوز به هدایت و راهنمایی معلم نیازمندند.

معلمان اقتدارگرا دانش آموزان را به تبادل نظر تشویق می کنند و نسبت به آنان با محبت رفتار می نمایند .آنان قوانین و مقررات کلاس را با توجه به نظرها و پیشنهادهای دانش آموزان وضع می کنند.

در کلاس درسی که با **سبک مستبدانه** اداره می شود، تنها معلم است که بر کل کلاس حکومت می کند و هیچ شاگردی حق اظهار وجود ندارد .در این سبک، مدیریت یا قوانین و مقرراتی وجود ندارد، یا اگر هم وجود دارد به نفع معلم تعبیر و تفسیرمی شود .تأکید این کلاسها، به جای آموزش و یادگیری، به حفظ نظم و انضباط است .دانش آموزان این کلاسها یادگیرندگان منفعلی هستند.

در **سبک آزاد گذاری** که به آن آسان گیری نیز می گویند، هیچ قاعده و ضابطه ای حاکم بر رفتار دانش آموزان یا دانشجویان

نیست .در کلاس درس معلمی که به این سبک اداره می شود، نوعی هرج و مرج حاکم است، زیرا در آن از سوی معلم هیچ

محدودیتی اعمال نمی شود ونیز هیچ گونه رهنمودی داده نمی شود .معلم در این سبک کلاسداری در رابطه با یادگیری و

هدایت رفتاری، کمک چندانی به دانش آموزان نمی کند.

بهترین سبک اداره ی کلاس درس اقتدار گرایی آزاد منشانه یا دموکراسی قانون مدارانه است . در مجموع ، این سبک به دانش آموزان شما بیشتر از سبک های مستبدانه و آزاد گذاری فایده می رساند و به آنان کمک می کند تا به صورت یاد گیرندگان فعال و خود سامانگر، خود نظم دهنده بار آیند . " به باور چایلد ، بهتر است معلم خود را به یک سبک واحد مقید نکند و در مواقع لزوم از سبک های دیگر نیز استفاده نماید . با توجه به تنوع موقعیت های کلاسی ، به نظر می رسد که استفاده از هر یک از سبک های کلاسداری در موقعیت های خاص خودش می تواند مفید باشد" .

شيوه هاي مختلف فرزند پروري

دايانا بامريند دو بعد مهم رفتار والدين را مشخص كرد .بعد اول صميميت در برابرخصومت است .والدين صميمي عشق و محبت به فرزند خود نشان مي دهند و به احساس فرزند خود با حساسيت و همدلي بيشتر پاسخ مي دهند. در مقابل والدين متخاصم، طرد نشان داده و طوري رفتار مي كنند كه گويي به فرزند خود اهميتي نمي دهند .بعد دوم محدوديت در برابر آسان گيري است. والدين از نظر ميزان وضع كردن مقررات، اجرا كردن آنها، توقع داشتن از كودكان،و منضبط كردن آنها تفاوت دارند .تركيب كردن اين ابعاد، چهار شيوه فرزند پروري را به بار مي آورد كه با حالتهاي متفاوت رشد كودك ارتباط دارند.

انواع متفاوت والدين در فرزند پروري:

والدین **مقتدر**، کنترل کننده ولی صمیمی هستند .آنها مقررات روشنی را و ضع می کنند، همواره آنها را اعمال کرده و اطاعت کودک را با صمیمیت و محبت پاداش می دهند .آنها انتظارات زیاد، مراقبت، و حمایت را انتقال می دهند .این شیوه با مثبت ترین پیامدهای کودکی ارتباط دارد .کودکان دارای والدین مقتدر گرایش دارند به اینکه عزت نفس بالایی داشته باشند، در مدرسه پیشرفت خوبی می کنند، مشکلات رفتاری کمتری دارند، و بیشتر ملاحظه دیگران را می کنند.

والدین **مستبد** نیز بر فرزندان خود کنترل اعمال می کنند ولی این کار را با رابطه ای سرد، بی تفاوت، یا طرد کننده انجام می دهند . فرزندان آنها عزت نفس پایین تری دارند، نزد همسالان کمتر محبوب هستند، و در مقایسه با کودکانی که والدین مقتدر دارند در مدرسه به طرز نامناسب تری عمل می کنند.

والدین **آسان گیر** رابطهٔ صمیمی و با محبتی با فرزندان خود دارند، ولی راهنمایی و انظباط لازم را که به فرزندان آنها کمک می کنند مسئولیت را یاد گرفته و ملاحظهٔ دیگران را بکنند، تأمین نمی کنند .فرزندان آنها گرایش دارند که ناپخته تر و خود محورتر باشند.

والدین **بی توجه** صمیمیت و مقررات و راهنمايي را تأمین نمی کنند .فرزندان آنها به احتمال زیاد انگیزش پیشرفت کمی دارند و با همسالان و بزرگسالان در مدرسه روابط آشفته ای داشته و تکانشی و پرخاشگر هستند .فرزند پروری بی توجه با پیامدهای رشد بسیار منفی، ارتباط دارد.

سبكهاي فرزند پروري به دو عامل بستگي دارد :پاسخدهی و **توقع پاسخدهي** عبارت است از ابراز محبت، ملاحظه نيازهاي كودك و استفاده از استدلال در تربيت بچه ها .توقع نيز ، ميزان سفت و سخت بودن قواعد و توقع والدين از فرزندشان است.

نظریه رشد روانی – اجتماعی اریکسون

تاکید **فروید** بر نهاد اما تاکید اریکسون بر من(خود)

دیدگاه **فروید** بر بیولوژیک بدن است. فروید به تثبیت مرحله میپرداخته است.روش تداعی آزاد(لیبدو) فروید

بن (نهاد) ----------ناهشیار (لذت)

من(خود)----------اصل واقعیت

فرامن(فراخود)---------وجدان

اریکسون عقیده داشت که افراد در هر مرحله، با یک تضادیا بحران روبرو میشوند که نقطه عطفي در پروسه رشد خواهد بود .به عقیده اریکسون، این تضادها بر به وجود آوردن یک کیفیت رواني یا ناکامي در به وجود آوردن آن کیفیت متمرکزند .در خلال این دوره، هم زمینه براي رشد شخصي بسیار فراهم است و هم از سوي دیگر، براي شکست و ناکامي اریکسون فرایند های روان شناختی فرویدي کارکرد من را به صورت فرایندهای روان شناختی ادراک، یادآوری، حل مسأله و فعالیت دفاعی بدن پذیرفت .و با تأکید بیشتر بر من بر بسیاری از ویژگی های دیگر من، از جمله تسلط و هویت تأکید کرد.

مفهوم هویت یا بحران هویت یکی از پایه های نظریه ی اریکسون است .این مفهوم شامل:

احساس بی همتایی یا فردیت درونی، ولی هشیار

احساس تمامیت و ترکیب درونی

احساس پیوستگی با گذشته و حال، و

احساس همبستگی عقاید و ارزش ها با گروهی که شخص توسط آن حمایت می شود، است.

مرحله اول رشد رواني -اجتماعي : اعتماد در برابر بی اعتمادي(۱- نوباوگی :مرحله دهانی -حسی) تولد تا ۱/۵ سالگی

نخستين مرحله نظريه رشد رواني - اجتماعي اريكسون بين تولدّ تا يک سالگي پديد ميآيد وبنياديترين مرحله در زندگي است. به دليل آن كه نوزاد به طور كامل وابسته است، رشد اعتماد در او به كيفيت و قابليت اطمينان كسي كه از او پرستاري ميكند بستگي دارد.

اگر اعتماد به نحو موفقيت آميزي در كودک رشد يابد، او در دنيا احساس امنيت خواهد كرد.اگر پرستار ناسازگار، پس زننده يا از نظر عاطفي غيرقابل دسترس باشد، به رشد حس بی اعتمادي در كودک كمک ميكند .عدم توفيق در رشد اعتماد، به ترس و باور اين كه دنيا ناسازگار و غيرقابل پيشبيني است منجر ميگردد.اگر اوضاع خوب پيش برود امید حاصل ميشود.

مرحله دوم رشد رواني-اجتماعي : خودگرداني و اتكاء به نفس در برابر شرم و شک(۲- مرحله ی عضلانی – مقعدی)۱/۵تا ۳سالگی

دومن مرحله نظريه رشد رواني - اجتماعي اريكسون در دوران اوليه كودكي صورت ميگيرد و بر شكلگيري و رشد حس عميقتري از كنترل شخصي در كودكان تمركز دارد. اريكسون همانند فرويد عقيده داشت كه آموزش آداب دستشويي رفتن، بخش حياتي و ضروري اين فرايند است .اما استدلال اريكسون كاملا با فرويد متفاوت بود .اريكسون عقيده داشت كه يادگيري كنترل كاركرد بدن به پيدايش حس كنترل و استقلال ميانجامد. رويدادهاي مهم ديگر در اين مرحله شامل به دست آوردن كنترل بيشتر بر انتخاب غذا،اسباب بازي و لباس است. كودكاني كه اين مرحله را با موفقيت پشت سربگذارند، احساس امنيت و اطمينان ميكنند. در غير اين صورت، حس بيكفايتي و شک به خود در آنها باقي ميماند.مزيت اراده حاصل ميشود. اگر كودک دستشويی خود را دفع كند حس خودبسندگی در او ايجاد می شود.

یادگیری و آموختن—— جداشدن از مادر

مرحله سوم رشد رواني-اجتماعي : ابتكار در برابر گناه(۳- مرحله حرکتی – تناسلی——خیالپردازی- استمنا – عقده ادیپ در پسران و الگترا در دختران (همانندسازی)حل این تعارض موجب شکل گیری فراخود میشود——مهمترین مرحله از شکل گیری شخصیت) ۳تا۵سالگی

در خلال سالهاي قبل از مدرسه، كودكان شروع به قدرت نمايي و اعمال كنترل بر دنياي خود از طريق برخي بازيها و ساير تعاملات اجتماعي ميكنند.

كودكاني كه اين مرحله را با موفقيت بگذرانند، حس توانايي شخصي و قابليت رهبري ديگران را پيدا ميكنند .و آنهايي كه در به دست آوردن اين مهارتها ناكام ميمانند، حس گناه، شک به خود و كمبود ابتكار در آنها باقي ميماند.مزيت هدف ايجاد ميشود.

قابلیت رهبری—— قدرت نمایی—— من برتر – رقابت با والد جنس مخالف

مرحله چهارم رشد رواني-اجتماعي : كوشايي در برابر حقارت(۴- مرحله نهفتگی——مرحله ارام از زندگی-غریزه جنسی نهفته—— سرگرمی- ورزش گسترش دوستی های همجنس) ۵تا۱۲سالگی

اين مرحله، سالهاي اول مدرسه، تقريبا از 5 سالگي تا 11 سالگي را در برميگيرد.كودكان از طريق تعاملات اجتماعي شروع به رشد حس غرور نسبت به دستاوردها و توانائيهاي خود ميكنند.

كودكاني كه توسط والدين يا معلمان تشويق و هدايت ميشوند، حس كفايت، صلاحيت و اعتقاد به تواناييهاي خود در آنها به وجود ميآيد. آنهايي كه از سوي والدين، معلمان يا همسن و سالهاي خود به قدر كافي مورد تشويق قرار نميگيرند به توانايي خود براي

موفقیت، شک خواهند کرد.مزیت شایستگی ایجاد میشود. مرحله کمون و ارامش—اخلاق ابزارگونه نسبی—تشویق حس غرور—کارایی و سازندگی

مرحله پنجم رشد رواني-اجتماعي : هويت در برابر گمگشتگي(۵- نوجوانی – مرحله جنسی دگرجنس خواهانه مکانیزم دفاعی تصعید-عشق و کار) ۱۲ تا ۱۸ سالگی

در دوران نوجواني، کودکان به کشف استقلال خود ميپردازند و به عبارت ديگر، خود را حس ميکنند.

آنهايي که از طريق کاوشهاي شخصي، تشويق و پشتيباني مناسبي دريافت کنند، اين مرحله را با حس استقلال و کنترل و نيز حسي قوي نسبت به خود پشت سر ميگذارند .و کساني که نسبت به باورها و تمايلات خود نامطمئن بمانند، درباره خود و آينده نيز مستقيم متخصص اعصاب وروان نامطمئن و گمگشته خواهند بود. سردرگمی در بحران هویت می تواند به ترک کردن مدرسه بینجامد یا باعث شود که نوجوان به گروه های مختلفی ملحق شود که درگیر بزهکاری، مواد مخدر یا الکل هستند .اگر بحران هویت حل شده باشد، به مزیت وفاداری می انجامد : لیاقت حفظ کردن وفاداری ها و تعهد کردن آزادانه. هویت جنسی و شغلی—مهم ترین مرحله—میل به جنس مخالف کم کم ایجاد میشود.

مرحله ششم رشد رواني-اجتماعي : تعلّق و صميميت در برابر انزوا (۶- اوان بزرگسالی) ۱۸ تا ۴۰ سالگی

اين مرحله، دوران اوليه بزرگسالي، يعني زماني که افراد به کشف روابط شخصي ميپردازند را در بر ميگيرد. اريکسون عيقده داشت که برقرار کردن روابط نزديک و متعهدانه با ديگران ضرورت دارد. کساني که در اين مرحله موفق باشند، روابط مطمئن و متعهدانهاي را به وجود خواهند آورد.

به یاد داشته باشید که هر مرحله بر پایه مهارتهاي يادگرفته شده در مراحل قبل بنا ميشود .اريکسون عقيده داشت که حس قوي هويت شخصي براي ايجاد روابط صميمانه و همراه با تعلّق خاطر اهميت دارد .مطالعات نشان دادهاند که کساني که حس ضعيفي نسبت به خود دارند در روابطشان نيز تمايل به تعهدپذيري کمتري دارند و بيشتر در معرض انزواي عاطفي، تنهايي و افسردگي قرار دارند.

این دوره بعد از سال های تحصیلی است که مستلزم یافتن شغل برای تأمین معاش فرد و یافتن شریکی برای زندگی و ازدواج است . بحران این مرحله، صمیمیت در برابرانزواست .اگر فرد در یافتن همسر موفق باشد، روابط عمیق با جنس مخالف تحقق می یابد .این رابطه برای زندگی زناشویی موفق و دوام روابط، ضروری است .انزوا موجب نگرانی زیاد فرد درباره ی نیازهای خودخواهانه اش می شود .موفقیت گذشت از این مرحله، به مزیت عشق می انجامد.

مرحله هفتم رشد رواني-اجتماعي : فعاليت در برابر رکود(۷- بزرگسالی) ۴۰ تا ۶۵ سالگی

در دوران بزرگسالي، ما به ساختن زندگي خود ادامه ميدهيم و تمرکزمان بر روي شغل و خانواده قرار دارد. کساني که در اين مرحله موفق باشند، حس خواهند کرد که از طريق فعال بودن در خانه و اجتماع خود، در کار جهان مشارکت دارند .آنهايي که در به دست آوردن اين مهارت ناموفق باشند، حس غيرفعال بودن، رکود و درگير نبودن در کار دنيا را پيدا خواهند کرد. موفقیت در این مرحله، به مزیت اهمیت دادن منجر می شود :علاقه به آن چه فرد به صورت زیستی و مادی به وجود آورده است. مولد بودن در کار و حضور در فعالیتهای اجتماعی

باروری در مقابل بی حاصلی—طولانی ترین مرحله

مرحله هشتم رشد رواني - اجتماعي : يکپارچگي در برابر نااميدي (۸- بالیدگی) ۶۵ سالگی به بعد

اين مرحله مربوط به دوران کهنسالي است و بر بازتاب فعاليتهاي گذشته تمرکز دارد. آنهايي که در اين مرحله ناموفق هستند حس خواهند کرد که زندگيشان تلف شده است و بر گذشته افسوس خواهند خورد .در اين حالت است که فرد با حس نااميدي و ناخشنودي روبرو خواهد شد.

کساني که از دستاوردهاي گذشته خود در زندگي احساس غرور داشته باشند، حس يکپارچگي، درستي و تشخصّ خواهند کرد .با موفقيت پشت سرگذاشتن اين مرحله يعني نگاه به گذشته با اندکي تأسف و احساس رضايت کليّ .اين افراد کساني هستند که مزيت آن خردمندي به دست ميآورند، حتي در مواجهه با مرگ. احساس معرفت

مارسيا به توسعه مفهوم هويت يافتگي در برابر آشفتگي نقش پرداخت

چهار حالت هويت:

۱) **هويت كسب شده يا هويت موفق**: بحران هويت را با موفقيت پشت سر گذاشته، و نسبت به اهداف معيني تعهدات لازم

پيدا كرده اند .اين نوجوانان به طور فعال وقت زيادي را صرف حل و فصل مسائل مهم زندگي كرده اند .اين گروه، انعطاف پذير هستند و بافكرو درايت عمل مي كنند، اعتماد به نفس بالايي دارند و تحت شرايط فشارزا مقاومت خوبي نشان مي دهند .آنها افرادي نسبتا خودمختارند ودر روابط اجتماعي، علاوه بر داشتن اعتمادبه نفس، شوخ طبع بوده و ظرفيت فراواني براي ايجاد روابط صميمي با ديگران دارند.

۲) **هويت كليشه اي(زودرس - پيش رس) :** اين گروه بدون داشتن تجربه بحران نوجواني، نسبت به اهداف خاصي احساس تعهد پيدا كرده اند.اكثر آنها در چارچوب برنامه هايي كه ديگران، و به ويژه والدين از قبل براي آنان تدارک ديده اند، اهداف خاصي را پذيرفته اند. انتخاب رشته تحصيلي، نوع شغل، همسر و حتي سبک زندگي آنان توسط والدين تعيين شده است .اين نوجوانان انعطاف پذيرند، در زندگي احساس رضايت مي كنند، و به شدت به خانواده هاي خود وابسته اند. آنها باورهاي قوي مذهبي دارند، به نظم و قانون اعتقاد راسخ دارند از مراجع قدرت پيروي مي كنند .هرگاه باورها و عقايدشان از طرف ديگران تهديد شود، حالتي جزمي پيدا مي كنند .به عبارتي اين افراد يک مجموعه اعتقادي و يا شغلي را براي خود انتخاب كرده اند بدون اينكه خود در اين انتخاب نقش فعالي داشته باشند.

۳) **آشفتگي هويت يا هويت مغشوش(ابهام) :** اين گروه شامل نوجواناني است كه هيچ نوع بحراني را سپري نكرده و در عين حال به اهداف خاصي هم احساس تعهد نمي كنند .آنها به ظاهر افرادي" بي خيالند "و تمايل به انتخاب اهداف خاصي ندارند .روي هم رفته، افراد سطحي، ناخرسند و تنها هستند و توان برقراري روابط صميمي و خالص را با اطرافيان خود ندارند.

۴) **هويت ديررس يا افراد جستجوگر**: اين افراد در جهت كسب هويت تلاش مي كنند و همواره در حا لتي دوگانه به سر مي برند، اما هنوز تعهدي كسب نكرده ان اين افراد به طور فعالانه تلاش مي كنند تا به شناخت عميق تري از خود برسند و هدف اساسي آنها آماده شدن براي تعهد و كسب مسئوليت است .آنها افرادي رقابت طلب، مضطرب، زنده دل، پرحرف و در عين حال دستخوش تعارض هستند، غالبا اين افراد با والد غير همجنس رابطه نزديک تري دارند و مايلند كه با ديگران نيز روابط صميمي برقرار كنند، البته در بسياري از آنان اين خواسته تحقق پيدا نمي كند.

حیطه ی شناختی: بلوم جدید شده

۱) بعد دانش
۱- دانش امور واقعی
۲- دانش مفهومی
۳- دانش روندی
۴- دانش فراشناختی

۲) بعد شناختی

الف) به یاد آوردن (دانش و معلومات) : به خاطر سپردن مفاهیم و اصول

ب) **درک مطالب یا فهمیدن** احتمالا بیشترین فعالیتهای ذهنی و آنچه در مدارس آموخته می شود، نیاز به فهمیدن دارد.

فهمیدن سبب می شود که یادگیری برای دانش آموزان آسان، معنی دار و لذت بخش شود. مثال زدن ، طبقه بندی پستانداران ، خلاصه کردن، توضیح دادن دلایل چیزی ، حل مساله ریاضی، خواندن نقشه ، **شرح دادن فرضیه** ، بیان معنی ضرب المثل

ترجمه
تفسیر
برون یابی(مقاله سیاسی رابسط ونتیجه گیری کند.)

ت) **کاربرد آموخته ها**(وجود داشتن مصداق ها ، اندازه گیری کردن، نمایش دادن ، محاسبه کردن، حل مسائل زندگی ، نقشه برداری)

ث) **تجزیه و تحلیل**(علت و معلول، تفاوت ها و شباهت های موجود،ارکان تشکیل دهنده ، شواهد و مدارک ارائه شده، پیش فرض هایی) همچنین سوالاتی که علل و عوامل به وجود آورنده،ساختار یک اثر هنری را تجزیه و تحلیل کردن، تشدید کننده یا کاهنده را نشانه می گیرند سوالاتی در طبقه تجزیه و تحلیل هستند.شناخت فرضیه ها و نتیجه گیری هایی که از مطلب مورد بحث توسط کارشناسان به عمل آمده نیز می تواند در این مرحله قرار بگیرد.**هجی کردن** موسیقی ، روی جدول و نمودار نشان دهد.

ج) **نقد ، ارزیابی** و **ارزشیابی** : مقایسه ها و تصمیم گیری(نظر نهایی در مورد اعتبار صحت و قابل دفاع بودن،علت هاو دلایل افراد بر اساس شواهد درونی یا شواهد بیرونی، انتخاب افراد) بنابراین سوالات شما در این مرحله باید به ارزیابی و نقد و بررسی موضوع بحث بپردازد .از دانش آموزان ودانشجویان بپرسید که آیا با دیدگاه های نویسنده یا نظریه پرداز مورد بحث موافق هستند یا خیر و دلایل خود را بیان کنند .اینکه گزاره یا نظریه مورد بحث چه نقاط قوت و ضعفی دارد به چه سوالاتی پاسخ می دهد و در چه قسمت هایی ناقص یا ناکارآمد است. **وارسی کردن**

ح) **ترکیب و افرینندگی:** فرصتی برای خلاقیت و درانداختن طرحی نو(برطرف کردن نقاط ضعف طرح موردنظر ، اصلاح کردن طرح ،طبقه بندی کردن ، گروه بندی کردن، تهیه کردن نمودار،سازمان دهی طرح، تعمیم دادن ، رسیدن به نتایج) طرح ریزی

حیطه ی عاطفی:

۱) **دریافت و توجه کردن** : پرسیدن ، گوش کردن، نشان دادن ، اشاره کردن ، دقت کردن
آگاهی میل به پذیرش توجه انتخابی

۲) **پاسخ دادن** : کمک کردن ، دنبال کردن ، بحث کردن ، تمرین کردن، مطالعه کردن ، تشویق کردن ، پیروی کردن
رضایت به پاسخدهی میل به پاسخدهی خرسندی پاسخدهی

۳) **ارزش گذاری**: درونی شدن ارزشها به صورت رفتار تعهد داشتن ، قبول یک مساله و ایمان داشتن به ان ، مثلا شرکت در بازی فوتبال ، رعایت موازین اخلاقی، پیشقدم مي شود ، تحسین مي کند ، تشکر مي کند ،دعوت مي کند به عقیده او تبدیل مي شود رعایت نکات بهداشتي را ارزشمند مي داند و آن را دروني مي کند و خود را مقید به رعایت آنها مي داند. یا رشد احساسات نوع دوستي نسبت به گروه هاي اجتماعي با خرده فرهنگ هاي متفاوت.
پذیرش ترجیح تعهد

۱) **سازمان دهی ارزش ها:** برنامه ریزی،داوری کردن ، داوطلبانه کاری انجام دادن،مشارکت، اصلاح می کند، قضاوت می کند،تدوین میکند، دفاع میکند،مشخص کردن،سازمان می دهد، شرکت کردن به میل و اختیار خود.
درک مفهوم یک ارزش سازماندهی یک نظام ارزشی

۲) **(شخصیت پذیرفتن)**: تجدید نظر کردن،سرپرستی کردن،مقاوت می کند، اتخاذ می کند،تغییر می دهد، از خود علاقه و پشتکار نشان دادن مانند اعتماد فزاینده به روش علمي براي بررسي مسائل جامعه --- داشتن فلسفه ی پایدار زندگی
امایه(امادگی کلی) شخصیت پذیرفتن

عاطفه مربوط به موضوع درسی : محدودترین نوع عواطف است.
عاطفه مربوط به آموزشگاه : زیستن برای آموختن (یونسکو)
مغهوم خود تحصیلی : مهمترین و کلی ترین عاطفه فرد نسبت به خود و توانایی خودش است.(در درون فرد جای دارد.)

سطوح یادگیری در حیطه روانی - حرکتی

مشاهده (observation) و تقلید

در این مرحله، شاگرد به مشاهده رفتار مربی - که مشغول انجام دادن مهارت مورد نظر است - می پردازد .او وادار می شود بترتیب، وقوع حرکات، رابطه موجود بین آنها و سرانجام نتیجه نهایی رفتار را بدقت مشاهده کند .گاهی اتفاق می افتد که خواندن یک دستورالعمل جای این قسمت از مشاهده را می گیرد، اما خواندن دستورالعمل غالبا با مشاهده اجرای مهارت همزمان است؛ مثلا شاگردی که بازی فوتبال را تازه شروع کرده است، هم مقررات و آیین نامه بازی فوتبال را می خواند و هم به مشاهده بازیگران فوتبال می پردازد .نتیجه توجه و مشاهده این خواهد بود که بتواند از حرکات و رفتار بازیکنان تقلید کند .هنگام تقلید کردن، معمولا زمان و نتیجه نهایی چندان موردنظر نیست، بلکه یادگیرنده می کوشد تا حالات خاصی از رفتار موردنظر را همان طور که در دستورالعمل گفته شده و مربی انجام داده است، تقلید کند .از آنجا که انجام دادن هرگونه فعالیت عملی مستلزم نوعی آمادگی ذهنی و عاطفی و فیزیکی است، لازم است شاگرد در مرحله مشاهده و تقلید، در سه زمینه فوق، آمادگی لازم را کسب کرده باشد.مثال: از تصمیمات داور **پیروی کردن --- این مرحله برابر است با مرحله ی پاسخ دادن حیطه ی عاطفی**

اجرای عمل بدون کمک(independent performance)

در این مرحله، سطح یادگیری اندکی بالاتر از مرحله قبلی است و در آن، از روش تقلید ساده دور می شویم و به مرحله اجرای آگاهانه تر عمل می رسیم .در این مرحله، باید میزان وابستگی شاگرد به مربی بسیار ناچیز شود، به حدی که دیگر نیازی به یاری مستقیم مربی نباشد، اما نظارت و هدایت او در اجرای مهارت باید همچنان ادامه یابد. این سطح از یادگیری را می توان به سه سطح فرعی اجرای آگاهانه دستور العمل ها، انتخاب بهترین روش ها و اجرای مکرر عمل بدون کمک یا تثبیت تقسیم نمود. مثلا چندین مرتبه طول استخر را شنا کند.

دقت در عمل(accuracy)

اجرای عمل در مرحله قبل از سرعت و دقت کافی برخوردار نبود، اما در این مرحله، شاگرد باید کار را با دقت، سرعت و ظرافت انجام دهد .او در این سطح، توانایی های کنترل اعمال خود را بر حسب نیازها پیدا می کند؛ مثلا حرکات خود را سریع تر یا کندتر می کند، اشتباهات خود را کاهش می دهد یا مسیر حرکات را تغییر می دهد .نظارت و راهنمایی مربی و تمرین و تکرار، همچون مراحل قبل، نقش ارزنده ای در این مرحله ایفا می کند.

هماهنگی حرکات(coordination of actions)

هماهنگی حرکات یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال، با رعایت نظم و کارآیی لازم .در این سطح از یادگیري، شاگرد توانایی انجام دادن هماهنگ چندین حرکت را بطور همزمان بدست می آورد؛ مثلا قادر می شود با یک دست، میکروسکوپ را تنظیم و با دست دیگر، شکل دیده شده را ترسیم کند یا در حالی که متن را .می خواند، بدون نگاه کردن به دکمه ای حروف ماشین تحریر، تایپ کند.

عادی شدن عمل(normality)

این سطح بالاترین مرحله یادگیری در حیطه روانی - حرکتی است که طی آن، شاگرد به طور خودکار به انجام دادن کارهای دقیق و موزون عادت می کند؛ به عبارت دیگر، او در این سطح به فکر کردن و صرف انرژی برای هماهنگ کردن فعالیت ها و تنظیم و توالی آنها نیازی ندارد و اغلب فعالیت های او، بدون تردید، راحت و بطور خودکار و شبه انعکاسی صورت می گیرد؛ مانند مهارت در رانندگی تا حدی که راننده بدون فکر کردن و تصمیم گیری ارادي، هنگام برخورد با صحنه های خطرناک، انعطاف پذیری داشته باشد و عکس العمل مناسب نشان دهد.رونویسی بدون اشتباه(حرکات دقیق و موزون)

محاسبه ضریب تمیز : هرچه قدر تمیز بیشتر باشد قوه سوال آن تمیز بیشتر است و بالعکس

. انتخابهای درست گروه پایینی – انتخاب های درست گروه بالا

تعداد افراد یک گروه

ضریب دشواری : هر اندازه ضریب دشواري به صد نزدیک باشد سوال آسان تر است و بالعکس

تعدادانتخاب هاي درست گروه پایینی + تعدادانتخاب هاي درست گروه بالا

تعداد افراد گروه بالا + تعداد افراد گروه پایین

لازم به تذکر است که کاربرد ضریب های دشواری و تمیز به شرح فوق صرفا برای آزمونهای هنجاری یا وابسته به ملاک نسبی مناسب است . اما در آزمونهای ملاکی یا وابسته به ملاک مطلق این ضریب ها مورد استفاده ندارند . نتیجه آرمانی آزمونهای ملاکی این است که در آنها اکثر آزمون شوندگان اکثر سؤالها را درست جواب دهند.

نظریه های شناختی یادگیری (یادگیری : تغییر در ساخت شناختی و فرایندهای ذهنی)

۱) **گشتالت**(سردسته دیدگاه شناختی در یادگیری ، عنصر یادگیری بینش ،ورتایمر بنیانگذار رسمی مکتب گشتالت ،یادگیری مساوی با بینش، یادگیری ناگهانی، تاکید روی بازنمایی های ذهنی
قوانین گشتالتی :
قانون پراگناز یا طرح گرایی : مهمترین قانون مقتضیات کنترل کننده اجازه دهد خوب است.
قانون شباهت: مطالب همگون را بهتر می اموزند.
قانون مجاورت: امور نزدیک به هم بهتر اموخته می شوند.
قانون بستن -تکمیل کردن: ترمیم-تقویت –بیشترمربوط به حافظه و یادگیری
قانون ادامه خوب-جهت مشترک: یک خط راست در ادامه راست و یک دایره را در ادامه دایره ببینیم.
قانون سادگی-سهولت- درک ساده پدیده ها
قانون شکل وزمینه—شکل همان گشتالت است- شکل باید از زمینه اش برجسته تر باشد-طرد یادگیری طوطی وار—
رد روش تداعی گرایی و منطقی توسط ورتایمر و تاکید ایشان بر درک معانی
در راه رسیدن به بینش فقط بازسازی و مرتب کردن اهمیت دارد.
کل زودتر از جز دریافت و درک میشود.

۲) **معنی دار آزوبل** اساس یادگیری تغییر ساخت شناختی ،یادگیری معنی دار : ارتباط برقرارکردن بین مطالب تازه اموخته شده با مطالب قبلی موجود در ساخت شناختی،شمول: جذب مطالب جدید در ساخت شناختی)
سه نوع مشمول : ۱) اشتقاقی (شباهت مطالب جدید با ساخت شناختی فرد) یادگیری ۲) همبستگی(ارتباطی)همانند نبودن مطالب جدید با مطالب ساخت شناختی فرد مثلا یادگیری این درس برای اولین بار این مشمول معمول تر از بقیه است.یادگری ۳) زوالی(کاستن بار اضافی حافظه و افزایش کارایی ساخت شناختی) از دست دادن مطالب اموخته شده در طی مدت زمان طولانی . فراموشی
پیش سازمان دهنده همان مفهوم کلی و انتزاعی و خلاصه از درس است که مفاهیم کلیدی به صورت کلی و خیلی خلاصه ارائه می شود. پیش سازمان دهنده در اصل بین مفاهیم درسی ارتباط برقرار می کند و آن را معنی دار می کند.شکل ها، نمودارها ، الگوهای عینی و قیاس های قبل از درس نمونه هایی از پیش سازمان دهنده هستند. در الگوي پيش سازماندهنده ماهيت روابط ميانگروهي يك طرفه است و اطلاعات از معلم به شاگردان منتقل مي شود. معلم مهم است. روابط میان گروهی شدید
پيش سازمان دهنده در مقدمه تدريس مي آيد تا مبحث فعلي را با مباحث پيشين همان درس مربوط سازد.
ساخت شناتی: مجموعه اطلاعات ومفاهیمی که در زمینه ی یک رشته ی درسی در ذهن فرد بوجود می اید ، ساخت شناختی او را از ان مجموعه دانش تشکیل می دهد.
دو اصل تفکیک تدریجی(مطالب از کل به جز میروند.) و توافق مجدد یکپارچه(مربوط شدن نظریات نو به محتوای اموخته شده ی قبلی
مهمترین عامل انگیزشی موثر بر یادگیری معنادار را سائق شناختی می داند. شکست و ناکامی و دادن تکالیف خیلی مشکل باعث کاهش سائق شناختی میشود. بهترین پاداش درونی است وازوبل تنبیه و پاداش بیرونی را رد می کند.
انواع پیش سازمان دهنده : ۱) توضیحی(نمایشی) ۲) مقایسه ای(مطالب جدید) ارتباط بین ضرب و تقسیم.

۳) **نظریه شناختی – رفتاری(مشاهده ای) بندورا** و یادگیری اجتماعی بندورا

تقویت خود وکارآیی ، جبرگرایی دو سویه ، تاکید بر رفتار آشکار

او مفهوم تقابل سه عاملی عنوان کرد که به موجب آن، سه عامل رفتار، فرایند های شناختی و متغییر های محیطی بر یکدیگر اثر می گذارند.

بندورا بر سه چیزکه در تعامل سه جانبه هستند، تاکید میکند ۱) شخص ۲) محیط ۳) رفتار

جبر متقابل

در شکل گیری رفتار سه عامل مهمند:

۱) محرکات پیش آیندی (ارادی مثل تمیز و غیرارادی مثل فراخوان)
۲) محرکات واسطه ای (تفکرات ،انتظارات، ادراکات، تفسیرها)
۳) محرکات پس آیندی(تقویت کننده های مثبت و منفی) هم تقویت و هم تنبیه روی عملکرد تاثیر میگذارد اما روی یادگیری اثر ندارد بلکه خود مشاهده منجر به یادگیری میشود.

مراحل یادگیری مشاهده ای بندورا (بندورا عامل اصلی یادگیری را مجاورت میداند.)

۱) توجه : عواملی چون جنسیت ، جذابیت، پایگاه اجتماعی و ویژگی های خود یادگیرنده مثل امادگی شناختی ، میزان برانگیختگی، نوع رجحان ها بر توجه اثر دارند.مثال : بیدار ماندن در طول کلاس آموزش رانندگی.
۲) یادسپاری " بازنمایی نمادی (یادداری) بصورت کلامی و تجسمی . در کودکی تصویرهای ذهنی دیداری و در بزرگسالی بازنمایی کلامی در یادگیری موثر هستند. اگر مشاهده با رمزگردانی کلامی و تصویری همراه باشد ، یادگیری زودتر اتفاق می افتد.مثال : یادداشت برداری از سخنرانی یا فیلم ویدیویی از کسی که اتوموبیل می راند.
۳) بازآفرینی(تولیدی) : به عمل درآمدن رمزهای کلامی یا تصویری بصورت آشکار -- بازخورد اصلاحی(آگاهی از نتیجه کار که باعث افزایش یادگیری میشود.) در این مرحله معلم مهمترین نقش را در دادن بازخورد دارد.نشستن در اتوموبیل همراه با مربی برای تمرین عوض کردن دنده ها و برخورد نکردن با مخروطهای ترافیک در محوطه پارکینگ مدرسه.

۴) انگیزشی(تقویتی تشویقی) : یادگیری از طریق مشاهده نیازی به تقویت ندارد بلکه تقویت در یادگیری مشاهده ای فقط در میزان عملکرد فرد اثر دارد.
تقویت در یادگیری اثر نمی گذارد بلکه روی **عملکرد** فرد تاثیر گزار است.مثال : داشتن این انتظار که وقتی بر مهارتهای رانندگی تسلط یافتیم، درآزمایش رانندگی قبول شده و گواهینامه خواهیم گرفت.

سه نوع **تقویت** در یادگیری مشاهده ای:
۱) تقویت مستقیم (الگوبرداری به روی کودکان) تقلید از قهرمانان و بازیگران و...
۲) تقویت از راه پیامد رفتار(رفتار تقلید شده)
۳) تقویت جانشینی(انتقال الگو مشاهده شده به مشاهده کننده)

تنبیه نقش بازدارندگی دارد. اولین کسی که بین یادگیری و عملکرد تفاوت قائل شد تولمن بود. ایشان یادگیری نهفته را عنوان کرد یعنی یادگیرنده همه یادگیری خود را به صورت عملکرد بروز نمیدهد.

از راه الگوبرداری جلب توجه هم افزایش می یابد. پاسخ هیجان شرطی از راه یادگیری مشاهده ای اتفاق می افتد .

۴) اکتشافی برونر

مراحل رشد ذهنی برونر(تاکید برونر بر روی تفکر است – ساختن متفکر خودکار)

۱) حرکتی

۲) تصویری (تجسمی—تصویر ذهنی) جراحان ، ورزشکاران، نوازندگان، بازیگران بیشتر از این استفاده میکنند.

۳) نمادی

بهترین نوع اموزش استفاده از هر سه مورد است. در فرایند یادگیری کسب معرفت مهم است نه حفظ کردن حقایق. فرایند مهمتر از محصول است. نگرش وبینش شاگرد مهم است. هر شاگرد مطابق با استعداد و توانایی خودش مسایل را کشف میکند. یادگیری اکتشافی برای دوره ابتدایی خوب نیست.

چهار عامل موثر از نظر برونر در یادگیری(فرایند،اهمیت شهود(چگونگی یادگیری)،ساخت یادگیری، اهمیت انگیزش درون(پاداش درونی از پاداش بیرونی مهم تر است)

برونر هدف اموزش و پرورش را ساختن متفکر خودکار می دانست.

هم ویگوتسکی و هم برونر با استفاده از اصطلاح سکوسازی سعی دارند از منطقه مجاور رشد، توصیفی تجربی تر و عملیاتی بدهند.

تعریف بینش: قدرت ادراک افراد در کشف روابط موجود بین اشیا و پدیده ها

یادگیری: تغییر در رفتار بالقوه فرد

و

عملکرد: شکل بالفعل رفتار بالقوه

۵)نظریه ی شناختی فرهنگی-اجتماعی ویگوتسکی:

پیاژه :خود کودک جهان خود را می سازد و روش اکتشافی یا حل مساله را مهم می دانست. اما ویگو دنیای اطراف را مهم می دانست.

تاکید بر فرهنگ ؛ اجتماع،تاریخ

در رشد شناختی کودک روش اموزشی اکتشافی هدایت شده را قبول دارد.

یادگیری را بر رشد مقدم میدارد. زبان از ابزار مهم رشد فرآیندهای عالی ذهن میداند.

سازنده گرایی دیالکتیکی یا برون زاد(اجتماعی) ---------- تعامل متقابل

انواع کارکردهای ذهنی

۱) نخستین ذهنی (توانایی های نا آموخته و طبیعی فرد مثل توجه کردن ، حس کردن، ادراک کردن)
۲) عالی ذهنی (تغییر شکل کارکردهای نخستین به سوی تفکر و حل مساله را میگویند که بیشتر ناشی از فرهنگ و زمینه تاریخی و اجتماعی است – تعامل فرد و زمینه اجتماعی یعنی در اثر تعامل روابط اجتماعی به کارکرد ذهنی تبدیل می شود.

تحول زبان از دیدگاه ویگوتسکی در سه دوره است :

۱) **گفتار اجتماعی (بیرونی)**قبل از سه سالگی کنترل رفتار دیگران است برایم آب بیاور یا (مادر بیا این جا)(خواب ، نه)(من شیرینی میخام)
۲) **گفتار خودمحورانه (خصوصی)** کنترل رفتار خود است و مورد تاکید پژوهش هاست. بین ۳ تا ۷ سال مرحله انتقال بین گفتار درونی و بیرونی است. پیش عملیاتی(روی زمین نریز)
گفتار خصوصی عامل رشد و تکامل تفکر و زبان است پایه ارتباط متقابل و اساس اجتماعی دارد، نقش تکوینی دارد و مهمترین پیوند تحولی در انتقال از گفتار بیرونی به زبان درونی شده است. گفتار خصوصی به کودک کمک می کند تا به بررسی و تفکر درباره رفتار خود نماید، گفتار خصوصی جهت عملکرد و رفتار کودک را تعیین می کند.در شرایط دشوار اشتباهات زیادی از این گفتار بیشتر استفاده می شود.
۳) **گفتار درونی(گفتگوی خاموش)** : پس از ۷ سالگی فرد با خود صحبت میکند و جهت دهنده تفکر و اندیشه انسان است.

لئونتیف:از شاگردان ویگوتسکی (نظریه فعالیت یا نظریه فرهنگی - تاریخی فعالیت)

۶)نظریه خبرپردازی

یادگیری ،حافظه و فراموشی را مورد بررسی قرار می دهد. قیاس رویکرد خبرپردازی بین انسان وکامپیوتر است. حتما درس را با مرور و خلاصه قبلی آغاز کنید و از انواع کانالهای حسی استفاده کنید.

علت از دست رفتن اطلاعات از حافظه حسی دقت و توجه است .گنجایش تا ۳۰ ثانیه

علت فراموشی ، عدم امکان دسترسی ما به اطلاعات است.

حافظه کوتاه مدت بیشتر از رمزهای شنیداری استفاده می شود.گنجایش ۵تا۹
حافظه بلندمدت بیشتر از رمزگردانی معنایی استفاده ی شود.

انواع حافظه درازمدت ۱)رویدادی(تجارب شخصی ،اتفاقات روزمره، رویدادها ، تاریخ مهم،نشانه ها و سرنخ ها،نقش مهم را تصاویر ذهنی دارند.) ۲) معنایی(درک جمله معنایی،برای رمزگردانی معنایی واحدهای بزرگ دانش طرحواره مناسب است، طرحواره هدایت کننده عملیات پردازش خبر است و سنگ بنای شناخت است انواع طرحواره صوری و موضوعی که موضوعی مهمتر است و به عنوان نقشه مفهومی است.) ۳) روندی یا ضمنی (فعالیتهای فیزیکی و جسمی مثلا چگونگی رانندگی و دوچرخه سواری،چگونگی انجام دادن یک عمل)

تقطیع : یک راه افزایش حافظه کوتاه مدت به صورت دسته بندی اطلاعات به قطعات است.

بزرگترین محدودیت حافظه بلندمدت ،غیرفعال بودن آن است.

فراموشی واقعی : از بین رفتن اطلاعات از حافظه درازمدت

علت فراموشی حسی: بی توجهی و بی دقتی

علت فراموشی کوتاه مدت : علت مهم : جانشینی مطالب جدید به جای مطالب قدیمی و علت دیگر گذشت زمان : نظریه رد یاد یا رد حافظه(زمان و ورود اطلاعات) است.

مرور و تکرار موجب نگهداری مطالب در حافظه کوتاه مدت می شود.

علت فراموشی درازمدت:واپس زنی(سرکوبی همان فراموشی هیجانی)، تداخل، مشکل بازیابی یا یادآوری (دو نوع بازخوانی و بازشناسی) است.

سومین و مهم ترین عاملی که برای به یاد نیامدن اطلاعات از حافظه درازمدت ذکر شده مشکلات **بازیابی** است.

واپس زدن اطلاعات را می توان مشکل بازیابی به حساب آورد.

یادگیری : ورود اظلاعات از حافظه حسی به حافظه ی بلندمدت

دو عامل تکرار و رمزگردانی معنایی(مرور ذهنی) باعث ورود اطلاعات از حافظه ی کوتاه مدت به بلندمدت می شود.

مهمترین عنصر پردازش ، رمزگردانی است.

رمزگردانی : تداعی اطلاعات وارده از کوتاه مدت به بلندمدت

تعریف رمزگردانی : تغییر شکل اطلاعات برای جایگزینی در حافظه است.

سه عامل اصلی یادگیری :۱) سطح توانایی یادگیرنده ۲) آموزش معلم ۳) انگیزش یادگیرنده

انگیزش در یادگیری هم نقش علت و هم نقش معلول را بازی میکند.

اشیا عینی : رمزگردانی تصویری

امور انتزاعی مثل عدالت ، ایثار: رمزگردانی کلامی

برخی امور هم انتزاعی و هم عینی هستند مثل خانه

دسته ای از روانشناسان که پیرو نظریه پویائی روانی فروید هستند معتقد هستند که ما بعضی وقت ها، به طور عمد، بعضی اطلاعات یا خاطراتی را که نمی خواهیم به یاد آوریم واپس می زنیم، و به همین دلیل آنها را فراموش می کنیم .بنابراین، یکی از نظریه های مربوط به فراموشی اطلاعات از حافظه درازمدت نظریه واپس زدن یا سرکوب نام دارد.

مفهوم واپس زدن یا سرکوب خاطرات که در نظریه روان پویائی **فروید** شهرت یافته است به ناتوانی انسان در یادآوری رویدادهای ناخوشایند یا امور وابسته به آنها اشاره می کند .به این نوع فراموشی اغلب فراموشی هیجانی می گویند .واپس زدن اطلاعات را می توان مشکل بازیابی به حساب آورد .طبق این نظر، به دلایلی نشانه های لازم برای بازیابی خاطرات واپس زده شده در دسترس قرار ندارند .هر چیزی که امکان دسترسی به نشانه های بازیابی را برای شخص امکان پذیر سازد راه یادآوری را می گشاید و موانع یادآوری خاطرات را کنار می زند .روانکاوان یا تحلیل گران روانی روش تداعی آزاد - یعنی گفتن آنچه که به ذهن می رسد - را به همین منظور به کار می برند .شخص ممکن است در ضمن تداعی آزاد نشانه های بازیابی لازم را که به خاطرات فراموش شده می انجامند پیدا کند.

انواع نظریه های شرطی(رفتارگرایی) ایجاد رابطه بین محرک و پاسخ در سیستم عصبی انسان: تداعی(رابطه) محرکها و پاسخها مورد تاکید است.

۱) نظریه شرطی سازی کلاسیک یا پاولفی (تداعی یا ارتباط بین محرک ها)

تعمیم و تمیز محرک، مهم بودن دو پدیده خاموشی و بازگشت، یادگیری از طریق مجاورت و بین محرک های شرطی ومحرکهای غیر شرطی مثلا گفتن کلمه گربه با نشان دادن تصویر آن موجب یادگیری مجاورتی میشود. همراه شدن محرکی با محرک دیگر یادگیری علامتی

۲) نظریه شرطی عامل اسکینر(کنشگر یا فعال) در رفتاردرمانی استفاده می شود.درمان بیوفیدبک یا بازخورد زیستی یعنی اعضای غیرارادی را تحت کنترل دراوریم مثل ضربان قلب ، فشارخون

اسکینر رفتار را به دو دسته ۱) کنشکر ارادی و فعال ۲) پاسخگر منفعل و غیرارادی تقسیم کرده است.

تقویت کننده ها

۳) نظریه وسیله ای(وابسته گرایی یا پیوندی) ثرندایک(کوشش و خطا)

علت یادگیری را پیوند میان محرک و تکانه های عمل میداند.

در روانشناسی ثورندایک رفتار کنشگر را رفتار وسیله ای نیز می نامند. فرایند شرطی شدن رفتارکنشگر بد ین طریق اتفاق می افتد که پس از رفتار کنشگر از سوی جاندار یک محرک یا رویدادی که برای جاندار مطلوب است ارائه می گردد و این امر باعث افزایش احتمال وقوع آن رفتار خواهد شد. یادگیری بر اساس حل مسائل استوار است(جعبه قفس گربه).

۱) قانون اثر(مهمترین قانون) پاداش مستقیما در پیوندهای مجاور اثر می گذارد و برعکس تنبیه اثر تضعیفی ندارد.
نوعی رضایت را برای یادگیرنده حاصل میشود. نتیجه رضایت بخش
۲) قانون آمادگی
۳) قانون تمرین(عامل شدت و تازگی). قانون تمرین را همراه با قانون اثر توصیه کرده است.
۴) قانون پاداش
۵) قانون تنبیه

استفاده ازوسایل آموزشي و كمك آموزشي در تدريس كاربرد نظريه يادگيري اجتماعي در تدريس است.

شانس	بیرونی		
توانایی	درونی	با ثبات	غیرقابل کنترل
تلاش معمولی	درونی	باثبات	قابل کنترل
تلاش آنی	درونی	بی ثبات	قابل کنترل
دشواری تکلیف	بیرونی	با ثبات	غیرقابل کنترل
معلم	بیرونی	با ثبات	قابل کنترل
کمکهای غیرمعمولی	بیرونی	بی ثبات	قابل کنترل
خلق و خوی	درونی	بی ثبات	غیر قابل کنترل

تلاش چه معمولی و چه انی قابل کنترل است

اما

توانایی غیرقابل کنترل است.

همه با ثبات به غیر از تلاش انی بی ثبات

نظریه اسنادی واینر

روانشناسی انسان گرا یا نیروی سوم: راجرز ، مازلو ، مونته سوری

روانشناسی بشردوستانه

دیدگاه انسان گرايي برروي تجربيات زمان حال و ارزش وجودي كل انسان ،خلاق بودن،آزاد بودن،و همچنين توانا بودن انسان براي حل مشكل خود تاكيد مي كند.

در ضمن مهمترین مفاهیم کلیدی در انسانگرایی عبارتند از :خودشکوفایی، خود کامل گردانی، تحقق ذات، خودشناسی، خودیابی، خودپنداری پنج اصل مهم روانشناسی انسانگرایی

1-انسان به عنوان یک انسان، جانشین جمع اجزایش است.

2-انسان در یک زمینه انسانی هستی دارد و طبیعت منحصر به فرد او از راه ارتباط با افراد دیگر مشخص می شود.

3-انسان از خویشتن و وجودش آگاه است .یعنی اینکه اشخاص چگونه رفتار می کنند بستگی به آنچه در گذشته برای ایشان اتفاق افتاده است) تجارب (و امیدهای آنان برای آینده) انتظارات.

4- انسان انتخاب کننده است .آگاهی به انتخاب منجر می شود و هنگامی که شخص انتخاب می کند دیگر تماشاگر نیست بلکه شرکت فعالی در تجربه دارد. **مشارکت دانش آموز مهم است.**

5-انسان هدفمند است قصد یک شخص در انتخابش منعکس می شود که آن نیز به هدف متوجه است.

تاکنون الگوهای آموزشی گوناگونی مبتنی بر آموزه های روانشناسی انسانگرا شکل گرفته اند نظیر الگوی مبتنی بر روش های یادگیری، الگوی یادگیری مشارکتی، الگوی رجیو امیلیا، الگوی خانواده فعال، الگوی گروه های ترکیبی و...

برنامه درسی

این فلسفه، چنانکه دیدیم، اصالت را به انسان و در مدرسه به دانش آموز می دهد بنابراین، آموزش دروسی یا موادی را توصیه می کند که به انسان ماندن و انسانی رفتار کردن منجر شوند به همین سبب آموزش هنرها و علوم انسانی و اجتماع را مقدم می داند.

روش تدریس : بر اساس شاگرد محور، روش مساله محوری و تحلیل مسایل

تدریس خوب با برقراری ارتباط میان معلم و محصل آغاز می شود .در کلاس مبتنی بر ارتباط خوب میان معلم و محصل، شاید نتوان گفت که محصلان بیشتر یاد می گیرند لیکن می توان گفت که:

*درباره آنچه آموخته اند احساس خوبی دارند.

*درباره خویشتن احساس بهتری دارند.

*برقراری تعادل منطقی میان فرآیندهای هیجانی و نتایج تحصیلی.

در آموزش و پرورش انسانگرایانه، مراحل فعالیت معلم و شاگرد، شامل کاوشگري، روشنگري و انتقال است.

معلم در تدریس، نقش تسهیل کننده یادگیري را دارد.

نظام ماهلر و مراحل رشد

ماهلر این موضوع (ارتباط بیولوژیک مادر و فرزند) را به شیوه ای پسیکولوژیک تر بسط و توسعه داد. وقتی که نوزاد با مادر (یا هر « ادغام شخصیتی » به دنیا می آید، در حالتی از کس دیگری که نقش مادر را ایفا می کند) است.

مرحله اول: اوتیستیک بهنجار(تولد تا ۱ماهگی) **درخودماندگی بهنجار**

کودک در حالت نیمه خواب و بیداری است.

کودک به دنبال **تعادل جویی فیزیولوژیکی** است.

کودک برای ارضا نیازهایش تلاشی نمی کند.

ماهلر این مرحله را اوتیسم بهنجار یا خودشیفتگی و خودخواهی کامل میدانست.

در این مرحله نوزاد در برابر دنیای دنیای خارج که فروید آن ر ا سد محرک می خواند و نوعی پوسته است، از او محافظت میکند و او را از محرک ها دور نگه می دارد. از تماس چشمی مستقیم خودداری می کنند و به مشکلات زبانی دچار هستند و بعضی از آنها به(**پژواک گویی**)تکرار بیهوده اصوات می پردازند.

مرحله دوم :همزیستی بهنجار (۱تا ۵ ماهگی)

به دیگران لبخند میزند.

لبخند اجتماعی او اولین علامت لذت بردنش به محرک های بیرونی است.

هنوز خود و مادرش را یکی میبیند همزیستی بهنجار

این همزیستی نوزادی حس قدرت مطلق کودک است.

نوزاد به مادری فداکار نیاز دارد نه راضی کننده که مادر خوب بودن نیز ریشه در بیولوژی دارد.

همزیستی نوزاد یا همان اعتماد اریکسون برای رشد اولیه کودک مهم است.

لنگر ایمن: یعنی همان همزیستی بهنجار و یا وحدت و یکی بودن با مادر

مرحله سوم : تفرد و جدایی یا تمایز (۵-۹ ماهگی)

دارای ۴ زیر مرحله است:

۱) **تمرین اولیه** : مادر را به عنوان پایه واساس جستجوی خود قرار می دهد.
۲) **تمرین و تجربه** : دنیای پیرامون را با شوقی جسورانه بررسی می کند.
۳) **نزدیکی و آشتی** : متوجه می شود که به مادر نیاز دارد، هرچند که همچنان در پی استقلال نیز هست.
۴) **ثبات شئ و تثبیت فردیت** : تصویری درونی از مادر ایجاد می کند و می تواند جدا از او، به عمل بپردازد.

کودک خود را از مادر از نظر روانشناختی جدا میکند .

کودک میخواهد هویت شخصی خود را پرورش دهد .

جداییش برای برقراری رابطه با دیگران است .

در ۶ ماهگی از مادر فاصله می گیرد تا بهتر او را بنگرد .

کودک الگوی "بازرسی پشت سر" را آغاز می کند یعنی جهت بررسی خود و محیط در آغوش مادر خود را به عقب میکشد .

بررسی افراد غریبه و ترس از غریبه بوجود می آید .

از مادر فاصله می گیرد اما هنوز مادر نقطه اتکا در منزل است .

کودک "محیط را بررسی" می کند و نگرش مادرش برایش مهم است .

پایه و اساس "جستجو کودک مادر" است. آغاز پرورش خود مختاری است .

"**درگیری عاشقانه با دنیا**" وجود دارد .

قدرت ذاتی جنبش وکنجکاوی دارد. غیبت مادر را تحمل می کند .

اگر مادر از در خارج شود او پیش بینی برگشت مادر را دارد .

ناراحتی زیادی در قبال نبود مادر ندارد .

کودک درون خود مادری با ثبات دارد .

این تصویر درونی از مادر "ثبات شئ هیجانی" نامیده می شود.

نوزاد بیشتر یک شخص مستقل است به گونه ای فعالانه مادر خویش و دنیای خویش را بررسی می کند .

ماهلر عنوان کرد "**نوزاد از تخم بیرون آمده**" است.(**ثبات شی و تثبیت فرد**)

مفهوم خودمثبت(خودپنداری): شکست را ناشی از عوامل بیرونی و موفقیت را ناشی از عوامل درونی میدانند.اگر شکست را ناشی از عوامل درونی بدانند ، شرمساری ایجاد میشود.

منفی ترین نوع مفهوم خود درماندگی اموخته شده آقای سلیگمن را مطرح نمود یعنی رویدادها تحت کنترل او نیستند. پیامد رفتار را مستقل از رفتار می دانند.

هدف آموزشی باید تغییر اسناد باشد:

از شکست ---------- فقدان توانایی---------- عدم شایستگی---------- کاهش عملکرد

به

شکست ---------- فقدان کوشش---------- احساس گناه و شرمساری---------- افزایش عملکرد

شکل های اساسی یادگیری گانیه (ترتیبی)

۱) یادگیری علامتی (شرطی سازی کلاسیک یا پاولفی) مثلا دیدن سوال امتحانی و پاسخ اضطرابی – خوشحالی کودک پس از شنیدن صدای مادر(رفتار بازتابی غیرارادی و ناآگاهانه و ارثی) در این نوع یادگیری یادگیرنده پاسخ شرطی را به یک علامت می آموزد مانند پاسخ ترشح بزاق سگ به صدای زنگ یا نور چراغ.
نام دیگر این نوع یادگیری شرطی سازی پاسخگر است . زیرارفتار شرطی یا رفتاری که آموخته شده است رفتار پاسخگر است . علت نامگذاری رفتار بازتابی به رفتارپاسخگرا ین است که جاندار از طریق این نوع رفتار به محرکهای مشخص پاسخ می دهد و بدون این محرکها ی مشخص رفتار پاسخگر از جاندار سر نمی زند .مثل پاسخ اضطراب دانشجویان یا دانش آموزان در برا برمحرک ورقه امتحانی است و ورقه امتحانی بعنوان محرک منجر به ایجاد پاسخ اضطراب می شود
۲) یادگیری محرک – پاسخ (در مقابل محرک های خاص پاسخ های دقیق عضلانی داده میشود. مثل دیدن چراغ قرمز و فشار پدال ترمز) جنبه ارادی
۳) یادگیری زنجیره ای(پیوند زدن یادگیری های محرک و پاسخ) مثل مسواک زدن ، بستن بند کفش
۴) یادگیری تداعی کلامی(واحدهای کلامی) مثل دیدن توپ و نامیدن آن.
۵) یادگیری تمیز محرک
۶) یادگیری فهوم
۷) یادگیری اصل (قاعده) قانون
۸) یادگیری حل مساله

یادگیری قاعده یا قانون (اصل)

اگر بین چند مفهوم رابطه ای معنی دار ایجاد کنیم ، یک اصل به دست می اید.

یادگیری حل مساله (قاعده سطح بالاتر)

اگر بین چند قاعده یا اصل رابطه برقرار کنیم یک قاعده سطح بالاتر است مثل بستن بند کفش توسط خود کودک یک حل مساله است.

بالاترین سطح شناختی ، آفرینندگی است.

نیازهای مازلو: ۱) جسمانی ۲) ایمنی ۳) عشق واقعی ۴) عزت نفس ۵) خودشکوفایی(فرانیاز)

تفکر واگرا با خلاقیت رابطه دارد اما تفکر همگرا با هوش رابطه دارد.

طراحی آموزشی

منظور از طراحی آموزشی پیش بینی ، نظم دادن به فرصت ها و استفاده بهینه از امکانات در فرایند یاددهی – یادگیری است.تنظیم رویدادهای آموزشی بر اساس اهداف، محتوا و امکانات موجود با توجه به ویژگی های یادگیرندگان و ساخت شناختی انهاست.(هدف ها : ارتباط متوالی سلسله مراتبی و پشت سر هم، ارتباط موازی هماهنگ هم تراز ، ارتباط ترکیبی از هردو)

تحلیل آموزشی: تحلیل آموزشي ، فرايندي است كه از طريق آن هدف نهايي آموزشي به وظايف يا اعمالي كه شاگرد بايد انجام دهد يا معلومات و مهارتهايي كه پس از اجراي آموزشي بايد كسب كند، تقسيم مي شود.در همه ی مراحل طراحی آموزشی اتفاق می افتد.

گام اول : تحلیل وتنظیم هدف های آموزشی

اهداف (آرمانی ، کلی ، جزیی،عینی) ،تحلیل آموزشی(۱) تبدیل هدف کلی به اهداف جزیی ۲)تبدیل هدف های جزیی به هدف های رفتاری ۳) تعیین روابط هدف اجرایی نهایی (کلی)با هدف های اجرایی مرحله ای(جزیی)

گام دوم: تحلیل وتعیین موقعیت آموزشی

در این گام پرسشهایی برای هنرآموز مطرح میشود که پاسخ دادن به انها نیاز به برخی عوامل دارد که مجموعه ی انها را تحلیل وتعیین موقعیت اموزشی نام دارد.سوالاتی چون چگونگی سازماندهی فعالیت یادگیرندگان ، مناسب ترین موقعیت برای انجام فعالیت ها.

بنابراین در این مرحله رخدادهای آموزشی (فعالیت معلمان یا همان روش تدریس و فعالیت دانش آموزان یا همان تجارب یادگیری)، تجارب یادگیری ، نوع ارتباط بین هدف ها(متوازی ، موازس ، سلسله مراتبی ، ترکیبی)، گروه های تدریس ویادگیری ،رفتار ورودی، تعیین اولین گام اموزشی و ارزشیابی تشخیصی مورد تحلیل وتعیین قرار میگیرد.

گام سوم:تحلیل وتعیین محتوا ، روش تدریس ، وسایل

گام چهارم :تحلیل وتعیین نظام ارزشیابی

نشان دهنده ی میزان تسلط دانش اموزان برهدف های آموزشی است.

نوشتن تغییرات مورد نظر، معیارمطلق (قضاوت عملکرد دانش آموز)، معیار نسبی یاهنجاری قضاوت نسبت به گروه)،سوالهای عینی و ذهنی

پس از اجرای برنامه باید ارزشیابی صورت گیرد.البته به اعتقاد اکثر طراحان اموزش ارزشیابی باید قبل از اجرای برنامه تعیین شود.

تحلیل تکلیف : یکی از روش های تدوین رفتار ورودی است در سلسله مراتب یادگیری مشخص میکند که چه مطالبی برای یادگیری مطلب بالاتر پیش نیاز است.یعنی مشخص کردن مهارت ها و اطلاعات و دانشی که در سطح پایین قرار دارند و اطلاعات فوقانی به انها وابسته اند نخستین گام ارزشیابی معلم سنجش آغازین است.

مراحل الگوی عمومی تدریس رابرت گلیزر:

۱) تعیین هدف های تدریس و هدف های رفتاری
۲) تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی
۳) تعیین شیوه ها و وسایل تدریس
۴) سازماندهی شرایط و موقعیت اموزشی
۵) ارزشیابی و سنجش عملکرد

الگوی عمومی تدریس در همه سطح و همه ی دروس قابل استفاده است و معلم در اجرا ، طراحی ، و ارزشیابی میتواند از این الگو استفاده کند.

گیج وبرلاینر مراحل فعالیت معلم (مهارت های تدریس)را به ۵ مرحله زیر تقسیم کرده است.

۱) پیش از آموزش (تعیین هدفهای آموزشی و تبدیل آن به هدفهای رفتاری، رفتار ورودی و سنجش آغازین)طراحی اموزشی
۲) پیش از اموزش و ضمن آموزش (از نظریه های روانشناسی یادگیری و یاددهی وانگیزشی بیشتر استفاده می کنیم.)
۳) در ضمن آموزش (استفاده از روش تدریس متناسب با محتوا و ویژگیهای یادگیرندگان)
۴) در ضمن آموزش و پس از آموزش (ارزشیابی در اینجا به معنای این است که معلم بفهمد داش آموز مطلب را یادگرفته است یا نه که اگر یاد نگرفته بود نواقص را رفع کند. دانش آموز را محک می زند.)
۵) پس از آموزش (ارزشیابی در این جا میزان یادگیری دانش آموز را می سنجد.)

بعد از مرحله پایان آموزش باید بازخوردهایی داده شود.

فعالیت یادگیری : مراحل یاددهی و یادگیری است.

محتوا: مجموعه ای از مفاهیم ،اصول ،اندیشه ها،فرایندها و مهارتها می باشد.

تدریس امری معطوف به یاددهنده و یادگیرنده است.

منابع تعیین هدف های آموزشی(نیاز های دانش آموزان ، نیاز جامعه ، دیدگاه متخصصان)

صافی هدف های آموزشی : روانشناسی تربیتی ، فلسفه آموزش و پرورش)

ارزشیابی:

با استفاده از اندازه گیری و اطلاعات به دست امده به تجزیه و تحلیل آن پرداخت. ارزشیابی از اندازه گیری جامع تر است و ارزشیابی بدون اندازه گیری امکان پذیر نیست. مستلزم داوری ارزشی است.

اندازه گیری:

فرایندی است که مشخص میکند یک شی چه میزان از ویژگی را داراست و کمی است.اندازه گیری از آزمودن و سنجش کلی تر است.

سنجش:

اگر اندازه گیری بدون آزمون باشد یا علاوه بر آزمون یعنی با استفاده از مشاهده و مصاحبه انجام میشود. سنجش نوعی اندازه گیری است که مفهوم وسیع تری نسبت به آزمودن دارد. سنجش نوعی تحلیل بالینی و **پیش بینی عملکرد** است.بیشتر در اموزش و پرورش و روانشناسی بالینی کاربرد دارد و کیفی است.اندازه گیری بخشی از فرایند سنجش است.گاهی بدون آزمون

روایی : مثلا درس ریاضی ازمونش فقط مربوط به اهداف ریاضی باشد نه درس دیگری

پایایی یا اعتبار(دقت ، ثبات ، تکرار پذیری، اعتماد پذیری) :ازمونی را که یک بار برگزار کردیم اگر ده بار هم برگزار کنیم نتایج یکسانی داشته باشد

آزمودن:

اگر اندازه گیری با آزمون باشد ازمودن نام دارد.

انواع ارزشیابی با توجه به زمان ارزشیابی و هدف های آن :

۱) **رفتار ورودی** : آگاهی از توانایی ها وآمادگی های قبلی دانش آموز،جبران نارسایی های احتمالی ابتدای اموزش (وابسته به ملاک مطلق) پیش نیاز درس جدید

نخستین ارزشیابی معلّم که پیش از انجام فعالیتّ های آموزشی اوبه اجرادرمی آید،سنجش آغازین نام دارد.این گونه سنجش برای یافتن پاسخ برای دوپرسش زیرانجام می شود:
الف-آیایادگیرندگان ازپیش بر دانش ها ومهارتهای پیش نیاز درس جدید،مسلطّ اند؟
ب-یادگیرندگان چه مقدار از هدف ها و محتوای درس تازه را ازقبل آموخته اند؟
اگرپاسخ هردوسؤال مثبت باشد به آموزش تازه می پردازیم .درغیراین صورت ،برای افزایش آمادگی آن ها تمرین ارائه می دهیم .
بیانات رفتارهای ورودی نیز مانند بیانات هدف های آموزشی رفتاری بر حسب اعمال و رفتار آشکار و قابل اندازه گیری یادگیرنده نوشته می شود.
به طور کلی یکی از شباهت های رفتار ورودی با هدف های نهایی آن است که این رفتار ها هردو بر حسب عملکرد یا رفتار قابل اندازه گیری نوشته می شود اما رعایت دو ویژگی دیگر هدف های کامل رفتاری) شرایط و ملاک عملکرد(در رفتار ورودی ضروری نیست . از دیگر مقایسه های این دو آن است که معمولا تعداد رفتارهای ورودی یک درس از تعداد هدف های نهایی درس بیش تر است.
رفتار ورودی هم جنبه ی شناختی دارد،هم عاطفی و هم جنبه ی روانی-حرکتی.
جنبه ی شناختی به یادگیری پیش نیاز اشاره می کند،جنبه ی روانی-حرکتی مهارت های حرکتی را شامل می شودو جنبه ی عاطفی به علاقه و انگیزش و طرز برخورد یادگیرنده دلالت می کند.

راه های مقابله با مشکل کمبود انگیزش یادگیری:

بهترین راه رفع مشکل این است که سطح رفتارهای ورودی شناختی دانش آموزان را بالا ببریم و کیفیت آموزش را بهبود بخشیم این اقدامات سبب افزایش یادگیری و کسب موفقیت از سوی دانش آموزان در درس های تازه خواهد شد و به دنبال آن باعث می شود تا دانش آموز تصویری مثبت تر از توانایی های خود نسبت به یادگیری آموزشگاهی دست یابد اگر این جریان درچندین واحد ادامه یابد از تصورات منفی کاسته و به جای آن تصورات مثبت تری در این مورد کسب خواهد کرد که این خود علاقه و انگیزه را افزایش می دهد به قول بلوم اگر شیوه های آموزشی برنامه درسی و روش نمره دادن مدارس بر تجربیات موفقیت آمیز دانش آموزان تاکید بشتری داشته باشند این امر باعث خواهد شد که ویژگی های ورودی عاطفی مثبت برای تکالیف جدید افزایش یابد.

فنون ایجاد علا قه و انگیزش در یادگیرندگان:

۱) آنچه از یادگیرندگان به عنوان هدف آموزشی انتظار دارید در ابتدای درس به طور کامل بگویید و در آنان نسبت به نتایج یادگیری انتظارات مثبتی ایجاد کنید.
۲) از تشویق های کلامی استفاده کنید.
۳) از امتحانات و ازمون ها به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش استفاده کنید.
۴) مطالب را از ساده به دشوار ارایه دهیم.
۵) از ایجاد رقابت و چشم و هم چشمی جلوگیری کنیم.

۶) پیامد های منفی مشارکت یاد گیرندگان در فعالیت یادگیری را کاهش دهیم.
۷) به یادگیرندگان مسایل و تکالیفی بدهید که نه خیلی دشوارو نه خیلی ساده باشد.
۸) تا آنجا که ممکن است مطالب درسی را به صورت معنی دار و در ارتباط با موقعیتهای زندگی ارائه دهید و در حد امکان در فعالیتها به یادگیرندگان آزادی عمل بدهید.

۲) **تکوینی(مرحله ای)** : در طول دوره اموزشی و برای بررسی نقاط قوت و ضعف اموزشی و کمک به پیشرفت گام به گام یادگیری است و دیگری اصلاح روش تدریس معلم(وابسته به ملاک مطلق) **هدف بهبود یادگیری، نحوه یادگیری و اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و جهت دادن به اموزش است.** تشخیص مشکلات روش تدریس و آموزشی معلم

۳) **تشخیصی:** بسیار شبیه به ارزشیابی تکوینی است .آیا شاگردان توانایی ها و مهارتهایی را که لازمه ی فراگیری مطالب جدید است ، آموخته اند. تعیین معلومات و رفتارهای ورودی،کشف علت اشتباهات دانش آموزان ، **هدف کشف دلایل اصلی مشکلات شاگردان در یادگیری و رفع این مشکلات است.**(هم وابسته به ملاک مطلق و هم وابسته به هنجار)

معلم چگونه می تواند مطمئن شود که:
- شاگردانش مهارت های لازم را برای ورود به مطلب جدید دارند؟
- او چگونه می تواند دریابد که شاگردانش قسمتی از مطالبی را که وی می خواهد تدریس کند از پیش می دانند؟
پاسخ دادن به دو پرسش فوق به مدد ارزشیابی تشخیصی امکان پذیر است. از طریق ارزشیابی تشخیصی می توان مشخص کرد که شاگردان معلومات، توانایی ها و مهارت های لازم را برای ورود به مطلب جدید دارند یا نه. ارزشیابی تشخیصی را معمولا از طریق اجرای سنجش یا آزمون آغازین رفتار ورودي انجام می دهند. بسیاری نیز ارزشیابی تشخیصی را بصورت ترکیبی از آزمون رفتار ورودی و پیش آزمون اجرا می کنند که این حالت مطلوب تر به نظر می رسد؛ زیرا ارزشیابی تشخیصی باید وسیله ای باشد که میزان آگاهی شاگردان را درباره آنچه باید بیاموزند بسنجد.
سؤالات مطرح شده در ارزشیابی باید به گونه ای تنظیم شود که رفتار ورودی و هدف های اجرایی درس جدید را در بر بگیرد و مشخص کند که آیا شاگردان پیش نیاز درس جدید را بطور مطلوب آموخته اند یا نه یا از مفاهیم درس جدید چقدر آگاهی دارند.
ارزشیابی تشخیصی علاوه بر اینکه معیار سنجش رفتار ورودی شاگرد است، وسیله ای است که به کمک آن می توان اولین گام آموزشی را به دقت معین کرد.

۴) **ارزشیابی تراکمی(پایانی):** (هم وابسته به ملاک و هم وابسته به هنجار) **هدفش رسیدن به حد تسلط و ارزشیابی آموزش است.** نمره دادن و اثربخشی کار معلم و توفیق او در پیاده کردن مراحل مختلف طرح آموزشی .

۵) **ارزشیابی جایابی(پیش آزمون)** : دانش آموزان بخش مهمی از درس جدید را قبلا اموخته اند.هدف آن طراحی درس و جایگزینی افراد برای سطوح بالاتر است. همه اهداف درس را دربرمی گیرد و سوالات ساده و دشوار در آن گنجانده شده است.در آغاز درس کاربرد دارد و از آزمون های ملاک مرجع و نرم مرجع استفاده می شود.

سنجش آغازین با پیش آزمون تفاوت دارد پیش آزمون که برای مقاصد پژوهشی استفاده می شود همان آزمون نهایی درس است که هدف از آن تعیین میزان اطلاعات یادگیرنده مطالبیست که قرار است آموزش داده شود اما سنجش آغازین برای اندازه گیری تسلط یادگیرنده بر پیش نیاز های درس تازه است دی چکو می گوید: در آزمون رفتار ورودی و رفتار های نهایی نتیجه ی آرمانی آن است که افراد در آزمون ورودی نمره ی کامل(20)و در آزمون نهایی نمره ی صفر را بگیرند.

نتایج حاصل از اجرای آزمون ورودی مشخص می کند که آیا همه ی افراد بر پیش نیازهای مطلب مورد یادگیری تسلط دارند یا اینکه برخی نیاز به ترمیم آموزشی نیاز دارند.

در سنجش آغازین اگر همه دانش آموزان پیش نیازهای شناختی و روانی- حرکتی ضروری درس در اختیار داشته باشد معلم می تواند به آموزش هدفهای درس اقدام کند اما اگر همه ی رفتار ورودی را کسب نکرده یا بین آنها تفاوت زیادی می باشد باید پیش از آموزش مشکل را بر طرف کند.

راه حل اول:

آموزش جبرانی به صورت فردی . این آموزش به صورت فعالیت اضافه بر فعالیت فعالیت آموزش معلم است که پیش از آموزش درس اصلی یا به همراه آن صورت می پذیرد.

راه حل دوم:

اگر مقدار مطالب زیاد باشد یا تعداد افراد باشد لازم است که اینگونه رفتارهای ورودی در کلاس به صورت جمعی مرور شوند . در هر دو روش به زمان مورد نیاز برای آموزش ترمیمی لازم است.

راه حل سوم:

معلم تکلیف یادگیری را به شکلهای مختلف تغییر دهد آنگونه که تکلیف تغییر شکل یافته پیش نیاز های متفاوتی را ایجاب کند بنابراین دانش آموزی که به یک شکل به خصوصی از تکلیف یادگیری رفتار ورودی لازم را ندارد دیگر امکانات که به یک شکل به خصوصی از تکلیف یادگیری رفتار ورودی لازم را ندارد ممکن است برای شکل دیگر همان تکلیف آمادگی بیشتری داشته باشد.

راه حل چهارم:

این است که هدف و محتوای درس را تغییر دهیم تا رفتارهای ورودی موردنظر نیز تغییر کند.

سنجش ورودی : بیشتر مهارت های پیش نیاز را می سنجد سوالات نسبتا ساده است و در اول سال تحصیلی کاربرد دارد و وابسته به ملاک است و هدفش جبران نواقص یادگیری است.

انواع ارزشیابی برحسب تفسیر نتایج:

۱) معیاری(ملاک و معیار مطلق) از پیش تعیین شده نمره پایان ترم(آزمون های معلم ساخته)

۲) هنجاری(ملاک و معیار نسبی) بر اساس عملکرد گروه مثل آزمون کنکور(آزمون های میزان شده(استاندارد): مراکز علمی، بنگاه های دولتی)

آزمونهای معلم ساخته به دو دسته ۱) عینی و ۲) انشایی

انواع آزمون ها بر اساس اندازه گیری

۱) توانایی(پیش بینی موفقیت تحصیلی و شغلی)
۲) عاطفی(روانی و تربیتی)

انواع آزمونهای توانایی

۱) استعداد: هوش
۲) پیشرفت تحصیلی: ملاک مرجع سنجش عملکرد فرد (آزمون های میان ترم و پایان ترم)

انواع آزمونها بر اساس ساخت

۱) استاندارد شده(میزان شده) : نرم مرجع و پیشرفت تحصیلی و هوش و استعداد کاربرد دارد.
۲) معلم ساخته : ملاک مرجع و در پایان ترم

انواع آزمون های پیشرفت تحصیلی کتبی به دو نوع تقسیم می شود:(عینی و ذهنی)

بازشناسی:(هر آنچه فرد قبلا یاد گرفته به او یادآوری می شود.)چند گزینه ای، جورکردنی ،ص-غ

فراخوانی : (علاوه بر یادآوری باید بازخوانی کند و ارائه دهد.)کوتاه پاسخ ، ص غ با جواب درست ، کامل کردنی

بازسازی: امتحانات انشایی ، تشریحی

کارنمایی : امتحانات عملی و کاربردی(پیچیده ترین نوع یاداوری مثل صحبت کردن به زبان انگلیسی)

۱) عینی یا بسته پاسخ: صحیح – غلط، جورکردنی، چندگزینه ای
۲) ذهنی (غیرعینی) یا انشایی یا بازپاسخ

آزمون های انشایی(سطوح بالای شناختی) یادآوری و بازخوانی،بازسازی

ورقه های اول در سوالات انشایی نمره کمتری دریافت می کنند. بهتر است تصحیح در انشایی سوال به سوال باشد(افزایش همسانی نمره گذاری) نه جز جز (کاهش میزان اعتبار و روایی آزمون)

روش کلی(درجه بندی) و تحلیلی (امتیاز بندی) : بهتر است از هردو به صورت ترکیبی استفاده کرد.

معایب: سنجش نمونه کوچکی از محتوای دروس،تداخل ذهنیت مصحح در تصحیح سوالات،زمان گیر بودن تصحیح سوالها

یکی از معایب ارزشیابی انشایی طفره رفتن دانش اموز از پاسخ دادن

دلیل عمده مخالفت برخي صاحبنظران با كاربرد آزمونهاي تشريحي ، بي ثباتي نمره گذاري آنهاست.

دو عامل عمده روی تصحیح امتحانات انشایی ۱) آشنایی با صاحب ورقه و ۲) نحوه پاسخگویی به اولین سوال

حساسیت آزمون یعنی نشان دادن تفاوت های جزیی

خطای هاله ای در امتحانات انشایی

سوالات براساس جدول مشخصات باشد تا ارتباط مستقیم با هدف های آموزشی، پرهیز از کلی گویی سوالات

به ازمون شونده حق انتخاب سوالات از میان بقیه را ندهیم.

متداولترین آزمون کلاسی ، آزمونهای تشریحی هستند.

انواع آزمون های تشریحی :

۱) گسترده پاسخ(برای سنجش تحلیل – ترکیب – ارزشیابی)

۲)محدود پاسخ (درک و فهم،تحلیل، بکاربستن) محدودیت در ترکیب اندیشه ها

محاسن : اسان بودن تهیه سوالها، سنجش سطوح بالای شناختی، قدرت پروراندن اطلاعات،ارائه موقعیتی واقعی تر

دقت عمل در نوشتن سوالات انشایی بیشتر از سوالات عینی است.

آزمون های کوته پاسخ (اندازه گیری سطوح پایین شناختی) بازخوانی ، یادآوری و فراخوانی

حدوسط بین سوال های تشریحی و عینی است.

۱) پرسشی
۲) کامل کردنی
۳) تشخیصی(تداعی)

محاسن : اجرای آسان ، کاهش قدرت تقلب،ارائه اطلاعات، عدم وجود امکان حدس زدن

معایب : تا حدی در تصحیح آن نظر مصحح دخالت دارد.

در نوع کامل کردنی عبارت مهم حذف شود. صورت سوال عین جمله کتاب نباشد.در سوال های پاسخ عددی واحد مقیاس رعایت شود.

در آزمونهای کوتاه پاسخ از نوع عددی می توان هدف های سطوح درک و فهم و بکاربستن را بسنجد.

برای محاسباتی ریاضی و علوم مناسب است.

آزمونهای صحیح – غلط(بازشناسی و فراخوانی) تشخیص

انواع سوالات : ۱) بلی و خیر ۲) اصلاحی(در صورت خیر بودن پاسخ درست را می نویسد هم بازشناسی هم فراخوانی) ۳) خوشه ای(تنه سوال بصورت یک جمله ناتمام)**علاوه بر تشخیص یاداوری و بازخوانی**

سادگی تهیه آزمون ، بیان موضوعات درسی در قالب عبارت های ساده، هم اندازه بودن طول سوالهای ص-غ، تعداد سوالهای ص-غ تقریبا به یک اندازه باشد، عینا از جملات کتاب نباشد، هر سوال یک هدف اموزشی را بسنجد.**برای سنجش واقعیت ها و عقاید**

معایب: اثر حدس کورکورانه در پاسخ دهی ، تاکید بر مطالب جزیی و حفظی، مناسب نبودن سنجش سطوح بالای شناختی

درسوال های ص – غ احتمال پاسخ درست بصورت تصادفی بودن ۵۰ درصد است برای حذف اینکار از روش مقیاسی کردن استفاده نمود یعنی صحیح- احتمالا صحیح – نمی دانم- احتمالا غلط،غلط بانمره گذاری هرکدام .....

همه ، هیچ کس،بعضی ، عموما ممنوع

آزمون های جورکردنی(بازشناسی و فراخوانی)

دو نوع جورکردنی ۱) معمولی: تعداد پاسخ ها بیشتر از تعداد سوالها ، سوال و جواب کنار هم می آیند و باهم جور می شوند.

۲)رده بندی: تنظیم بر اساس طرح رده بندی جورکردنی- **سنجش توانایی انتقال ، توضیح و درک مطلب** – تعداد سوالها بیشتر از تعدا پاسخ ها—یک پاسخ را میتوان بیش از یک بار بکار برد.

محاسن : نمره گذاری عینی و آسان ، بهترین نوع سوال برای سنجش روابط بین امور برای موارد متجانس، گسترده بودن حیطه سوالها ، مناسب با سوال چه کسی چه چیزی چه زمانی و کجا شروع می شود ،سنجش دانش اطلاعات و تعاریف، **سنجش نمونه وسیعی از اهداف آموزشی**

معایب: حفظ موارد بی اهمیت،بسیار مشکل بودن تهیه سوالات متجانس و همگونی پاسخها، طولانی بودن طول پرسش و پاسخ ،ناهمگون بودن پاسخ ها در اکثر مواقع ، مبهم بودن پرسش ها در اکثر مواقع،مبهم بودن راهنمایی های آزمون

قواعد:

متجانس بودن پرسشها و پاسخها

طول فهرست کوتاه باشد

پرسش ها با شماره و پاسخ ها با حروف

پاسخ و پرسشها کاملا جور نباشند.

برای سنجش دانش وقایع و رویدادها مناسب است.

بودن همه ی پرسشها و پاسخ ها در یک صفحه

آزمون های چند گزینه ای(باز شناسی و یادآوری)

محاسن :

- **انعطاف پذیر بودن** یعنی هم سطح شناختی دانش و هم استدلال و قضاوت و دیگر بازده ای یادگیری
- از سایر آزمونهاي انعطاف پذيرترند و منبع بسيار مناسبي براي تشخيص مشكلات دانش آموزان هستند.
- کم بودن حدس کورکورانه در آن
- در یک زمان کوتاه تعداد زیادی از هدف های آموزشی و محتوای درس را می سنجد.
- نمره گذاری سریع و عینی

معایب:

- دشوار بودن این آزمونها به خصوص ساختن گزینه ها
- سنجش اطلاعات جزی و کم اهمیت
- خواندن سوال و گزینه وقت زیادی را می گیرد.
- نمره منفی گرفتن دانش آموزان قوی
- دانش آموزان اهل خطر نمره بهتری میگیرند.
- نمره بهتر گرفتن دانش آموزان خبره از تازه کار
- یکی از را ههای کنترل سطح دشواری سوال متجانس کردن گزینه هاست.
- گزینه ها از لحاظ طول متفاوت باشند.
- استفاده از گزينه نمي دانم در آزمونهای تکوینی زمانی که هدف آزمون، تشخيص مشكلات يادگيري دانش آموزان باشد ، انجام میشود.

قواعد تهیه سوالات

بکارنبردن سوالات منفی و همه موارد در سوال ها، بکاربردن دو گزینه متضاد که یکی از ان ها درست باشد،انتخاب تصادفی محل گزینه درست، بکارنبردن هیچ کدام در پاسخ ها.

پاسخ انحرافی در سوالات باید توجه افراد بی اطلاع را به خود جذب کند و کسانی که جواب سوال ها را نمیدانند. بهترین منبع انتخاب گزینه ای انحرافی برای سوالات چندگزینه ای اشتباهات دانش آموزان است.

نمره گذاری اوراق امتحانی:

برای حذف عامل حدس و گمان در آزمونهای عینی به روش زیر عمل کنید: منهای ۱ بعدا می اید.

ابتدا تعداد پاسخ درست – تعداد پاسخ غلط

تعداد گزینه های پیشنهادی - ۱

اولین گام در ساخت پرسشنامه نوشتن هدف های رفتاری ، بعد فهرستی از محتوای درس ، جدول مشخصات امتحان

آزمون های عملکردی (آزمون های اصیل و واقعی)

برای اندازه گیری حوزه عاطفی و روان – حرکتی این نوع آزمون ها مفیدترند.آزمونهای عملکردی بیشتر مهارت ها را می سنجد.مهارت در اجرا و مهارت در تولید

انواع آزمون های عملکردی: ۱) کتبی عملکردی ۲) آزمون شناسایی ۳) نمونه کار ۴)شبیه سازی شده

اهداف تدریس از منظر هنجاری : چه درس دهم و چگونه درس دهم

انواع تحقیقات حوزه ی تدریس :

۱) تحقیقات توصیفی: روانشناسی تربیتی و مطالعات تجربی- تحلیلی
۲) تحقیقات معیاری - هنجاری : فلسفه تعلیم و تربیت(فلسفی – عقلانی) وضع کردنی اند نه کشف کردنی
۳) تحقیقات تجویزی(بیشتر مطالعات تحقیق مربوط به این حوزه است.) دانش کاربردی ، تکنولوژی و دانش طراحی--- رویکرد اکتشافی و روش مطالعه تجربی – تحلیلی است.

چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس

۱) وجود تعامل بین معلم و دانش آموز
۲) فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعین شده
۳) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات
۴) ایجاد فرصت و تسهیل یاد گیری

کارکردهای درونی تدریس

ایجاد انگیزه (اولین کارکرد تدریس)

ایجاد عدم تعادل در دانش آموزان(زیر سوال بردن ساخت شناختی)

کنش متقابل

کسب اطلاعات جدید(کسب دانش ؛ تدابیر عملی و حل مساله)

ذخیره سازی و اصلاح مجدد (یادگیری معنا دار)

انتقال اطلاعات (یعنی استفاده از اطلاعات آموخته شده در موقعیتهای ویژه و عینی جدید. انتقال به دو صورت مثبت و منفی صورت می گیرد.)

کنترل، هدایت و تحول(عمل ، اندیشه والگوی شخصیتی معلم،جهت دادن به زندگی و تحت کنترل درآوردن یادگیرندگان، کنترل درونی) مهمترین کارکرد تدریس و دربر گیرنده همه ی کارکردهای دیگر

تعریف تدریس ازدیدگاه مکاتب مختلف:

سنت گرایان عمل گرا چه درفرايند برنامه ريزي درسي وچه درفرايند تدريس، اهداف كلي آموزشي تبديل شوند .آنها معتقدند كه كليه اهداف فعاليتهاي يادگيري « وسپس به » عيني « ابتدا بايد به اهداف آموزشي ، محتوا وحتي خط مشي فعاليت معلمان در كلاس را بايد دست اندركاران امور تعليم وتربيت درسطوح بالاي وزارت آموزش وپرورش تعيين وتنظيم كنند.

تجربه گرايان مفهوم معلم يكي از عوامل ارزشمند مسلط برمحيط وايجاد كننده شرايط مطلوب يادگيري است .ازديدگاه اين گروه از متخصصان برنامه درسي وآموزشي ، كه معتقد به اصالت تجربه اند ، تدريس عبارت است از ايجاد موقعيت مطلوب تجربه كه دانش آموزان درآن از طريق تجربه بياموزند ، موقعيتي كه دانش آموزان رابه تفكر وپژوهش وادارد .اين گاه درونگراست وهمواره برهمبستگي تفكرويادگيري تاكيد دارد ، واز ويژگيهاي بارزآن پيوند ندادن فعاليتهاي كلاس درس با مسائل وپديده هاي اجتماعي است. بعضي از طرفداران اين ديدگاه معتقدند كه پيشرفت تحصيلي دانش آموزان پيش از اينكه وابسته به هوش واستعداد دانش آموزان باشد ،به موقعيت وزمان يادگيري بستگي دارد .

نومفهوم گران از منظري متفاوت با ديدگاه قبلي به برنامه درسي وفرايند آموزش نگاه مي كنند .آنها شكل وكاركرد نظامهاي آموزشي موجود رابه دليل قرار داشتن در زير سلطه قدرت ، شكست خورده مي دانند ومعتقدند كه بايد چهار چوبهاي جديدي را جايگزين چهارچوبهاي نا موفق گذشته كرد .به اعتقاد

آنها برنامه درسي وفعاليتهاي آموزشي در كلاس درس بايد به طور آشكار وبه صورت يك منش با مسائل سياسي ، اقتصادي وفرهنگي جامعه برنامه درسی پيوند ناگسستني داشته باشد .آنها علاوه بربرنامه درسي تدوين يافته در مدارس به اهميت وتاثير درتغييروتحول انديشه دانش آموزان تاكيد مي ورزند. اهميت بر برنامه درسی پنهان

عوامل مهم و مؤثر در تدریس

۱) ویژگی های شخصیتی و علمی معلم

ویژگی های شخصیتی معلم و نقش آن در تدریس

تأثیر شخصیت و رفتار معلم در فرآیند تدریس

تأثیر شخصیت **علمی** معلم در فرآیند تدریس

۲) ویژگی های شاگردان و تأثیر آن در فرآیند تدریس
۳) اثر برنامه و ساختار نظام آموزشی در فرآیند تدریس
۴) تأثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرآیند تدریس

اهداف رفتاری

سه عنصر مهم اهداف رفتاری : رفتار مورد انتظار، میزان سنجش رفتار، شرایط یادگیری

- دور نگه داشتن رفتارهای پیچیده و عالی
- قابل اندازه گیری هستند.
- ملاک سنجش: محدوده زمانی مثلا در زمان ۱۰ دقیقه ، ۱۰درصد ، تعداد پاسخ ها مثلا ۱۰۰ لغت از ۱۲۰ لغت، ترازوی دقیق تا میلی گرم

بر حسب عملکرد(عینی و قابل مشاهده) : ترجمه کند.

شرایط عملکرد : از فرهنگ لغت استفاده کند ، از نقشه استفاده کند.

یادگیری در حدتسلط

کارول در حد تسلط را مطرح کرد اما بلوم آن را گسترش داد.

تسلط اموزی : هرچه زمان یادگیری بیشتر باشد مقدار یادگیری هم بیشتر خواهد بود.

یک روش آموزش فردی است که به **صورت گروهی** انجام می شود و در آن بر ویژگی های فردی هم تاکید می شود، یعنی تفاوتهای فردی هم در نظر گرفته میشود.

عامل اصلی تسلط آموزی ، زمان است. شاخص اصلی استعداد شاگردان، زمان است.

میزان یادگیری : مقدار زمان صرف شده برای یادگیری تقسیم بر مقدار زمان مورد نیازبرای یادگیری است.

تسلط اموزی بیشتر روی دانش آموزان ضعیف اثر دارد و برای افراد قوی مفید نیست و باعث افزایش خود پنداره یا اگاهی کودک می شود

آموزش چهار هفته ای از آموزش بین چهارهفته تا یک سال موثرتر است که نقطه ی ضعف این روش اموزشی است و نقطه ضعف دیگر برای یادگیرندگان قوی مضر است.

ازمونهای معلم ساخته استاندارد شده اثربخش تر هستند.

مراحل آموزش یادگیری در حد تسلط

۱) تعیین اهداف آموزشی
۲) سنجش آغازین
۳) تعیین میزان تسلط
۴) تعیین واحدهای اموزشی – یادگیری
۵) اجرای اموزش گروهی
۶) انجام ارزشیابی تکوینی و آموزش اصلاحی(کیفیت آموزش اصلاحی معلم ضامن موفقیت روش آموزش تسلط آموزی است.)
۷) انجام ارزشیابی تراکمی و نمره گذاری
۸) تجدیدنظر طرح آموزشی

دوارزشیابی تکوینی برای هر واحد آموزشی وجود دارد :

۱) پس از آموزش گروهی (آزمون اول ارزیابی تکوینی)
۲) پس از اصلاح آموزش (آزمون دوم ارزیابی تکوینی)

نتایج ارزشیابی تراکمی دو کمک عمده میکند:

۱) نمره دادن
۲) قضاوت درباره میزان اثربخشی طرح آموزشی

مراحل اجرای روش یادسپاری یا الگوی حافظه ای

مرحله اول :توجه به مطالب (خط کشیدن و فهرست کردن)

مرحله دوم :نظام اتصال (ایجاد پیوند ها)

۱) اتصال کلمه
۲) کلمه جایگزینی(تبدیل مفهوم نامحسوس به محسوس و معنی دار مثلا به خاطر سپردن کلمه داروین باید دارک ویند را در ذهن تصور کنید.

۳) کلمه کلید ی: انتخاب کلمه اي كه بازنماي يك تفكر طولاني تر با چند تفكر تابع باشد.

مرحله سوم :بسط تصاویر حسی

انواع تداعی مسخره ومبالغه (**قاعده – جایگزینی:**دستکش در حال راندن ماشین ، **قاعده بی قوارگی:** یک دستکش غول اسای در حال رانندگی چیزهای بزرک را کوچک و چیزهای کوچک را بزرگ نشان می دهد، **قاعده مبالغه بخصوص:** با عدد رژه رفتن میلیون ها دستکش در خیابان)

مرحله چهارم :تمرین یادآوری مطالب

محاسن روش یادسپاری

۱) برای تقویت و فعال نگه داشتن حافظه روش مناسبی است

۲) پایه ای برای ارتباط وتفکر است.

۳) به صورت فردی وگروهی قابل اجرا است.

۴) خود اتکایی استقلال در یادگیری احساس تسلط و کنترل بر آینده را تقویت می کند.

یکی از قدیمی ترین و متداول ترین روش های آموزش به ویژه در رشته هایی چون آموزش زبان تاریخ ادبیات است.هدف اصلی این روش ایجاد مهارت دریافت درست اطلاعات و ذخیره سازی آنها در حافظه به منظور بازیافت وبکارگیری آن در فعالیت های مختلف است.

محدودیتهای روش تلفیقی

اغلب از انتقال مستقیم وبیان شفاهی درآموزش استفاده میشود.

آرایش کلاس بیشتر به صورت خطی است.

نیاز به مهارت هماهنگی وسازماندهی دارد.

بیشتر به یادسپاری وياد آوری مطالب ختم می گردد.

معلم تسلط چندانی برکلاس ندارد زیرا اغلب در حال صحبت کردن است.

تفکر استقرائی: (گردآوری ، سازمان دهی و کنترل مطالب)

۱) تکوین مفهوم (گروهبندی) یک مهارت اساسی سطح بالای تفکر است.چه دیدید؟ بر طبق چه معیارهایی؟
۲) تفسیر مطالب(کشف روابط) چی یافتید ؟ چرا این طور شد؟
۳) کاربرد اصول(پیشگویی) چه اتفاق می افتد اگر..؟ یا چرا فکر میکنی این اتفاق می افتد؟

دریافت مفاهیم (نمود، نمونه)

مراحل این الگو از نمونه ها شروع می شود. برای هر سنی مهم است.

۱) عرضه ی مطالب و شناسایی مفهوم: نمونه ها توسط معلم معرفي تا دانش آموزان آن ها را با يكديگر مقايسه و شناسايي كنند و به شناسايي شباهت ها ، اختلاف ها، فرضيه سازي و آزمايش بپردازند.در اين مرحله معلم از فراگيران مي خواهد پس از اشاره به هر يک از نمونه ها بلي يا خير بگويند.

۲) آزمون دستيابی به مفهوم: دانش آموزان در مورد مفهوم مورد نظر و آنچه دريافته اند ديدگاه هاي خود را بيان مي كنند و پس از اينكه به مفهوم مورد رسيدند معلم از دانش آموزان ميخواهد براي هر گروه مثال ديگري بزنند.

۳) تحليل راهبردهای تفكر: پس از آنكه براي مفهوم مورد نظر دانش آموزان خود، مثال هايي زدند درباره ي نوع تفكر خود و اينكه چگونه به مفهوم اصلي رسيده اند براي دوستان خود توضيح مي دهند. اين الگو براي دانش آموزان سوم تا پنجم ابتدايي مناسب است.

روش نمایشی بیشتر روان حرکتی وبر اندازه گیری پیشرفت عملکرد متمرکز است. روش نمایشی برای دیدن و مشاهده ، بکارگیری اشیای واقعی و آموزش مهارت ها، کاربرد وسایل حقیقی

محاسن روش نمایش علمی

۱) مناسب ترین روش برای مهارت های عملی است.

۲) مهارت های پیچیده را می توان گام به گام تدریس کرد.

۳) موجب کسب تجارب مستقیم دانش آموزان می شود.

۴) کلاس همیشه فعال است و دانش آموز خسته نمیشود.

محدودیتهای روش نمایش علمی

۱) به امکانات و تجهیزات آموزشی نیاز است و در نتیجه هزینه بیشتری می طلبد.

۲) در صورت عدم وجود تجهیزات یادگیری صورت نمی گیرد.

۳) در کلاس های پرجمعیت غیر قابل اجراست.

۴) عموما تفکر سطح بالا به ویژه خلاقیت را تقویت نمیکند.

روش سقراطی یا پرسش و پاسخ(محاضره ای،استقرایی)

معلم سوال میکند و دانش اموزان پاسخ می دهند.

محاسن روش پرسش و پاسخ

•تقویت اعتماد به نفس دریادگیرنده •ایجاد علاقه وتقویت تفکر خلاق

•تقویت قدرت استدلال واظهار نظر •تشویق به شرکت در بحث وفعالیت گروهی

•افزایش انگیزه مطالعه وتحقیق ▪سنجش قضاوت ▪جهت خلاصه کردن و یادآوري مطالب

روش حفظ و تکرار---------- از قدیمی ترین روش های آموزشی است.

- به خاطر سپاری اصول و قواعد علوم مختلف
- برای نگهداری فرهنگ ، تاریخ و ادبیات ملت
- پرورش صفاتی چون احترام به بزرگترها و گذشته ها
- ارزان ترین روش آموزشی
- به معلم با تجربه نیاز ندارد.
- روابط نامناسب بین معلم و دانش آموز
- تربیت افراد غیرفعال

روش **سخنرانی** به آموزش مستقیم هم معروف است.----------اصول و مفاهیم

روش سخنرانی جز روش توضیحی هم هست.

- توضیح دادن تفسیری (چه)، توضیح توصیفی (چگونه)،توضیح تعلیلی یا تحلیلی بیان دلیل(چرا)
  یکی از تدابیر موثر در توضیح دادن استفاده از قاعده – مثال- قاعده
- یادداشت برداری برای افرادی که حافظه کوتاه مدت قوی دارند
- برای افراد دارای حافظه کوتاه مدت ضعیف ، گوش کردن مناسب است.
- استفاده از حلقه های توضیحی و مثال استفاده از حرف ربط و حرف اضافه مثل : زیرا
- روشی غیرموثر، منفعل بودن یادگیرده و عدم پرورش خلاقیت
- حسن اصلی سخنرانی : در مدت زمان کوتاه اطلاعات جامعی در اختیار یادگیرندگان قرار میدهد. روش اموزش اقتصادی
- اهداف سطح پایین را می سنجد.
- به سه مرحله مقدماتی، میانی،پایانی تقسیم می شود.

- صدا، اشارات و حرکات بدن جزو عوامل موثر بر روش سخنرانی است.
- انعطاف پذیری
- کلاس پرجمعیت و مهارت گوش دادن شاگردان مفید است.

محاسن روش ایفای نقش

۱) شاگردان را برمی انگیزد که با شور و شوق جریان نمایش را دنبال کنند.
۲) فراگیران در احساس نقش ایفاگران نقش سهیم میشوند و خود را در صحنه ی نمایش احساس میکنند .این ارتباط در یادگیری تاثیر فراوانی دارد.
۳) زمینه ی بحث گروهی فراهم میشود.
۴) برای رفع کمرویی و خجالتی بودن تماشاگران
۵) برای دروسی مانند : تاریخ و علوم اجتماعی روش مناسبی است.
۶) اعتماد به نفس بالا و روحیه ی نقاد
۷) تقویت استدلال مطالب

معایب روش ایفای نقش

۱) برای تحقق هدفهای پیچیده ی آموزشی مناسب نیست.
۲) چون در ظاهر جنبه ی نمایشی و هنری دارد ، یک روش آموزشی جدی تلقی نمی شود.
۳) به وقت و تهیه ی تدارکات ، زیاد نیاز دارد.

تدریس کاوشگري به روش محاکم قضايي

براي درك و گسترش ارزشهاي اجتماع، چگونگي عمل در زندگي روزمره و رشد فردي از الگوي تدريس كاوشگري به روش محاكم قضايي استفاده مي شود.

بحث گروهی : برای درک مفاهیم پیچیده مناسب است. نشستن دایره وار. انعطاف پذیری

مورد توافق همگان : علوم طبیعی (سخت) مناسب سخنرانی

بحث برانگیز: علوم انسانی (نرم) مناسب بحث گروهی

چه موضوعاتی را میتوان با روش بحث گروهی تدریس کرد ؟

۱) مورد علاقه ی شرکت کنندگان در بحث باشد .

۲) شاگردان درباره ی آن اطلاعات لازم را داشته باشند.
۳) درباره ی آن بتوان نظرهای مختلف و متفاوتی اظهار داشت .
۴) به شخصیت معلم اهمیت داده شود.
۵) روش بحث گروهی به معلمی تیز هوش نیاز دارد.
۶) کمک می کند تا مسایل حل شوند.

در چه موقعیتی و برای چه هدفی میتوان از روش بحث گروهی استفاده کرد؟

۱) ایجاد علاقه و آگاهی مشترک در زمینه ی خاص
۲) پرورش **تفکر انتقادی**
۳) توانایی اظهار نظر در جمع
۴) توانایی مدیریت و رهبری در گروه
۵) تقویت قدرت بیان و استدلال
۶) ایجاد رابطه ی مطلوب اجتماعی

معایب روش بحث گروهی

۱) برای کلاسهای پر جمعیت قابل اجرا نیست .
۲) اجرای آن بسیار مشکل و مهارت زیادی احتیاج دارد .
۳) برای شاگردان دوره ی ابتدایی چندان مناسب نیست.

روش یادگیری مشارکتی

روش مشارکتی نوعی از فعالیتهای آموزشی است که در آن دانش آموز به منظور تسلط بر محتوا و آموزش به صورت گروهی کار میکند . اعضای هر گروه از دانش آموزان با موفقیت تحصیلی بالا ، متوسطه و پایین تشکیل شده است.

دو هدف عمده روش آموزشی مشارکتی

۱) بهبود درک و فهم و مهارتهای شناختی دانش آموزان در موضوعاتی که تدریس میشود .
۲) افزایش مهارت پیشرفت تحصیلی در تقابل اجتماعی و احترام به خرده فرهنگ های موجود در مدرسه

رویکردهای مختلف روش یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی در طول دهه های گذشته رویکردهای مختلفی ارائه داده، که بهترین آنها عبارتند از:

۱) تقسیم بندی دانش آموزان به گروه های پیشرفت تحصیلی
۲) گروههای بازی مسابقه
۳) گروههای مبتنی بر استقلال فردی
۴) فعالیت های تکمیلی

در بعضی از رویکردها دانش آموزان به صورت گروهی تکالیف و وظایف خود را انجام میدهند و در رویکرد دیگرممکن است وظایف بین انحصای گروه تقسیم نشده باشد . و در صورت لزوم از دیگری کمک بگیرد .اما وجه مشترک همه آنها، پیشرفت تحصیلی بر اساس کمک و مساعدت به یکدیگر است.

عامل اصلی تفکیک و تمایز روش یادگیری مشارکتی از سایر گروههای کوچک را می توان در عامل انگیزه جستجو کرد . چرا که انگیزه در راهبردهای آموزشی بسیار مهم است.

سه ویژگی مهم یادگیری مشارکتی:

۱) اهداف گروهی (افتخار گروهی و ارتقای موقعیت گروه ، مساعدت،پاداش گروهی)
۲) مسئولیت فردی (بستگی به میزان تلاش فرد در فرایند آموزش)
۳) فرصتهای برابر برای یادگیری(عملکرد پیشین اعضای گروه تضمین می شود)

چهار مرحله بسیار مهم در مورد اجرای روش مشارکتی

۱) ارائه یا معرفی محتوا
۲) تمرین مهارت یا توسعه فعالیتهای آموزشی در گروههای نامتجانس(زن و مرد از هر قوم و نژاد ، سطح تحصیلی پایین و بالا)
۳) ارزشیابی دانش آموزان به طور انفرادی
۴) باز شناسی گروه و ارائه پاداش گروهی

محاسن روش مشارکتی

۱) پیشرفت تحصیلی :هدف و ارتقای عملکرد دانش آموزان در وظایف مهم علمی و آموزشی است- .

۲) ارتقای روابط اجتماعی :هدف گسترش روابط اجتماعی فراتر از سطح تحصیلی، محلی و خانوادگی است و همکاری گروهی در وظایف عمومی را فراهم می کند.

۴) مهارت حل مسأله مشارکتی :یکی از مهمترین مشارکت در دنیای امروزی است که فراگیران مهارتهای مشارکت و همکاری را می آموزند و فضای وحدت و یکدلی را حاکم می سازد

روش بدیعه پردازی|(مشکل گشایی)

رویکرد جالبی است که ویلیام گوردون و دستیارانش به منظور نوآفرینی و ارتقای خلاقیت طراحی کردند و مهم ترین اصل , و عنصر در آن استفاده از قیاسهاست. هدف بدیعه پردازی رشد خلاقیت است. این روش مبتنی بر تعامل است.

فعالیت استعاری : مطالب آشنا را به ناآشنا ارتباط دادن

استعاره : ارتباطي از شباهت ، مقايسه يك چيز يا نظر با چيز ديگر و استفاده از يكي به جاي ديگري را به وجود مي آورد.

بعد عاطفی از بعد عقلی مهمتر است . نامعقول از معقول مهمتر است.

زمانی که راه حل های قدیمی برای کاری مناسب نباشد از این روش استفاده میکنیم.

سه نوع قیاس در روش بدیعه پردازی

۱) قیاس شخصی :فراگیرباید خود را جای عنصر دیگری قرار دهند .در واقع شخص در فضای دیگری قرار می گیرد . **درگیری همدلانه(احساس قدرت میکنم ، داغ هستم، من هم مثل تو می خندم) ابر شو شما کتاب مورد علاقه ات هستی**

۲) قیاس مستقیم :یعنی مقایسه ساده دو موجود یا دو مفهوم است . با پس و پیش کردن شرایط یک موضوع یا یک موقعیت واقعی دارای مسئله با یک موقعیت دیگربه سادگی صورت می پذیردتا نظر جدیدی از یک مسئله ارائه شود. **مدرسه مثل سالاد ، پرتقال شبیه موجود زنده**

۳) تعارض فشرده :توصیف دو کلمه ی متضاد از یک موضوع است که عمیق ترین و وسیع ترین بینش را سبب می شود در واقع بازتاب توانایی دانش آموز در به هم پیوستن چهارچوب دو داوری ذهنی در ارتباط با یک موجود یا پدیده است**(دوست دشمن ، پرتکاپوی خسته)**

دو شیوه مشخص در اجرای روش بدیعه پردازی وجود دارد.

شیوه اول : نگاه به مسائل دیدگاه های آشنا در پرتو بینشی تازه و جدید

شیوه دوم :معنی دار ساختن مفاهیم و عقاید جدید ناآشنا به وسیله مفاهیم آشنا

مراحل شیوه اول:

در این شیوه با استفاده از قیاسها برای ایجاد فاصله مفهومی، به دانش آموزان کمک می شود موجودات و پدیده های آشنا را به گونه ای جدید و نا آشنا بنگرند.

مرحله اول :توصیف مسئله یا وضعیت جدید

مرحله دوم :قیاس مستقیم

مرحله سوم :قیاس شخصی

مرحله چهارم : تعارض فشرده

مرحله پنجم :قیاس مستقیم

مرحله ششم :بررسی مجدد تکلیف

مراحل شیوه دوم:

این شیوه می کوشد مفاهیم و عقاید جدید نا آشنا را بوسیله مفاهیم آشنا معنی دار سازد، و بر عکس شیوه اول، به دنبال افزایش درک دانش آموزان و درون سازی مقدار قابل توجهی از مطالب جدید یا دشوار است.

مراحل این شیوه به شرح زیر است:

مرحله اول :عرضه و توضیح اطلاعات درباره موضوع جدید

مرحله دوم :پیشنهاد قیاس مستقیم

مرحله سوم :قیاس شخصی

مرحله چهارم :مقایسه موضوع با مفهوم آشنا

مرحله پنجم :استفاده از مهارتهای آموخته شده

مرحله ششم و هفتم :تحلیل و نگارش قیاسها با بهترین نشر ممکن

محاسن و محدودیتهای روش بدیعه پردازی

بدیعه پردازی به منظور افزایش خلاقیت دانش آموزان تدوین و طراحی می شود .مشارکت دانش آموزان موجب تقویت احساس روابط اجتماعی مکتوب می شود. دانش آموزان با نوع تفکر دیگران آشنا می شوند.

این روش در آموزش تمام رشته های تحصیلی از جمله علوم و هنر کاربرد دارد.

اما در این روش، بدون فضای کار مناسب و معلم کارآمد امکان اجرای این روش وجود ندارد.

روش های تدریس مساله محوریا پژوهش محور(روش گردش علمی،روش آزمایشگاهی؛ روش اکتشافی، روش کاوشگری ، روش واحد محور{پروژه محور، تجربه محور،موضوع محور} .

روش گردش علمی

فعالیتهای گردش علمی را از نظر برنامه ریزی میتوان به سه مرحله تقسیم کرد(**کسب تجارب واقعی** و فعال بودن دانش آموزان و احتیاج به زمان بیشتر)

الف)فعالیتهای قبل از رفتن به گردش علمی

ب)فعالیتهای ضمن گردش علمی

ج)فعالیتهای پس از گردش علمی

روش حل مساله(مساله ای) : تفکر تحلیلی

آماده کردن فراگیر برای زندگی ، هم فردی و هم گروهی،از بهتری روش ایجاد تفکرعلمی ،ثابت و خشک، باعث برانگیختن علاقه طبیعی دانش آموز ، احتیاج به زمان زیاد و معلمان با تجربه

مراحل آموزش حل مساله :

۱) تشخیص مساله
۲) تعریف و درک ماهیت مساله
۳) کشف راه حل های احتمالی مساله
۴) عمل کردن به راه حل ها
۵) نگاه رو به عقب و ارزشیابی نتایج فعالیت ها

تفکر تحلیلی : روش قیاسی و استقرایی

روش آزمایشگاهی

اساس این روش بر اصول یادگیری اکتشافی استوار است به این معنی که چیزی به طور مستقیم آموزش داده نمی شود بلکه شرایطی فراهم می گردد تا دانش آموزان خود از طریق آزمایش به پژوهش بپردازند و جذاب مسئله را کشف کنند .نقش معلم در این رو، هدایت دانش آموزان و نظارت بر کار آنهاست.

محاسن روش آزمایشگاهی

۱) چون یادگیری از طریق تجارب مستقیم حاصل می شود، با ثبات تر و موثرتر خواهد بود .
۲) در دانش آموزان انگیزه مطالعه و تحقیق را تقویت می کند .
۳) حس کنجکاوی دانش آموزان را زیاد می کند و به آنها اعتماد به نفس میدهد.

معایب روش آزمایشگاهی

۱) احتیاج به وسایل و امکانات فراوان دارد .و در مقابل سایر روشها از نظر اقتصادی گران تمام می شود.
۲) به معلمان آگاه و مجرب که خود با روش آزمایشی آشنایی داشته باشند نیاز دارد.
۳) نسبت به سایر روشها ممکن است اطلاعات و معلومات کمتری در اختیار دانش آموزان قرار دهد، و دامه لغات ومفاهیم آنان را تقویت نکند.
۴) در صورت عدم کنترل، ممکن است به صورت غلط اجرا شود و این روش غلط در رفتار دانش آموزان تثبیت گردد.

روش اکتشافی(آموزش پژوهشگری) نظریه سازندگی یا ساخت گرایی با دنیای واقعی یادگیرنده

خود فرد فعال و سازنده دانش است معلم تنها صورت مساله را بیان می کند.طراحی اموزشی وجود دارد. تفکر شهودی

این روش معطوف به موقعیّتی از تدریس است که در آن دانش آموزان با راهنمایی محدود یا بدون راهنمایی معلّم روابط پدیده ها را کشف و یا اندیشه ای جدید تولید می کند .در روش اکتشافی ، معلّم مستقیما موضوع های درسی را به دانش آموزان آموزش نمیدهد بلکه موقعیّتی فراهم می سازد که آن ها خود به کشف و تولید دانش بپردازند.

برونر(اکتشافی هدایت شده)

یکی از مدافعان اصلی یادگیری اکتشافی می باشد .وی معتقد است ما نیازمند انسان های متفکّر هستیم. اگر هدف کشف اصول علمی باشد اکتشافی هدایت شده مناسب است. به فرایند یادگیری در کلاس درس می پردازد.چهارعامل مهم دریادگیری ازنظربرونر: اهمیت شهود، ساخت یادگیری، فرایند یادگیری ، انگیزش درونی

به اعتقاد برونر عواملی که سبب انگیزه درونی هستند چهار عامل اند:

الف)میل به یادگیری

ب)سائق ذاتی همکاری با دیگران

ج)کنجکاوی و میل به تحقیق برای رفع ابهام

د)انگیزه قابلیّت داشتن و توانمند شدن

با این چهار عامل ، معلّمان به راحتی می توانند دانش آموزان را تشویق کنند ، برانگیزند و موجب یادگیری موثّر شوند.

تفاوت روش اکتشافی و حل مسئله

از دیدگاه برونر، روش اکتشافی با روش حلّ مسئله دقیقا نمی تواند یکی باشد .زیرا روش اکتشافی، تفکّر شهودی را میطلبد، در حالی که روش حلّ مسئله نیازمند تفکّر تحلیلی است.

تفکر انتقادی در طبقه بندی بلوم مساوی حل مساله است که فقط عناصری از ارزشیابی را هم داراست. در طبقه بندی بلوم حل مساله در طبقه به کاربستن قرار میگیرد.

گروهی از روانشناسان حل مساله را انتقال یادگیری یا انتقال اموزش میدانند. انتقال مثبت و منفی

انتقال مثبت یعنی یادگیری قبلی باعث تسهیل یادگیری جدید میشود و دروسی که شباهت بیشتری به هم دارند. تفکر انتقادی بیشتر روی فرایند تفکر(واگرا) و حل مساله بیشتر به نتیجه تفکر یا فراورده(همگرا) توجه دارد. حل مساله تفکر استقرایی دارد.

مراحل اجرای روش اکتشافی

روش تدریس اکتشافی دارای سه حالت می باشد:

نخست معلّم اصول و راه حلّ مسئله را در فرآیند تدریس به دانش آموزان ارائه می دهد .به چنین آموزشی تدریس توضیحی گفته می شود .روش سخنرانی آشناترین مثال برای رویکرد آموزشی توضیحی است. **دوم:** معلّم اصول حلّ مسئله را ارائه می دهد امّا راه حلّ مسئله را ارائه نمی دهد .به چنین روشی ، روش اکتشافی هدایت شده گفته می شود.

سطوح بالای شناخت مناسب است.

سوم: معلّم ممکن است هیچکدام از اصول یا راه حل های لازم را برای اکتشاف ارائه ندهد.

تابا و همکارانش تفکّر(استقرایی) را در فرآیند تدریس به سه سطح طبقه بندی کرده اند:

نخست و پایین ترین سطح فهرست بندی یا طبقه بندی اطّلاعات می باشد.

دومین سطح را تبیین و تفسیر کردن یا استنتاج اطّلاعات و سومین و بالاترین سطح را پیش بینی نتایج نامیده اند.

انواع روش های اکتشافی

۱) تحلیل وسیله - هدف : مساله را به تعدادی مساله فرعی تقسیم میکنیم و بعد به دنبال راه حل می گردیم.
۲) راهبرد وارونه (مسائل هندسی) از هدف نهایی شروع می شودتا به مساله حل نشده اولیه باز می گردد.
۳) تفکر قیاسی: از موقعیت مشابه استفاده کند.

مراحل روش تدریس اکتشافی به شرح زیر می باشد : بیشتر به قیاسی می خورد.

مرحله اوّل :طراحی و انتخاب یک موقعیّت مشکل آفرین و معمّا ساز

مرحله دوم :ارائه موقعیّت معمّا برانگیز

مرحله سوم :تحلیل اطّلاعات ، تفکّر و کشف روابط

مرحله چهارم :باز اندیشی و تحلیل فرآیند اکتشاف

محاسن و معایب روش اکتشافی

محاسن :موضوع درسی را قابل فهم تر می کند .فراموشی را به حدّاقل می رساند .رسیدن دانش آموزان را از سطوح

ابتدایی دانش به سطوح بالاتر تسهیل می کند .انگیزه درونی دانش آموزان را برای فعّالیّت های یادگیری بیشتر میکند.

معایب :روش اکتشافی راه حلّ مسائل تعلیم و تربیت برای دانش آموزان امکان پذیر نیست که شخصا به کشف دانش بپردازند.

روش کاوشگری

روش کاوشگری اصولا روشی پژوهش محور است .در واقع آموزش با روش کاوشگری فراهم ساختن موقعیّتی همراه با

تحیّر و کنجکاوی به منظور ترغیب دانش آموزان برای حلّ مسائل موجود و یادگیری فعّال است

هدف نهایی این روش تشویق دانش آموزان به تجربه و تولید دانش جدید است.

مراحل اجرای روش کاوشگری

اجرای روش کاوشگری دارای شش مرحله به شرح ذیل است: بیشتر به روش استقرایی می خورد.

مرحله اوّل :درگیر شده دانش آموزان با یک موقعیّت مسئله دار

مرحله دوم :جمع آوری اطّلاعات(تأیید)

مرحله سوم :فرضیه سازی

مرحله چهارم :گردآوری داده ها(آزمایشگری)

مرحله پنجم :سازماندهی اطّلاعات و نتایج آزمایش

مرحله ششم :تحلیل ، نتیجه گیری و تعمیم

محاسن و محدودیت های روش کاوشگری

محاسن :

۱) برای دانش آموزان در هر سطح و سطوحی کاربرد دارد.

۲) روش ها و نگرش هایی را که برای یک ذهن کاوشگری ضروری است و تقویت میکند.

۳) باعث برانگیختن علائق طبیعی دانش آموزان می شود.

۴) روح همکاری و توانایی کار کردن با دیگران را تقویت می کند.

و...

معایب:

۱) قابل انطباق با وضع اکثر کلاس های متداول در ایران نیست.

۲) به معلّمان با تجربه و آشنا با روش تحقیق نیاز دارد.

۳) امکان اجرای مؤثّر آن محدود است.

۴) به زمان بیشتری نیاز دارد.

اموزش کاوشگری(ساکمن) --- اسرار مرگ و داستانهای علمی یا افسانه ای یا توطئه در ادبیات ، تفحص و توضیح پدیده ای غیر معمولی ، تاکید آموزش کاوشگری بر جریان کار است.

روش واحد محور:{پروژه محور، تجربه محور،موضوع محور}

شامل یک رشته فعّالیّت هایی است که در اطراف یک دسته مفاهیم کلّی دور می زند و کلّیه مطالب را در حول یک محور مورد مطالعه قرار می دهد. این روش کاملا دانش آموز محور است و معلّم در آن نقش راهنما و ناظر را دارد. در فرآیند توجه و فعالیت در زمینه يك سلسله مسائل پیوسته، و استفاده از ارتباط آنها با مسائل دیگر بدون توجه به تفكيك رسمي رشته ها، متمركز شود.

محاسن و محدودیت های روش واحد محور

محاسن :

۱) موضوعات مورد مطالعه به هم پیوسته است و تفکیک تصنّعی بین آن ها وجود ندارد.

۲) یادگیری با ثبات تر و پایدارتر صورت می گیرد.

۳) احساس مسئولیّت و انضباط جنبه مثبتی به خود می گیرد.

۴) انگیزه درونی عامل فعّالیّت های آموزشی است.

و...

معایب:

۱) به معلّمان مجرّب و کارآزموده نیاز دارد.

۲) به علّت عدم آگاهی اولیای مدرسه و اولیای دانش آموزان ، ممکن است با آن مخالفت ورزند.

۳) ممکن است با برنامه های موجود مدارس چندان انطباقی نداشته باشد.

۴) شروع کار باید از واحد آسان باشد.

یکی از جدیدترین روشهای آموزشی است که هنوز کاملاً عمومی نشده است، تجربه محور است.

پروژه محور رغبت و فعالیت شاگرد برای رسیدن به هدف است و شاگرد محور است

تجربه محور : رغبت و تجارب قبلی شاگردان

پروژه محور: جنبه مساله ای ،حس همکاری،ارتباط منطقی بین مفاهیم اموخته شده و مسائل واقعی زندگی ،اعتماد به نفس شاگرد ، میل و اراده شاگرد مبنا و اغاز کار قرار میگیرد. پروژه در صورتي موفق مي شود كه همه دانش آموزان از بهره هوشي بالايي برخوردار باشند.

موضوع محور: موضوعات مورد مطالعه بصورت واحدهای بزرگ مورد مطالعه قرار میگیرد و بهم پیوسته است و تفکیک تصنعی بین انها وجود ندارد. یادگیری معنادار ، ارتباط بین مدرسه وزندگی

روشهای آموزش انفرادی

آموزش انفرادی به معنای آموزش یک یادگیرنده توسّط یک یا دو نفر یا آموزش یک محتوای منحصر به فرد به یادگیرنده نیست . بلکه آموزشی است دانش آموز محور که پیشرفت تحصیلی در آن بر اساس توان فردی یادگیرنده صورت میگیرد. در این نوع آموزش معمولا محتوایی یکسان و سازمان یافته به صورت چاپی یا الکترونیکی در اختیار یادگیرندگان قرار میگیرد و آنان با توجّه به توان و سرعت یادگیری خود، به مطالعه میپردازند و در فرآیند فعّالیّت، میزان پیشرفت خود را نظارت و کنترل می کنند.

اهداف کلیدی در اموزش انفرادی:

استقلال در عمل، عادت به مطالعه مستمر، خود سنجی، خود کنترلی، خود تحوّلی، رعایت تفاوت های فردی

آموزش انفرادی بر پایه نظریه رفتار گرایی شکل گرفته است .از بانیان اصلی این نوع آموزش می توان اسکینر ، بلوم و کلر را نام برد.

آموزش انفرادی هدایت شده :

یکی از روش های آموزش انفرادی است که به هدایت شاگردانی می پردازد که در آینده می خواهند معلم شوند.

ویژگی ها : کلاس بدون پایه ، اموزش گروهی، تدریس گروهی،گروه سنی متفاوت، در نظرگرفتن تفاوت های فردی

آموزش برنامه ای(بر اساس نیاز شاگردان ، جز اموزش انفرادی است.)

اسکینر روش آموزش برنامه ای را که معمولا برای توصیف محتوایی منظم و خود آموزبه کار برده می شود و بدون کمک معلم موجب یادگیری میگردد تجویز کرد. اموزش فردی ، ارائه مطالب در گامهای کوچک(شکل دهی و زنجیره سازی) ، اموزش خطی، اموزش جبرانی و اضافی استفاده از ماشین حساب

هدف اصلی آموزش برنامه ای : یادگیری و بهبود شرایط یادگیری

اولین گام در اموزش برنامه ای انتخاب موضوع اموزشی یا واحد درسی است.

قاب یا واحد اموزشی چهار جز دارد: ۱) محرکات (تنه اصلی سوال) ۲) اشاره ها و سرنخ ها ۳) پاسخها ۴) مطالب اضافی(موادی که قاب را خواندنی و جالب میکند.)

تنظیم مطالب در اموزش برنامه ای : خطی و شاخه ای آموزش برنامه ای برای شاگردان خسته کننده است.

اگر آموزش برنامه ای با یک دستگاه ماشینی یا کامپیوتر ارائه شود به آن ماشین آموزشی گفته میشود. روش آموزش انفرادی بلوم بر اساس الگوی جان کارول طراحی شده است .کارول بر این باور بود که میزان یادگیری تابعی است از زمان صرف شده در آموزش و زمان مورد نیاز که بستگی به شایستگی و شرایط مطلوب آموزشی دارد.

کلر برای آموزش انفرادی طرحی را بیان کرد .اهدافی که طرح کلر بر مبنای آن طراحی شده بودند

عبارتند از:

۱) پیشرفت بر اساس توان فردی
۲) یادگیری تا حد تسلط
۳) آموزش خصوصی
۴) راهنمایی به جای آموزش
۵) استفاده ا ز روشهای مکمل همراه با روش سنتی

آموزش انفرادی رایانه محور،کاربرد رایانه در آموزش و آموزش به کمک رایانه

تافلر انقلاب رایانه را موج سوم تغیرات بنیادی بشر پس از کشاورزی و انقلاب صنعتی می داند .انقلاب رایانه همه چیز

را تحت شعاع قرار داده است .طرفداران رایانه تاکید براستفاده آن در مدارس دارند و نسبت به آن خوش بینند حال

آن که گروهی از متخصصان تاکید بر آثار سوء از جمله ایجاد مشکل در مهارت های محاسباتی ، خواندن، نوشتن و

کارکرد های مدارس دارند.

از رایانه میتوان در اجرای وظایف دفتری ، به عنوان یک ماشین آموزشی، نمایش برنامه های درسی، ذخیره سازی و

بازیافت اطلاعات و بسیاری موارد دیگر استفاده نمود.

رایانه های مورد استفاده در آموزش ماشینهای آموزشی نیز نامیده میشوند .از ویژگیهای بارز آن

عبارتند از:

۱) دانش آموز بر اساس توانایی و استعداد خود برنامه را دنبال می کند. به تفاوت های فردی توجه می کند.
۲) محتوای آموزشی با یک سیر منطقی در آن طراحی و تنظیم شده است.
۳) پرسش ها به صورت زنجیره ای به هم وابسته اند
۴) پاسخ ها بلا فاصله تقویت یا اصلاح می گردند.
۵) دانش آموز در صورتی می تواند به برنامه ادامه دهد که مراحل قبل را آموخته باشد.

فلسفه

انواع فلسفه :

۱) نظری (علم الهی ، علم ریاضی، علم طبیعی)
۲) عملی(علم اخلاق(سیاست یا اداره خویشتن)، تدبیر منزل(سیاست و اداره خانواده)، سیاست یا اداره شهر)

موضوعات فلسفه :

۱) هستی شناسی (مابعدالطبیعه) وحدت کثرت جوهر عرض امکان
۲) شناخت یا معرفت شناسی (**روش های تدریس و ماهیت یادگیری)**
۳) ارزش شناسی یا هنجارشناسی(منطق علم اخلاق و زیبایی شناسی) مسائل خیر وشر ، **اهداف تربیتی**

روش های فلسفی:

۱) **تاریخی**: مشاجره لفظی سوفسطاییان
۲) تامین و بازنگری
۳) **تحلیل منطقی**: تعریف اصطلاحات و تحلیل قواعد
۴) **برهان خلف** : انچه درصدد انجام انند مورد سوال است.
۵) **جدل**: طرفداران مارکس و دیویی ، مناسب ترین روش

میزان های تجربه (جان دیویی):

۱) اصل ادامه پیوستگی (جنبه عرضی) هر تجربه چیزی از تجربیات گذشته اخذ می کند.
۲) اصل تاثیر متقابل بین فرد و محیط
----- وحدت و یگانگی بین دو اصل اول اهمیت و ارزش تجربه دارد.
۳) کنترل اجتماعی : بازی ارتباط اجتماعی معلم با شاگردان
۴) ازادی (ازادی عقل) دیویی مخالف کنترل خارجی است . رهایی از کنترل خارجی زمانی مفید است که تعقل و خرد فرد حاکم بر تمایلات و هوس های او باشد.
۵) اصل مربوط به هدف: ازادی مشابه تملک نفس یا کنترل خود
۶) اصل مربوط به سازمان مواد درسی

تحلیل کار فیلسوفان:

۱) فعالیت های تحقیقی
۲) روش تحقیق
۳) روح فلسفی

فعالیتهای تحقیقی شامل:

۱) **تحلیل** (تحلیل زبان و فکر) تحلیل فکر همان تحلیل حکم یا قضاوت است.
۲) **انتقاد**(ارزیابی افکار) سعه ی صدر

۳) **ترکیب** : مسائل فلسفی نسبت به مسائل علمی کلی ترند. ترکیب یکی از فعالیتهای تحقیقی می باشد و با جامعیت که از خصوصیات ذهن فلسفی است سازگاری بیشتری دارد .در ترکیب فیلسوف نتایج پژوهشهای دانشمندان مختلف را درباره اشیاء ، حوادث ، پدیده ها و وقایع با هم ارتباط می دهد و از این طریق نظری جامع درباره جهان بوجود می آورد.

۴) **بررسی ارزشها** (کار اصلی فلسفه عصر ما)

۵) **سیر عقلانی یا نظری(** تفاوت اساسی فلسفه و علوم) نفی محدودیتها: ذهن را از نفوذ اینگونه عوامل محفوظ نگاه دارد. وایت هد دیویی و راسل برای خلق افکار تازه و ازمیان بردن محدودیت های فکری سیر عقلانی مهم می دانند

۶) **تفسیر یا بسط نظریات علمی** : اصل تحول

روش تحقیق :

۱) **مناظره یا مباحثه** : تحلیل کلمات و مفاهیم – اثبات یا رد نظریه

۲) **روش قیاسی و استقرایی** : قیاسی در ریاضیات کاربرد دارد. استفاده از مشاهده در پژوهش های فلسفی مشاهده و ازمایش مقدمه ی ایجاد فرضیه هاست.

۳) **روش حل مساله** : جان دیویی

روح فلسفی: طرز تفکر ، نحوه برخورد، گرایش و خصوصیات فکری

خصوصیات روح فلسفی: سعه صدر ، تردید منطقی، ترقی طلبی ، ژرف اندیشی، دید وسیع ، طرفداری از ارزش های انسانی، وحدت شخصیت

خصوصیت ذهن فلسفی دکتر اسمیت:

۱) جامعیت-- تصویر بزرگ دیدن(نشان دادن سعه ی صدر در مقابل افکار و عقاید مختلف) سازگاری با ترکیب

۲) تعمق (از روش فرضیه ای – قیاسی استفاده می کند) مورد سوال قرادادن اموری که دیگران بدیهی و مسلم فرض میکنند .

۳) قابلیت انعطاف

وجوه فلسفه : سه سبک

۱) فلسفه نظری (ماهیت جهان کیست؟ درباره هرچیزی که وجود دارد.فرضیه هایی درباره جهان و انسان که با **فرایند** تعلیم و تربیت در ارتباط است.) پیوستگی در تمام قلمرو اندیشه و تجربه، یافتن نظام و تمامیت کل بودن . تعیین اهداف در فرایند تعلیم و تربیت مربوط به فلسفه نظری است.

۲) فلسفه دستوری (تجویزی یا هنجاری یا ارزشی) ارزیابی ارزشها و داوری خوب و بد زشت و زیبا(تعیین **اهداف** تربیتی)

۳) فلسفه تحلیلی (کلمات و معنا) بذرش توسط فلسفه ی زبان عادی افشانده می شود.

تعلیم و تربیت به عنوان تشکیل ذهن(دیویی)

وجود قوای ذهنی را مورد انکار قرار می دهند طرز تفکر هربات

صدق و کذب گزاره های تربیتی تعلیم و تربیت از راه مراجعه به تجربه و مشاهده معلوم است.

ماهیت ارزشها

۱) نظریه عینی(مورد پذیرش همگان و توافق عمومی باشد مثل تابلوی نقاشی) قضایای ارزشی جنبه ی عینی داشته و قابل بررسی عقلانی هستند.
۲) نظریه ذهنی یا شخصی"(مورد علاقه فرد با توجه به احساسات و تمایلات) مکتب تحلیلی (بدون وجود افراد انسان ارزش تحقق پیدا نمی کند)
۳) رابطه ای : ارزش هم وابسته به خصوصیات شی و هم وابسته به ذوق و تمایلات افراد است.
۴) زمینه ای دیویی(با ارزش بودن یک شی وابسته به موقعیتی است که این شی در آن ظاهر می شود) پراگماتیسم

قضایای ارزشی مثل قضایای علمی قابل بررسی عقلانی هستند. اما فلسفه تحلیلی منکر جنبه ی معرفتی میشوند.

برخورد شی خارجی با شخص معین موجب پیدایش معرفت می شود.

نظر ایده آلیست ها درباره معرفت: امری ذهنی

نظر رئالیستها درباره معرفت: امری عینی و خارج از ذهن(ذهن هیچ دخالتی ندارد.)

نظر پراگماتیسم ها درباره ی معرفت : محصول امور خارجی و فعالیت های ذهنی می دانند.این ها را از هم تفکیک نمی کنند.

منابع معرفت :

۱) حواس ، عقل، شهود (مراحل مختلف تجربه)
۲) آداب و رسوم ، سنتها ، مراجع و عقاید عمومی

سقراط : خودت را بشناس ، بنیاد منطقی ، سرآغاز مباحث متافیزیک فلسفه و علم

نیچه : ای انسان خودت باش

مارکانگو: انضباط در نوشته های او زیاد است ، مخالف تنبیه اما گاهی نیاز است.

شوپنهار: جهان پندار من است . متافیزیک آرمان گرایی(ایده آلیسم)

افلاطون: رسیدن به روشنایی ، نقش بازی،تربیت. تربیت دوگانه است (1 تربیت فرد (2 تربیت جامعه

تربیت فرد: ۱) تن ۲) روان

دیالکتیک بالارونده فرود آینده

تفاوت بنیادی بین علم و فلسفه

ارسطو : سه عامل نیک وبا هنر شدن انسان ۱) سرشت ۲) خو(عادت) ۳) فرد (بدترین)

فضیلتهای میانه: سروکار داشتن با تمایلات و تاثیرات

فلسفه دانشی در جستجوی اصل ها و علت ها

هربات: استفاده از روانشناسی در فن آموزش و پرورش ، تعلیم و تربیت امری منظم و هدف دار، پایه گذارعلمی کردن علوم تربیتی و روانشناسی علم،گامهای آموزش هربارت، هنر اخلاقی ، تعلیم و تربیت امری اتفاقی و بدون نقشه نیست بلکه منظم و باروش خاص و هدف معینی است. مراحل اموزشی هربات مبتنی بر درک او از چگونگی فهم انسان بود. **بنیان گذار آموزش و پرورش نو** و **بنیانگذار علمی کردن آموزش و پرورش**

انتقاد هربات به پستالوستی: برنامه آموزشی پستالوستی فراگیر است.

بخش بزرگی از نارساییهای دانش ما درباره آموزش و پرورش نتیجه نبودن روان شناسی است .ما تنها آن گاه خواهیم توانست درباره درستی یا نادرستی کارآموزشی دقیق قضاوت کنیم که نخست این علم را پدید آوریم.

راسل:

تعلیم و تربیت را کلید جهان نو می داند.

فلسفه روشنگری مفاهیم از راه تحلیل انهاست.

منش خوب از دیدگاه راسل :۱) شادابی و سر زندگی ۲) جرات یا دلیری۳) حساسیت ۴) هوش پرورش یافته

حساسیت از ویژگی های کسی است که انگیزه های گوناگون در او حالتهای عاطفی بر می انگیزد.

از بزرگترین عیب های اخلاق نیستی کم شمردن هوش است.

دلیری نخستین گام در این راه رهایی از ترس است و راسل ریشه را در تربیت و برای رهایی از ترس و رسیدن به دلیری دوعامل را لازم می داند ۱) احترام به خود و دیگران ۲) نگاه غیر شخصی به زندگی

و باید گذاشت دانش آموز فعال باشد نه منفعل این کارآموزش را از حالت رنج زا به حالت شادابی بدل خواهد کرد.

راسل سرشت را ماده خاصی می داند که تربیت به آن شکل می دهد و به کاربردن کیفر را نادرست می شمارد و بر فعالیت دانش آموزان تاکید می کند.

فروبل: مرحله اگاهی و مرحله بعد خوداگاهی **بنیان گذار آموزش و پرورش نو**

بازی کردن طبیعی ترین راه آگاهی به محیط و آگاهی به خود است زیرا بازی آزاد ترین فعالیتی است و همه هستی کودک چون یک کل در آن جلوه می کند .

برای اولین بار کودکستان را بر پا کرد.

هدف ومقصد تربیت پروردن طبیعت حقیقی و خدایی انسان ونمایان کردن جنبه ابدی و بی پایان اوست

بنیاد اندیشه او همان نظریه بنیادی روسو و پستالوتسی یعنی اصل است که تربیت باید پیرو طبیعت و مراحل و قانون های آن باشد.

نظر فروبل درباره ی پستالوستی: پستالوستی انسان را فقط در نمود و زندگانی زمین نمایان میشود در نظر میگیرد ولی من به جنبه جاودانه ی او می نگرم.

ویژگی بنیادی زندگانی فروبل این بود که مدام در خود می اندیشید و خود را می کاوید و خود را تربیت می کرد.

کمینوس : دانش فراگیر ، **آموزش و پرورش نو**، اموزش متناسب با استعداد فراگیران ، هدف اموزش و پرورش دانش اخلاقی و دین ، دگرگونی کردن آموزش و پرورش از نظر روش برنامه و کتاب های آموزشی،یگانه کردن فرقه های پرتستان و اتحاد با کاتولیک ها، سه بنیاد او (1 تجربه (2 خرد (3 حقیقت و برترین معیار کومینوس را از راه حقیقت در دین وحی **بنیان گذار تعلیم و تربیت جدید مغرب زمین**

- انسان چنان پرورش یابد که زندگانی این جهان را به خوبی بگذراند و برای زندگی آن جهان آماده شود این کار زمانی امکان دارد که جهان را بشناسد – فرمانروای خود شود به خدا رو آورد.
- سه قلمرو او ۱) دانش۲) اخلاق ۳) دین
- تاکید کمینوس بر حس و تجربه
- اصل کمینوس در آموزش و پرورش :طبیعت هر کاری را در زمانی مناسب انجام میدهد.
- در طبیعت نخست ماده است بعد صورت
- پایان دوره اموزش را اغاز دوره پژوهش میداند. پیشرو در تربیت کودکستانی
- هدف آموزش و پرورش شناخت و درک وجود مطلق بوده و کتاب انجیل نیز حاوی کلیه اطلاعات و معارف لازم است.
- هدف غایی از دانش فراگیر ، از میان بردن ستیزه های فرقه ای است.
- تحول طبیعی همواره از درون صورت می گیرد .
- بهترین دوره تربیت کودکی است که آغاز زندگی و بهار عمر است . موضوع درسها را باید متناسب با دانش آموزان برگزیده و به هیچ رو به دانش آموزان درس هایی که از توان آنها بیرون است زمان آن فرا نرسیده نپرداخت.
- هدف آموزش و پرورش شناخت و درک وجود مطلق بوده و کتاب انجیل نیز حاوی کلیه اطلاعات و معارف لازم است.
- مهم ترین اثر تربیتی او **آموزش بزرگ**
- تکیه بر اهمیت حس و تجربه از مهترین اندیشه هاست

: **کلاپارد** : کلاپارد آن حالت خاص موجود زنده را که سبب جنبش واکنشی شود، رغبت می نامد.

فیلیپ فینیکس: افراد از روی قصد و اراده ، رشد افراد دیگر را هدایت میکنند.

نظر ایده الیست ها درباره حقیقت: توافق با دیگر قضایا ، عدم توجه به امر خارجی

نظررئالیست ها درباره حقیقت: مطابقت تصور ذهن با امر خارجی

نظر پراگماتیسم ها درباره حقیقت : حقیقت داشتن با امور خارجی و مفاهیم ذهنی و قضایای ثابت شده

ایده آلیستها (آرمان گرایی)(پندارگرایی،معنی گرا): اصالت ذهن، نظریه ی تطابق ،نقش معلم به عنوان اسوه ی اخلاقی ، روش اموزش دیالکتیک یا سقراطی ، جهان ماده متغیر و جهان معنا ثابت است، انتقال میراث، محتوای درسی، هدف اموزش و پرورش کمک به تحقق ذات است، معرفت برخاسته از ضمیر دانش اموز است نه فرو کرده در ذهن دانش آموز، تئوری پیوستگی حقیقت ، مطالعه تاریخ و فلسفه برای وحدت بخشیدن به آموخته ها، تخصص گرایی، مطلق بودن، بهادادن به علوم انسانی، شهودگرایی و هسته ای و میان رشته ای و سلسله مراتبی،فلسفه و الهیات در راس قرار دارند، تاریخ و ادبیات منشا الگوهای فرهنگی و اخلاقی، ریاضیات انتزاعی هستند ، علوم طبیعی کمتر بها میدهند. بیشتر با معرفت سروکار دارند. یکی از هدف های تربیتی ایده الیسم جستجوی حقیقت است.

برنامه درسی متشکل از موضوعات شهودی، به دلیل شهود گرایی ایده آلیست ها

به هدفهای آموزش و پرورش بیشتر از روشهای تدریس توجه دارد و به علوم انسانی یا هر چه که به انسان ارتباط دارد از مطالعه علوم طبیعی اهمیت می دهد.

جهان معنا نمونه و پرتوی از جهان ماده و طبیعت است.

ارمان گرایی مطلق همان ایده الیسم هگل است.

هورن : تعلیم و تربیت از مرحله طبیعی به اگاهی روانی است. روح انسان و تثلیث (مسیحیان)

کالکینز: واقعیت های روحی

همخوانی با بنیادگرایی (ماهیت گرایی)

بنیانگذار ایده الیسم (افلاطون) ودیگران : هگل ، کانت، دکارت ، برکلی، هورن، باتلر و...

باتلر: جریان تربیتی را شامل معلم ف تقلید ، رغبت و کوشش ، انظباط و خودکاری شاگرد می داند.

کانت : دخالت حس و عقل ، نقطه ی اصلی اندیشه های کانت **انسان** بود، ادم بسازد ، آزادگی یعنی وابستگی به قانون اخلاق، ازادی **بنیانگذار متافیزیک اخلاق و نقد خرد علمی**

وجدان آدمی سرچشمه ی اخلاق و قانون اخلاقی است.

اراده آزاد از دیدگاه کانت

دین باید با آگاهی اخلاقی همراه باشد.

آدمیت آدمی در گرو تربیت اوست.

فلسفه کوششی برای شناختن خاستگاه و ماهیت شناسایی

انسان تنها حیوانی است که نیازمند تربیت است زیرا تنها حیوانی است که شگفتن توانایی های طبیعی تربیت او نادانسته و

نبودی خود صورت نمی گیرد دو مستلزم کوشش و آگاهی از هستی اوست.

مراحل تربیت از دیدگاه کانت : ۱) فرو ترین مرتبه انضباط ۲) فرهنگ و تمدن ۳) تربیت اخلاقی

هدف انضباط: به فرمان در آوردن جنبه حیوانی آدمی ورام کردن طبیعت وحشی اوست. انضباط وحشیانه نباشد.

نظریه کانت درباره ی دین و دینداری : دین را بایددر پیوند با اخلاق اسلامی و کمال معنوی انسانی نگریست و نه در آموزش هایی که بنیاد شان بر پدید آوردن احساس ترس یا امید به پاداش است.

راه حقیقی ستایش خدا همانا طبق اراده او عمل کردن

دکارت : خودت را فتح کن ، پدر فلسفه ی نو ، همه ی آموخته ها را باید از نو شروع کرد و خود را از هر گونه طبیعت رها نمود،به کنار نهادن زبان تاریک اهل مدرسه و توجه به زبان ساده و روشن ودر نتیجه زبان مادری، تاکید بر اندیشیدن خردمندانه

وی در تمثیلی جالب، فلسفه را به درختی تشبیه کرد که ریشه اش را متافیزیک، تنه اش را فیزیک و میوه هایش را اخلاق و طب و مکانیک تشکیل می دهند .پس از این تشبیه، یاداور می شود که باید از انتهای شاخه و میوهچید و نه از ریشه و یا تنه.

بنیان گذار مکتب عقل گرایی

واقع گرایی (رئالیست ها): شاخص فلسفه ی تربیتی رئالیستی تخصص گرایی، واقعیت پدیده ها خارج از ذهن ، نظریه ی مطابقت ، صورتهای اشیا ، موضوع برنامه درسی جداگانه ، در وهله اول علوم تجربی و ریاضیات بعد علوم انسانی و اجتماعی ، موضوع محور

در نگاه رئالیسم هر چیز سازگار با طبیعت دارای ارزش است و معیارهای ارزشی از طریق عقل تعیین می شوند.

از دیدگاه رئالیسم ذهن انسان در بدو تولد همچون لوح سفیدی است که به تدریج معلومات از طریق حواس در آن نقش می بندند.

شناخت یا معرفت ابتدا از راه ادراک حسی حاصل می شود ، بدین جهت تربیت نیز باید پیش از فعالیت حافظه بر ادراک حسی مبتنی باشد.

همخوانی با پیشرفت گرایی

جان لاک، برودی، وایتهد،واقع گرایان عقلی(ارسطو) واقع گرایان دینی (سن توماس اکویناس) واقع گرایان طبیعی یا علمی(وظیفه فلسفه عبارت است از هماهنگ کردن مفاهیم و یافته هاي علوم مختلف ، هماهنگ با روانشناسی رفتارگرا فرانسیس بیکن)

جان لاک : حس ، ریاضی وسیله ای برای خردمند شدن

بنیان گذار لیبرالیسم

سیاسی مردم سالاری) دموکراسی (و آزادی خواهی) لیبراسیم .

از فلسفه و آموزش و پرورش اسکولاتیکی دانشگاهی سخت ناخشنود بود و آن را تاریک و بیهوده می دانست.

دانش شناختی پیشروان نظریه **تجربه گرایی**

عقل سالم در بدن سالم

طبیعت انسان خنثی است.

عدم اجبار در یادگیری

تشویق و تنبیه حقیقی را همانا ستایش و سرزنش یعنی عامل هایی می داند که روانی اند نه جسمانی.

ریاضی را به هر کسی که وقت دارد باید آموخت برای خردمند شدن و نادیده گرفتن دیگر دانش ها را مایه تنگ نظری و مانع اندیشه باز می داند وهدف را انباشتن دانستنی ها نمی داند

تربیت از طریق برهان ودلیل

لاک برای کودکان فقیر بر پایی آموزشگاه کار را پیشنهاد می کنند که هدف آن فقط کار آموزی است دید لاک دید واقع بنیانه است.

به دریافت از راه تجربه اعتقاد دارد و کودک نوزاد را لوحی سفید ننوشته می داند که از راه حس مفاهیم را دریافت می کند و انسان هیچ ایده یا اصلی را درخود کشف نمی کند بلکه هر چه در می یابد از راه تجربه است.

تعلیم و تربیت گونه ای شکل دادن و باراوردن

هدف آموزش و پرورش را نیرومندی تن ، فضیلت و دانش می داند و آن ها را به سه بخش بدنی،اخلاقی و فکری تقسیم میکند.

آموزش و پرورش باید بر حسب تفاوتهای طبقات اجتماعی متفاوت باشد.

بر آزادی مذهب تاکید می کند.

تربیت معنوی لاک: ۱) هنر اخلاقی۲) دانایی ۳) ادب و آداب دانی ۴) آموختن

از دو سرچشمه سخن می گوید۱) احساس۲) تفکر یا حس بیرو نی و حس درونی

لاک در تربیت به دو طبقه بالا : اموزشهایی را پیشنهاد می کند تا کودک به اعتدال برسد

و طبقه پایین : پیشنهاد مدرسه کار

کسانی که با کودکان سروکار دارند باید استعدادهای آن ها را بخوبی مطالعه کنند.

برودی(رئالیسم کلاسیک) : محتوی و صورت ، تحقق خویشتن و وحدت بخشیدن به خویشتن،زندگی خوب هدف تعلیم و تربیت ،شخصیت انسان از سه بعد(رشد خود، ازادی خود، وحدت خود) ، انتقاد از برنامه درسی که از موضوعات مجزا تشکیل شده، تعلیم و تربیت یعنی کنترل و در ضبط داشتن یادگیری ، انواع تربیت ۱- محیطی خود بخود و از طریق عکس العمل مشروط ۲-غیر رسمی در خانواده یا موسسات غیر تربیتی ۳-تربیت رسمی

شاخصه های زندگی خوب **بعد فردی** : ۱- برخورداری از سلامت بدن ۲- برخورداری از امنیت عاطفی ۳- احساس قدرت و احترام ۴- امید نسبت به اینده

اما **بعد اجتماعی** : تربیت شهروند شایسته را هدف تعلیم و تربیت می شناسد.

وایت هد: مفاهیم بی حرکت را باید در تربیت بچه کنار گذاشت. کسب مهارت و هنر

پراگماتیسم : فلسفه **تجربه** گرایی ، آزمایشی: منبع نهایی عقل انسان است، تجربیات انسانی ،کثرت در جهان، محصول امور خارجی و فعالیت ها ی ذهنی، ارزش ها نسبی، روش تحقیق، اصل ارتباط پیوستگی، هدف تربیتی زاییده فعالیت های جاری، معرفت عین حقیقت،اهداف باید قابل اجرا و با فهم و قابل انعطاف باشند، آزادی عقل، میان رشته ای، اکتشافی و حل مساله ، دموکراسی، کارپژوهش ، رد ثنویت گرایی و رد مطلق گرایی، نظریه زمینه ای داز نظر مکتب پراگماتیست یا عمل گرایی آنچه ورای تجربه است قابل درک نمی باشد و نباید فرد برای درک آن تلاش کند. آغاز اندیشیدن شک و ابهام و سر گشتگی است.

دیدگاههاي اصلی فلسفه عملگرا از دیویی عبارتند از: ۱) واقعیت تغییر ۲) اعتقاد به اینکه طبیعت انسان اساساً جنبه اجتماعی و زیستی دارد۳) نسبت ارزشها و ۴) استفاده از هوش نقاد ۵) اهمیت دموکراسی به عنوان روش زندگی.

طبیعت و کردار انسان داراي عنوان فرعي مقدمه اي بر روانشناسي اجتماعي است که ديدگاه هاي روانشناختي ديويي را بيان مي کند.

سودمندی و به کار آمدن یعنی یک اندیشه آنگاه درست است که به کار آید و مشکلی را بگشاید و به کار امدن تنها معیار درست بودن اندیشه هاست. بنیاد فلسفی این اندیشه آن است که همه چیز در حال شدن و نو شدن است. مدرسه و جامعه بیرون از مدرسه باید به هم نزدیک شوند.

همخوانی با بازسازی گرایی

پیرس ، مید، جیمز،دیوئی، جیلدز، هول فیش

دیویی : داروینیسم ، قادر ساختن افراد به ادامه و استمرار اموزش و پرورش خود ، جان دیویی در تمام آثار خود بازسازی مجدد تجربه را مورد تأکید قرار می دهد.مدرسه اجتماعی است که بچه ها در آن می اموزند و ساختن تجارب یادگیری ، اندیشه های او ریشه در ساختن گرایی اجتماعی دارد. نگرش دیویی که آموزش و پرورش مبتنی بر تجربه بود.

اگزیستانسیالیسم(وجودگرایی): تقدم وجود بر ماهیت، فردگرایانه، آزادی ، مسئولیت ، خود مسئول، انتخاب انسان ، ارزش ها نسبی ، معرفت جنبه شخصی، تخصص انسان را متزلزل می کند، انسان ماهیت خود را میسازد

هدف تعلیم و تربیت : خدمت به انسان است و آگاهی انسان از خویشتن (آگاهی درست و لازم از خود)

به نظر طرفداران تعلیم و تربیت باید فرد را با جهانی که در آن زندگی می کند و ارزشهای مطلق و ثابت آن آشنا کند

گارد، یاسپرس و مارسل(معتقد به خدا)، هیدگر،دیدرو،ولتر، سارتر(منکر خدا بود)، کیلیوموریس .

سارتر: انسان ماهیت خود را می سازد.

کارل یاسپرس:

کار او روشنگری فلسفی برای بیدار کردن انسان است ایشان بزرگترین عیب آموزش و پرورش امروز را فراموش کردن انسان و ارج او می داند و ایشان اعتقاد دارند انسان بودن انسان شدن است انسان اصیل یگانه است دومی ندارد وبه هیچ رو نمی توان او را با دیگری عوض کرد و ایشان شکست را زمینه شکستگی هستی یعنی به خود آمدن می داند.

آنسو روندگی که در سخنان یاسپرس اشاره به خداست ، اشاره ای به حالت از خود فراتر رفتن آدمی نیز هست.

روان شناسی که همه چیز را به رفتار بر می گرداند.

یاسپرس بویژه از سه آزمون فسلفی که زمینه ی بیداری است یاد می کند . این سه آزمون نتیجه ی رو کردن به شناختن حقیقت جهان ، حقیقت خود و خداست ، یاسپرس می گوید : انسان در هر سه آزمون ، با شکست روبرو می شود . اما همین شکست او را از غفلت بدر آورده ، بیدار می کند . از اینرو شکست نه تنها پایان راه نیست بلکه زمینه شگفتی هستی یعنی بخود آمدن است.

یاسپرس می گوید برنامه ریزی نه تنها به خود خودی بد نیست بلکه لازم و سودمند نیز است ولی به شرط آنکه همواره به حد آن آگاه باشید و هیچ گاه بر آن نشویم که همه چیز را برنامه ریزی کنیم و همه جزئیات آن را مشخص نماییم.

روانشناسی بویژه علم بیماری هایی روانی ، سودمند خواهد بود به شرط آنکه ما حد آن را بشناسیم . روان شناس چون یک اتوریته ، نمود ترسناکی است.

اهمیت دارد بیدار کردن روحیه تاریخی انسانی است.

آن چه که برنامه ریزی و دانش آموزی ، به جای آنکه وسیله هایی باشند برای هدایت در برگیرنده ، هدف های بخودی خود شمرده می شوند ، آموزش و پرورش خشن می شود ، انسان به کار تبدیل می گردد ، امکان اوج گرفتن او از میان می رود و به صورت یک انرژی فقط زنده در می آید.

طبیعت گرایان(ناتورالیسم): جهان قائم به ذات است، روش استقرایی، نظریه داروین، معلم تاثیری ندارد، طبیعت مستقل از انسان ، حواس منبع کسب معرفت، فرد اصالت دارد، با واقع گرایی و حس گرایی و تجربه گرایی مشترک است، برنامه درسی تحقیق محور، کسب معرفت از طریق تفکر و عکس العمل مشروط

معلم باید خود را کاملا با درسی که تدریس می کند، آشنا سازد و آن را بخشی از تجربه درونی خویش ساخته، به شاگرد به صورت چیزی مصدور از خویش ارائه کند.

ادمی فرزند طبیعت است نه جامعه

همخوانی با پایدارگرایی

هابز، روسو،مک دوگال، ثرندایک ، فروید(تربیت منفی)، پستالوستی ، اسپنسر(داروینیسم اجتماعی را رواج داد)

اسپنسر: نظریه تکاملی داروین ، کار تربیت سازگار کردن انسان با محیط است. فلسفه ی ترکیبی

روسو :

- پیشرو روانشناسی کودک(کودک مداری و کودک محوری)، کتاب معروف او امیل ، معتقد به فساد جامعه،مخالف تنبیه بدنی و موافق نظریه مجازات طبیعی، مخالف نیروی عقل، گروهی بازی کردن بچه ها ، کارورزی یعنی تکرار کارها نه مهارت بیشتر، طبیعت فردی اجتماعی
- تربیت آماده شدن برای زندگی است .
- مخالف انچه هست عمل کنید که در اینصورت همواره خود را همواره در راه صواب خواهید دید.
- برترین جنبه انسان بر حیوانات :وجدان اخلاقی یعنی توانایی تشخیص نیک از شر و گرایش به نیکی است
- تربیت اخلاقی آموختن اخلاق نیست بلکه فراهم کردن زمینه ای است برای واقعیت یافتن نیکی طبیعت انسان و بیدار شدن و به کار آمدن وجدان اخلاقی
- مخالف تلقین
- اعتقاد به تربیت منفی از پیدایش عیب ها جلوگیری کنیم.
- نظریه روسو درباره تربیت دینی : تربیت دینی به هیچ رو آموختن آداب و احکام نیست بلکه بیدار کردن محبت و ستایش خداست
- تربیت عقلانی، اخلاقی و دینی، به معنای رایج کلمه، با هدف ایجاد خردمندی در به کار بردن احساس ها و اشتیاق
- وفادار ماندن به طبیت و پیراستن آن از پیرایه های ساختگی است آنچه از دست آفریننده جهان بیرون می آید نیک است ولی چون بدست بشر می افتد تباه می گردد.
- پیشرفت تمدن مایه تباهی اخلاق انسانی است.
- تربیت منفی است ۱) تجربه پیرامون ۲) پرورش حواس از راه بازی و ورزش از ۱۲ سالگی به بعد آنچه را که از راه حواس آموخته به مفهوم در آورد.
- آموزگار خوب از نظر روسو: کسی نیست که درکمترین زمان بیشترین را می آموزد بلکه کسی است که شوق به آموختن و فهمیدن را در شاگرد بر می انگیزد هدف آموزش وپرورش انباشتن اطلاعات نیست بلکه بکار آورن توانایی اندیشیدن و فهمیدن است.
- سه استاد تربیت:۱) طبیعت ۲) اشیاء(کسب تجربه از موقعیتها) ۳) انسانهای دیگر اگر این ها با هم یکی شوند تربیت صورت می گیرد واین سه طبیعت را باید اصل بگیریم
- افکار تربیتی روسو در کتاب امیل
- مدرسه نمیتواند جانشین خوب خانه شود.
- تربیت راهی برای در بند کردن آدمیان است
- نقش مربی از دیدگاه روسو، نقش راهنما و هدایت کننده است.
- به اعتقاد او به کودک نه مانند یک حیوان غیرمنطقی و نه مانند یک انسان کامل و بزرگسال، بلکه صرفا باید به عنوان یک کودک نگریست.

- به نظر او تربیت درست، تربیت منفی است، یعنی برای این که طبیعت بتواند آزادنه رشد کند، باید کودک را از جامعه دور نگه داشت تا به سن عقل برسد.

- هر چیز که از دست خداوند یا خالق طبیعت بیرون می آید خوب است فقط دستهای بشر است که آن را خراب و فاسد می سازد

- مراد من از تعلیم و تربیت منفی تربیتی است که قبل از دادن معلومات سعی می کند اندامهایی را که وسیله کسب معلومات هستند بهتر دقیق تر سازد تعلیم و تربیتی که از راه ورزیدن حواس ما را برای تعقل آماده نماید .تعلیم و تربیت منفی به کسی فضایل اخلاقی نمی دهد ولی از معایب جلوگیری می کند .از آنچه گفته شد می توان دریافت که او تعلیم و تربیت منفی را نوعی انتظار برای یادگیری و دخالت نکردن می داند زیرا معتقد است که در دوران کودکی باید بتوانیم که هیچ گونه دخالتی نکنیم .

- به همین جهت روسو پیوسته یادآور می شود که باید اقدام مثبت تعلیم و تربیت مثبت را هر چه بیشتر به تأخیر انداخت . مثلا می گوید :هیچ نوع آموزش شفاهی به کودکان ندهید بلکه بگذارید از طریق تجربه به آن دست یابد هرگز او را تنبیه بدنی نکنید، زیرا هنوز علت خطای خود را نمی داند و بالاخره قبل از دوران جوانی به کودک درس اخلاق ندهید و تا آنجا که ممکن باشد همه چیز را به تأخیر بیندازید و وقت را ضایع نمایید.

- روسو در مورد تأخیر انداختن آموزش و آماده نمودن کودک از پیش در واقع نوعی آزادگذاری کودک را القاء می نماید. هیچ نوع آموزش شفاهی به کودکان ندهید بلکه بگذارید از طریق تجربه به آن دست یابند و یا آنها را آزاد بگذارید تا به دلخواه در بازیها شرکت کنند وانرژی خود را در این راه مصروف دارند .بدین ترتیب روسو آزادی امیل را به معنای یک نوع انضباط می داند.مدینه ایده ال

- خود را بیرون از دایره خطا نمی داند گناهان خود را بر می شمرد.

- تفاوتهای بین آموزشگاه ها که آدم های ندار و دار جدا از یکدیگر تربیت شوند دوست ندارد در تربیت باید یکسان صورت گیرد.

پستالوستی: آفریدگار ،وجود سه نیروی جسمانی(طبیعت حیوانی) اجتماعی(هم امیزی با دیگران) و اخلاقی(کوشش های درونی) در انسان ، ذات تربیت نه در اموزش بلکه در محبت است ، **بنیان گذار آموزش و پرورش نو**

انتقاد هربارت به او(نادیده گرفتن نقش و اهمیت برنامه درسی)

، انتقاد فروبل به او(وحدت موضوعات درسی)

تکیه اصلی او بر نیکی طبیعت انسان است. تاکید در آموزش نظری و دریافت حس است.

نیک بختی در محبت و نیک خواهی است و این راه تحول جامعه است.

اولین کار مربی باید شناخت طبیعت انسان باشد.

هدف آموزش و پرورش رشد تکامل موزون تمامی استعدادها و قابلیت های جسمی و روحی کودک مطابق با اصول و قوانین طبیعی است.

انسان به خود به خود نیک است و می خواهد نیک باشد ولی می خواهد که این نیکی با نیک بختی همراه شود.

انسان آنگاه خدا را می شناسد که خود را بشناسد و وقتی خود را بزرگ می شمارد که خود را بزرگ بداند و برای آموزش دین باید با کردار عمل کرد. و بر آن بود که راه آسمان همان پیمودن راه خود در زمین است بر حسب وظیفه و بر این استوار است که بی عشق انسان بی خداست و اگر عشق به خدا نباشد انسان چیست.

پداگوژی یا تعلیم و تربیت یک نظریه است.

دورکیم پداگوژی را یک نظریه عملی به شمار می آورد، نظریه ای که موضوعش تفکر درباره نظامها و شیوه های تربیتی است.

نظریه های تربیتی معاصر:

۱) **پایدارگرایی**(، ازادی، اشرافیت فکر، برنامه درسی **موضوع محور**، اصول مطلق، متهم به پروراندن اشرافیت فکر(سنت قدیم اثار بزرگ)، به باراوردن کارگران مولد ، بکاربردن نیروی تفکر به عنوان محافظه کارترین فلسفه تعلیم و تربیت یاد می شود.
ارسطو ، توماس اکوینی، مورتایمرجی، آدلرو سرریچارد، لیوینکستون
طبیعت ادمی ثابت است.
باید برخی دروس اساسی را با دانش آموز آشنا کرد نباید به زور او را وادار به مطالعات کنیم.
دانش آموزان باید اثار بزگ ادبیات ، فلسفه ، تاریخ و علم را مطالعه کنند
لازمه ی تحقق خویشتن ، انضباط درونی یا شخصی کودک است و لازمه ی دستیابی به انضباط درونی تنها از طریق انضباط بیرونی امکان گذیر است.
حقیقت را منطقی ثابت و تغییر ناپذیر می دانند.
آشنایی با تجارب متعالی و برجسته بشری در طول تاریخ
تربیت باید در پی سازگاری فرد با راستین است باشد، نه عالم به صورت کنونی ، و این که سازگاری با حقیقت غایت یادگیری است.

وفاداری به اصول مطلق

عالی ترین صفت انسان تعقل است.

به رغم تغییرات شدید اجتماعی ، ثبات واقعی تر از تغییر و پیروی از ثبات به عنوان یک آرمان ، مطلوب است.

تربیت تقلیدی از زندگی نیست بلکه برای آماده شدن آن است.

وظیفه ی آموزش و پرورش انتقال معرفت به حقیقت ابدی

یکسان بودن طبیعت انسان در همه جا

هاچینز : حقیقت و تربیت همه جا یکسان است.

۲) **پیشرفت گرایی**(تجربه عملی یادگیرنده،آموزش و پرورش باید خود زندگی باشد **نه اماده کردن** برای زندگی هوشمندانه، اندرزدادن معلم، آزمایش، اموزش و پرورش پیوسته درحال رشد) دیویی

هدف مطلق را قبول ندارد.

یادگیری حل مساله　　معلم تنها تجربه را در اختیار شاگردان قرار می دهد.

دموکراسی : تجربه ی مشترک

آموزشگاه باید مشوق همکاری باشد نه رقابت　　بازسازی مداوم تجربه

یادگیری باید با علائق کودک در ارتباط باشد.

تجزیه و ازمایش دو کلمه مبنایی در پیشرفت گرایی هستند.

اهمیت به یادگیری

اموزش و پرورش باید مبتنی بر همکاری و یادگیری اجتماعی باشد نه رقابت

–در **جریان کسب معرفت، مهم به کاربردن نیروی تفکر** است، حفظ معلومات و مهارتها فاقد ارزش تربیتی می باشد

۳) **بنیادگرایی(ماهیت گرایی)** (پرورش ذهن ، تاکید بر روش سنتی پرورش ذهن ،اهمیت ماده درسی و مهم نبودن علائق آنی کودک ،برنامه درسی **موضوع محور**)ویلیام ، بیگللی، برید، بریگس، ال کندل

ابتکار دست معلم است و معلم در کانون توجه است.

اهمیت تجربه ی نژاد و میراث اجتماعی را بیشتر از تجربه ی فرد می داند.

حفظ روشهای سنتی انظباط ذهنی

بنیادگرایان دستاوردهای بزرگ زمان گذشته به عنوان منبع معلومات برای بررسی مشکلات زمان حال است اما پایدارگرایان به آن احترام می گذارند.

هدف تعلیم و تربیت ،انتقال میراث فرهنگی است.

۴) **بازسازی** گرایی(نظریه جان دیویی در کتاب بازسازی در فلسفه ، براملد اصل جانبداری قابل دفاع ، تاکید بر جامعه پذیری.

فلسفه یک عصر در بحران است.

آموزش و پرورش باید به تغییر عمیق بینجامد.

جامعه باید متحول شود.

دموکراسی اصیل با منفعت عمومی

کودک ، اموزشگاه و خود آموزش و پرورش سخت مشروط و مقید به نیروهای اجتماعی و فرهنگی هستند.

فرانسیس بیکن (موانع : بت) برای شناخت طبیعت باید به سوی آن رفت و قانون های طبیعت را از خود آن آموخت.

پایبند عقاید دیگران گونه ای بت پرستی است.

تاکید بر مشاهده و تجربه

انواع بت ها:

۱) قبیله (عیب و خطاهای آدمی که از طبیعت انسان سرچشمه می گیرد مثل تبار و نژاد)
۲) غار(دلبستگی شخصی)
۳) بازار(واژه های فریبنده)
۴) نمایش(نظریه ها و عقاید)

فلسفه تحلیلی :

روشن سازی مفاهیم اصلی و اعتبار استدلال ها -- مکتب تجربی منطقی منکر جنبه ی معرفتی قضایای ارزشی و اخلاقی است. قضایای مربوط به امور خارجی با قضایای ارزشی اختلاف دارند. اخرین جریان در فلسفه ی تحلیلی ، تحلیل زبانی است.

بذر فلسفه تحلیلی تعلیم و تربیت توسط فلسفه ی **تجربه گرایی منطقی** افشانده شده است.

هدف تربیت در فلسفه ی تحلیلی پیش فرض های نهفته در ادعاهای تربیتی است.

برترانراسل : بنیان گذار فلسفه تحلیل منطقی

ویژگی های اصول تعلیم و تربیت :

تعریف اصول تعلیم و تربیت از نظر دکتر **هوشیار**: ملاک و مبنای کار معلم و شاگرد که از عوامل موجود در حیات استخراج شده باشد.

عینی و واقعی و کشف کردنی هستند نه اعتباری و وضع کردنی

بر حسب شرایط زمان و مکان تغییر می کند.

اصل ها نقض پذیرند.

منشا اصول تعلیم و تربیت .....روانشناسی + جامعه شناسی + فلسفه

ترتیبی اصل ها مهمند:

۱) مطلوب اصل فعالیت.....محدود نکردن دایره فعالیت دانش اموز—باید کودک را ازاد گذاشت—فعالیت مربوط به زندگی آنی

۲) مطلوب اصل کمال.....جلوگیری از زندگی کششی یا حیات سائقی—کنترل زندگی غریزی—اعتماد به نفس کودکان را از بین نبره

۳) مطلوب اصل تفرد.....آزادی در تمایلات شخصی—حفظ فردیت کودک(توجه به رغبت شخصی دانش آموز و تمایلات شخصی او)

۴) مطلوب اصل حریت.....خودکاربارآمدن---شکوفا شدن استعدادها از قوه به فعل

۵) مطلوب اصل سندیت.....پرورش استعدادها به وسیله ی مقررات مدرسه و اقدامات تربیتی معلم ، تمرین، مهارت در درس، تمرینات معلمان باید متناسب با نیاز دانش آموز باشد، مهارت در ریاضی و زبان

۶) مطلوب اصل اجتماع.....وظایف اجتماعی و ایجاد حس نوعدوستی و شایستگی های فردی و اجتماعی کودک

تناقض اول تقابل فعالیت و کمال (مونته سوری)---------- حیات سائقی

تناقض دوم تقابل حریت و سندیت---------- اراده مسبوق به کشش(موضوعی که تناقض دوم را بین دو اصل حریت و سندیت بوجود می آورد عبارت از پرورش استعدادها به وسیله تمرینات و عادات است.

تناقض سوم تقابل تفرد و اجتماع---------- اراده مسبوق به فرد

ارزشیابی:

ازمون وسیله ای برای اندازه گیری نمونه ای از رفتار و ویژگی های روانی – رفتاری به دو دسته

۱) توانایی(استعداد و پیشرفت تحصیلی)
۲) عاطفی(پرسشنامه)

صحیح و غلط ---------- حدس کورکورانه

جورکردنی---------- برای چه کسی چه چیزی چه زمانی وکجا مناسب هستند

آزمون های عینی (صحیح وغلط و جورکردنی و چهارگزینه ای)---------- بازشناسی

کوتاه پاسخ و تشریحی---------- یاداوری و بازخوانی و فراخوانی

آزمون های تشریحی ----------بازسازی

ساختن پرسشنامه به ترتیب مراحل زیر انجام میگیرد:

۱) نوشتن هدف رفتاری
۲) محتوای درس
۳) جدول مشخصات امتحان

انواع مقیاس ها:

کمی(فاصله ای ونسبی) کیفی(اسمی و رتبه ای)

اسمی .....شماره ، مذکر و مونث ،شاد و غمگین

رتبه ای یا ترتیبی.....معدل ، سن ، درآمد خانواده

فاصله ای.....نمرات دانش آموزان در ازمونها، درجه فارنگهایت و سانتی گراد ، دماسنج پزشک،هوش و پیشرفت تحصیلی ، نگرش و شخصیت مثال :نمره ۱۳۰ در یک آزمون هوش نشا ندهندهٔ هوش بیشتری از نمره۱۲۵ در همان آزمون است و فرض شده است که فاصلهٔ بین طبقه های هوش مساوی است، یعنی فاصلهٔ بین ۱۲۵ تا ۱۳۰ مساوی فاصله بین ۱۲۰ تا ۱۲۵ است. دراین مقیاس صفر واقعی وجود ندارد، انجام عملیات ضرب و تقسیم درست نیست.

مقیاس نسبی (بالاترین سطح اندازه گیری و قویترین مقیاس اندازه گیری) در آن صفر واقعی وجود دارد.....متر، بیشتر در علم فیزیک است ، قد و وزن